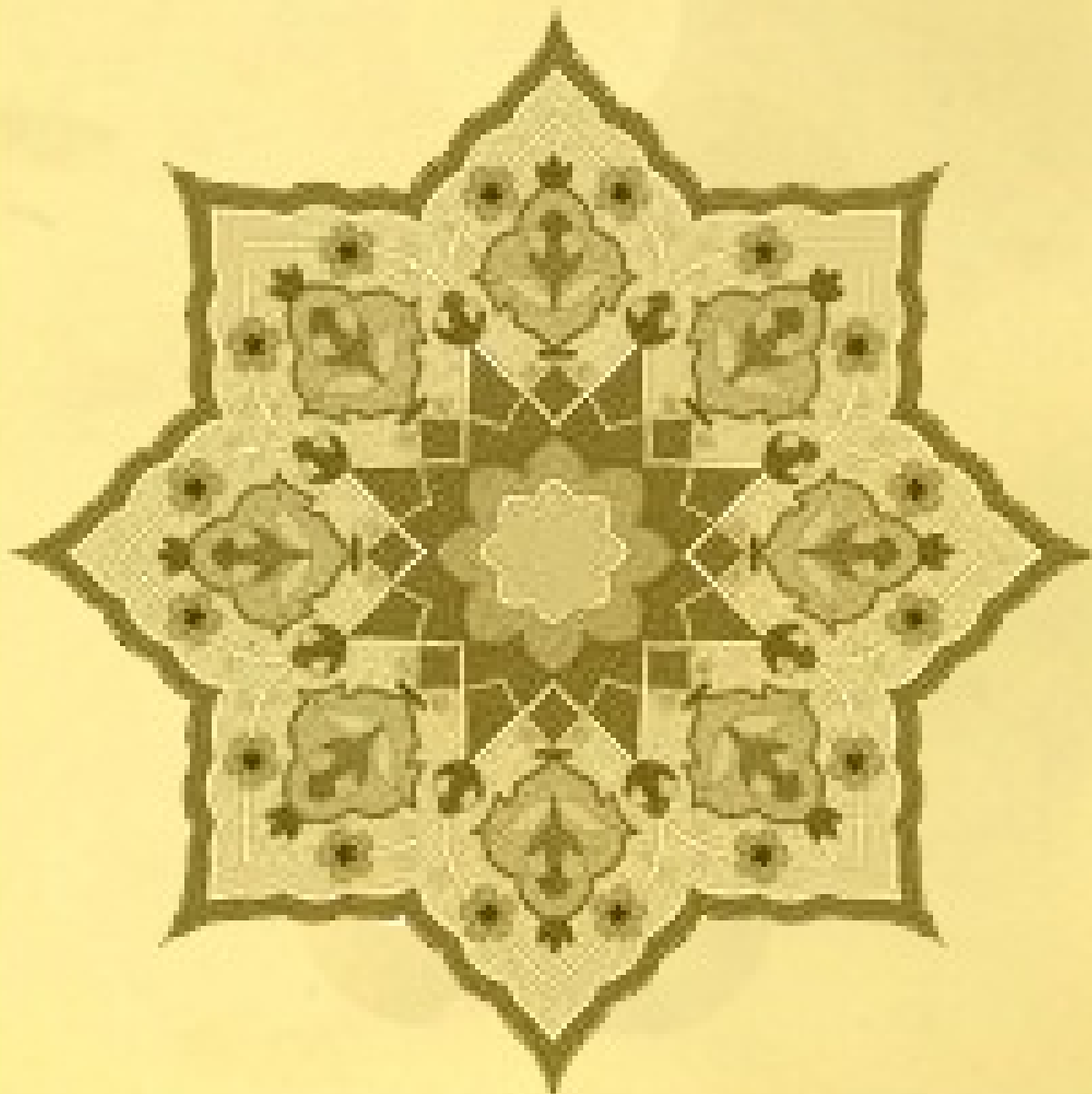


جَوَاصِرُ الْأَشْيَاءِ

بختیشوع بن جبرئیل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خواص الاثياء

كاتب:

بختيشوع بن جبرئيل

نشرت فى الطباعة:

نسخه خطى

رقمى الناشر:

مركز القائمية باصفهان للتحريات الكمبيوترية

الفهرس

الفهرس	٥
خواص الاشيا	٢٨
اشاره	٢٨
مقدمه مصححين	٢٩
طب يوناني	٢٩
رازي از ديده گاه اروپاييان	٣٢
مؤلفات و مصتفات رازي	٣٦
خواص الاشياء رازي	٤٠
درباره چاپ حاضر و نسخه خطي مورد استفاده:	٤٣
[مقدمه مولف]	٤٤
باب اول در شراب ها و ربّ ها	٤٤
سكنجيين:	٤٤
سكنجيين بزوري:	٤٤
سكنجيين بزوري گرم:	٤٤
سكنجيين ريوندي:	٤٤
سكنجيين:	٤٧
سكنجيين رماني:	٤٧
سكنجيين سفرجلي:	٤٧
سكنجيين سفرجلي حار:	٤٧
ساختن خل العنصل:	٤٧
سكنجيين عنصل:	٤٧
سكنجيين عسل:	٤٨
سكنجيين كه خداوند سپرز را سود دهد:	٤٨
سكنجيين:	٤٨

۴۸	سکنجبین اَفتیمون:
۴۸	شراب افسنتین:
۴۸	شراب افسنتین نوع دیگر:
۴۹	شراب افسنتین:
۴۹	شراب افسنتین:
۴۹	شراب اسطوخودوس:
۴۹	شراب هلیون:
۴۹	شراب خندیقون:
۵۰	خندیقون، نوع دیگر:
۵۰	شراب کاکنج:
۵۰	میبه:
۵۰	میبه نوع دیگر:
۵۰	میفختج:
۵۰	میفختج نوع دیگر:
۵۱	شراب سعال:
۵۱	شراب انجیر:
۵۱	شراب انجیر نوع دیگر:
۵۱	شراب کدر:
۵۱	شراب هلیله:
۵۲	شرابی که فواق بنشانند:
۵۲	شراب فواکه:
۵۲	شراب انار ترش:
۵۲	شراب نعناع:
۵۲	شراب آلوی مسهل:
۵۳	شراب انار عذب:
۵۳	شراب خشخاش:

- ۵۳ شراب سیب:
- ۵۳ شراب به:
- ۵۳ شراب ریواس:
- ۵۳ شراب حماض:
- ۵۴ شراب لیمو:
- ۵۴ شراب نارنج:
- ۵۴ شراب غوره:
- ۵۴ شراب عود:
- ۵۴ شراب مورد:
- ۵۴ شراب الورد:
- ۵۴ شراب گل مکرر:
- ۵۵ شراب دینار:
- ۵۵ شراب زوفا:
- ۵۵ شراب تهر هندی:
- ۵۵ شراب صندل:
- ۵۵ شراب بنفشه:
- ۵۶ شراب نیلوفر:
- ۵۶ شراب عتاب:
- ۵۶ شراب گاوزبان:
- ۵۶ شراب بالنگو:
- ۵۶ شراب انجبار:
- ۵۶ پخته فنجوش:
- ۵۸ باب دوم در لعوقات
- ۵۸ لعوق سپستان:
- ۵۸ لعوق خیار چنبر:
- ۵۸ لعوقی که سرفه گرم را نافع بود:

- لعوق زوفا: ۵۹
- لعوق جلعوزه: ۵۹
- لعوق از جهت درد سينه و ذات الجنب و خشونت حلق نافع بود: ۵۹
- لعوق جهت درد سينه نافع بود: ۵۹
- لعوق غار يقون: ۵۹
- لعوق بيرزد: ۵۹
- لعوق حب الزشاد: ۵۹
- لعوق خشخاش: ۶۰
- باب سيوم در مرتبات ۶۰
- هليله مرتبا: ۶۰
- بالنگ مرتبا: ۶۱
- شفاقل مرتبا: ۶۱
- كرز مرتبا: ۶۱
- سيب مرتبا: ۶۱
- به مرتبا: ۶۱
- امرود مرتبا: ۶۱
- آلوجه مرتبا: ۶۱
- خرماى هندی مرتبا: ۶۲
- قرع مرتبا: ۶۲
- خيار كدو مرتبا: ۶۲
- وج مرتبا: ۶۲
- گردكان مرتبا: ۶۲
- گل انگبين قند: ۶۳
- گل انگبين عسلى: ۶۳
- گل انگبين سفرجلى: ۶۳
- گل انگبين لسان الثور: ۶۳

- بنفشج مرتا: ۶۳
- آملج مرتا: ۶۳
- لیمو مرتا: ۶۳
- نارنج مرتا: ۶۳
- قراضیا مرتا: ۶۴
- انبرباریس مرتا: ۶۴
- باب چهارم در جوارشات ۶۴
- جوارش: ۶۴
- جوارش خبث الحدید: ۶۴
- جوارش زعفرانی: ۶۴
- جوارش جالینوس: ۶۵
- جوارش زیره: ۶۵
- جوارش سفرجلی مسهل: ۶۵
- جوارش سفرجلی ممسک: ۶۵
- جوارش تمری: ۶۵
- جوارش شهریاران: ۶۶
- جوارش اترج: ۶۶
- جوارش عود: ۶۶
- جوارش عود، نوع دیگر: ۶۶
- جوارش آمله: ۶۷
- جوارش آمله، معه اضافه: ۶۷
- جوارش مصطکی: ۶۷
- شراب عنبر: ۶۷
- جوارش مصطکی: ۶۷
- جوارش مشک: ۶۷
- جوارش کافور: ۶۷

۶۸	جوارش کندر:
۶۸	جوارش حبّ الآس:
۶۸	جوارش جوزی:
۶۸	جوارش خوزی:
۶۸	جوارش طباشیر:
۶۹	جوارش سماق:
۶۹	جوارش زیره کبیر:
۶۹	جوارش زیره، نوع دیگر:
۶۹	جوارش انجدان:
۶۹	جوارش عطایی:
۷۰	جوارش عنبری:
۷۰	جوارش عنبر:
۷۰	جوارش اسقف:
۷۰	جوارش کافوری:
۷۰	جوارش ملکی:
۷۱	جوارش جلالی:
۷۱	جوارش بسباسه:
۷۱	جوارش بلادر:
۷۱	جوارش حبّه الخضرا:
۷۱	جوارش مقلیاتا:
۷۱	جوارش سمسّم:
۷۱	جوارش منیمن:
۷۲	جوارش نانخواه:
۷۲	جوارش کندر:
۷۲	جوارش تفّاحی:
۷۲	جوارش هندی:

۷۲	جوارش فلافل:
۷۳	فندادیقون:
۷۳	جوارش الملوک:
۷۳	جوارش خسروی:
۷۳	جوارش کرویا:
۷۳	جوارش مسیحی:
۷۴	جوارش خولنجان:
۷۴	جوارش لؤلؤ:
۷۴	باب پنجم در معاجین و تریاقات
۷۴	تریاق فاروقی:
۷۵	مشرودیطوس:
۷۶	تریاق اربعه:
۷۶	تریاق الطین:
۷۶	معجون تریاقی:
۷۶	معجون هرمس:
۷۶	معجون شجرینا [۵۲]:
۷۷	امروسیا:
۷۷	انقرادیا:
۷۷	انقرادیای کبیر:
۷۷	انقرادیای صغیر:
۷۸	فندادیقون:
۷۸	اثاناسیای بزرگ:
۷۸	فلونیای رومی:
۷۸	فلونیای پارسی:
۷۹	دواء الکرکم کبیر:
۷۹	دواء الکرکم کبیر:

٧٩	دواء الكركم صغير:
٧٩	دوالك صغير:
٧٩	كلكلانه مروزی:
٨٠	كلكلانه سرد:
٨٠	معجون قمری:
٨٠	معجون ترب لاشه:
٨٠	معجون تربدی:
٨١	معجون لوزی:
٨١	معجون اسود:
٨١	معجون حجر الیهود:
٨١	معجون عقرب:
٨١	معجون کاکنج:
٨١	معجون مژ:
٨١	معجون حلیث:
٨٢	اصطمخیقون [٥٩]:
٨٢	معجون فلافلی:
٨٢	معجون مبدل المزاج:
٨٢	معجون حب الغار:
٨٢	معجون بادمهیره:
٨٣	معجون زراوند:
٨٣	معجون ابهل:
٨٣	معجون گل:
٨٣	معجون راحه:
٨٣	معجون تربد:
٨٣	معجون زوفا:
٨٣	معجون وج:

- ۸۳ معجون سفنقور:
- ۸۴ معجون لبوب كبير:
- ۸۵ لبوب كبير، نوع ديگر:
- ۸۵ لبوب، نوع ديگر:
- ۸۵ معجون اسرار الاطباء:
- ۸۷ معجون سقراط:
- ۸۸ معجون لؤلؤی:
- ۸۸ معجون عطايی:
- ۸۸ معجون کندر:
- ۸۸ معجون خواجه رشيد:
- ۸۸ معجون بزوری:
- ۸۹ برشعنا:
- ۸۹ برشعنا، نوع ديگر:
- ۸۹ معجون انفع:
- ۹۰ معجون زرغونی:
- ۹۰ معجون جنطيانا:
- ۹۱ معجون حبّ الغار:
- ۹۱ معجون افسنتين:
- ۹۱ معجون سنبل:
- ۹۱ معجون قی:
- ۹۱ معجون قباد الملك:
- ۹۲ معجون قيصر:
- ۹۲ معجون نجاح:
- ۹۲ معجون بزوری:
- ۹۲ معجون نانخواه:
- ۹۲ معجون مسيح:

۹۳	معجون غیاتی:
۹۳	معجون شهر یاری:
۹۳	معجون سیر:
۹۳	معجون خیار چنبر:
۹۳	معجون سورنجان:
۹۵	معجون ثیادریطوس:
۹۶	معجون مشک:
۹۶	معجون فلاسفه:
۹۶	معجون نوشدارو:
۹۷	معجون فودنج:
۹۷	باب ششم در اطریقات
۹۷	اطریفل:
۹۷	اطریفل کوچک:
۹۷	[نوع دیگر]:
۹۷	اطریفل گشنیزی:
۹۷	اطریفل:
۹۸	اطریفل دیدان:
۹۸	اطریفل شاه ترج:
۹۸	اطریفل ایتیمون:
۹۸	اطریفل غرور:
۹۸	اطریفلی:
۹۹	اطریفلی:
۹۹	اطریفلی:
۹۹	باب هفتم در مفرحات
۹۹	مفرح معتدل:
۹۹	مفرح [۷۳] سرد:

۱۰۰ مفزح گرم:

۱۰۰ مفزح سرد:

۱۰۰ مفزح گرم:

۱۰۰ مفزح جواهر:

۱۰۲ مفزح یاقوت معتدل:

۱۰۲ مفزح دلگشای گرم:

۱۰۲ مفزح دلگشای معتدل:

۱۰۲ مفزح سرد، دواء المسک بارد:

۱۰۳ مفزح مسیحی:

۱۰۳ مفزح، نوع دیگر:

۱۰۴ مفزح رشیدی:

۱۰۴ دواء المسک حار:

۱۰۴ دواء المسک مر:

۱۰۴ دواء المسک تلخ، نوع دیگر:

۱۰۴ دواء المسک حار، نوع دیگر:

۱۰۵ باب هشتم در اقراص

۱۰۵ قرص طباشیر:

۱۰۵ قرص طباشیر:

۱۰۵ قرص طباشیر معتدل:

۱۰۵ قرص کهریا:

۱۰۶ قرص گلنار:

۱۰۶ قرص زرشک بزرگ:

۱۰۶ قرص زرشک کوچک:

۱۰۶ قرص ریوند چینی:

۱۰۶ قرص خشخاش:

۱۰۶ قرص گل:

- ۱۰۷ قرص گل، نوع دیگر:
- ۱۰۷ قرص غافث:
- ۱۰۷ قرص کاکنج:
- ۱۰۷ قرص بنفشه:
- ۱۰۷ قرص گل، نوع دیگر:
- ۱۰۷ قرص گل، نوع دیگر:
- ۱۰۷ قرص مقل:
- ۱۰۸ قرص کافور:
- ۱۰۸ قرص کافور، نوع دیگر:
- ۱۰۸ قرص زرشک:
- ۱۰۸ قرص شیره:
- ۱۰۸ قرص لک:
- ۱۰۸ قرص برنکی:
- ۱۰۹ قرص افسنتین:
- ۱۰۹ قرص کبر:
- ۱۰۹ قرص انیسون:
- ۱۰۹ قرص ایرسا:
- ۱۰۹ قرص پنج انگشت:
- ۱۰۹ قرص فوه:
- ۱۱۰ قرص خردل:
- ۱۱۰ قرص عود:
- ۱۱۰ قرص عود، نوع دیگر:
- ۱۱۰ قرص کندر:
- ۱۱۰ قرص دم الاخوین:
- ۱۱۰ قرص راسن:
- ۱۱۱ قرص الآس:

- ۱۱۱ ----- قرص بتسد:
- ۱۱۱ ----- قرص سرمه:
- ۱۱۱ ----- قرص الطین:
- ۱۱۱ ----- قرص بزور:
- ۱۱۱ ----- قرص اسارون:
- ۱۱۲ ----- قرص بنفشه، نوع دیگر:
- ۱۱۲ ----- قرص سنبل:
- ۱۱۲ ----- قرص زرنیخ:
- ۱۱۲ ----- باب نهم در حیویات
- ۱۱۲ ----- حبّ ایاره:
- ۱۱۳ ----- حبّ صبر:
- ۱۱۳ ----- حبّ سورنجان:
- ۱۱۳ ----- حبّ شبیار:
- ۱۱۳ ----- حبّ قوقایا:
- ۱۱۳ ----- حبّ السعال:
- ۱۱۴ ----- حبّ المسک:
- ۱۱۴ ----- حبّ ممسک:
- ۱۱۴ ----- حبّ غاریقون:
- ۱۱۴ ----- حبّ عشره:
- ۱۱۴ ----- حبّ اصطمخیقون:
- ۱۱۵ ----- حبّ ذهب:
- ۱۱۵ ----- حبّی:
- ۱۱۵ ----- حبّ سکبینج:
- ۱۱۵ ----- حبّ زیل:
- ۱۱۵ ----- حبّ غاریقون، نوع دیگر:
- ۱۱۵ ----- حبّی:

۱۱۶-----:حتی:

۱۱۶-----:حبّ مادریون:

۱۱۶-----:حتی:

۱۱۶-----:حبّ خیزران:

۱۱۶-----:حبّ و اصلی:

۱۱۶-----:حبّ خریق:

۱۱۷-----:حبّ شیطرح کبیر:

۱۱۷-----:حبّ شیطرح صغیر:

۱۱۷-----:حبّ غافت:

۱۱۷-----:حبّ شاهترج:

۱۱۷-----:حبّ مقل:

۱۱۸-----:حبّ مقل، نوع دیگر:

۱۱۸-----:حبّ مقل:

۱۱۸-----:حبّ الغایه:

۱۱۸-----:حبّ کزمازو:

۱۱۸-----:حبّ المسک:

۱۱۸-----:حبّ المسک، نوع دیگر:

۱۱۹-----:حبّ بهرامی:

۱۱۹-----:باب دهم در سفوفات

۱۱۹-----:سفوف طباشیر:

۱۱۹-----:سفوف درونج:

۱۱۹-----:سفوف عود:

۱۱۹-----:سفوف قاقله:

۱۱۹-----:سفوف خمار:

۱۲۰-----:سفوف کرنب:

۱۲۰-----:سفوف انیسون:

- سُفوف جوز: ۱۲۰
- سُفوف حَبِّ الزَّشَاد: ۱۲۰
- سُفوف بَسِيَارِي بُول: ۱۲۰
- سُفوفِي: ۱۲۰
- سُفوف نَمَك: ۱۲۰
- سُفوف هَلِيلَه: ۱۲۱
- سُفوف هَلِيلَه [۸۴]، نَوْع دِيْغَر: ۱۲۱
- سُفوف اَفْسَنْتِيْن: ۱۲۱
- سُفوف فَرِبَهِي: ۱۲۱
- سُفوف اَنَار دَانَه: ۱۲۱
- سُفوف نَشَاسْتَه: ۱۲۱
- سُفوف مَقْلِيَاثَا: ۱۲۲
- سُفوف زَرَشَك: ۱۲۲
- سُفوف سَمَاق: ۱۲۲
- سُفوف سُوْر نَجَان: ۱۲۲
- سُفوف سِرْطَان: ۱۲۲
- سُفوفِي كِه سَنَگ از گَرْدَه و مَثَانَه اَطْفَال بِيْرُون كَنْد: ۱۲۲
- سُوخْتَن سِرْطَان: ۱۲۳
- بَاب يَزْدَهْم دَر اِيَار جَات: ۱۲۳
- اِيَار ج لُوغَاذِيَا: ۱۲۳
- اِيَار ج اَر كَاغَانِيْس: ۱۲۳
- اِيَار ج جَالِيْنُوْس: ۱۲۴
- اِيَار ج فَيْقَرَا: ۱۲۴
- بَاب دَوَا زْدَهْم دَر شِيَا فَات: ۱۲۵
- شِيَا ف دَمَج: ۱۲۵
- شِيَا ف اَخْضَر: ۱۲۵

- ۱۲۵ ----- شیاف احمر: -----
- ۱۲۵ ----- شیافی: -----
- ۱۲۵ ----- شیاف اسود: -----
- ۱۲۵ ----- شیاف ابیض: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف روشنایی: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف سماق: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف برء یوما: -----
- ۱۲۶ ----- شیافی: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف احمر، نوع دیگر: -----
- ۱۲۶ ----- شیاف طوقی: -----
- ۱۲۷ ----- شیاف دینارگون: -----
- ۱۲۷ ----- شیافی: -----
- ۱۲۷ ----- شیاف مرارات: -----
- ۱۲۷ ----- شیاف مسهل: -----
- ۱۲۷ ----- شیاف زحیر: -----
- ۱۲۷ ----- شیافی: -----
- ۱۲۸ ----- شیافی: -----
- ۱۲۸ ----- شیافی: -----
- ۱۲۸ ----- شیافی: -----
- ۱۲۸ ----- شیاف خیار چنبر: -----
- ۱۲۸ ----- شیاف کنگری: -----
- ۱۲۸ ----- شیاف علایی: -----
- ۱۲۸ ----- باب سیزدهم در سعوطات و نطولات -----
- ۱۲۸ ----- سعوطی: -----
- ۱۲۹ ----- سعوطی: -----

- ۱۲۹ طلای صداع و سرسام گرم را:
۱۲۹ ضمادی:
۱۲۹ ضمادی که هیضه باز دارد:
۱۲۹ ضمادی که جگر گرم را سود دهد:
۱۳۰ ضمادی:
۱۳۰ ضمادی:
۱۳۰ ضمادی:
۱۳۰ ضمادی:
۱۳۰ طلای صداع:
۱۳۰ ضمادی:
۱۳۱ ضمادی:
۱۳۱ طلای صداع:
۱۳۱ ضمادی:
۱۳۱ ضماد صداعی:
۱۳۱ دواى حبّ القرع:
۱۳۱ ضمادی:
۱۳۱ طلای نقرس:
۱۳۲ طلايی که قضیب را قوت دهد:
۱۳۲ طلای برص و بهق و کلف:
۱۳۲ طلای داء الثعلب:
۱۳۲ طلايی که ریختن موی نگاه دارد:
۱۳۲ طلای ریش سر اطفال:
۱۳۲ طلای گر و خارش:
۱۳۳ طلای:
۱۳۳ طلای کلف:
۱۳۳ طلايی که اثر زخم که بر پوست باشد ببرد:

- ۱۳۳ ----- ضمادی دیگر:
- ۱۳۳ ----- طلائی: که آسیب معده و جگر را نافع بود:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که همه دردها تحلیل کند:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که ماده را از موضع آمدن باز دارد:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که دفع گزیدن جانوران زهرناک بکند:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که درد بواسیر بنشانند:
- ۱۳۴ ----- طلائی: که آماس بواسیر بنشانند:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که آماس قضیب و خایه که از گرمی باشد ببرد:
- ۱۳۴ ----- ضمادی: که بول خون باز دارد:
- ۱۳۵ ----- طلائی: که ترابیدن آب از قضیب و خارش که در خایه باشد:
- ۱۳۵ ----- ضمادی: که خداوند فتق را سود دهد:
- ۱۳۵ ----- ضمادی: که آماس پستان را سود دهد:
- ۱۳۵ ----- ضمادی: که شیر زنان کمتر کند:
- ۱۳۵ ----- ضمادی: که نگذارد که پستان بزرگ شود:
- ۱۳۵ ----- ضمادی: که اختناق رحم زایل کند:
- ۱۳۵ ----- نطول: که خداوند سرسام گرم را و کسی که خواب نیاید، مفید بود:
- ۱۳۶ ----- نطول صداع:
- ۱۳۶ ----- نطول دیوانگان:
- ۱۳۶ ----- نطول صداع سودایی:
- ۱۳۶ ----- نطول صداع بادناک:
- ۱۳۶ ----- نطول صداع سرد و خشک:
- ۱۳۶ ----- باب چهاردهم در داروهای متفرقه
- ۱۳۶ ----- دارویی که گنده بینی زایل کند:
- ۱۳۶ ----- دارویی که ریش بینی گنده را سود دارد:
- ۱۳۷ ----- دارویی که خون از بینی باز دارد:
- ۱۳۷ ----- دارویی که سده بینی بگشاید:

- ۱۳۷ دارویی که درد گوش برد:
- ۱۳۷ دارویی که ریم از گوش آمدن باز دارد:
- ۱۳۷ دارویی که درد گوش ببرد:
- ۱۳۷ دارویی که ریم از گوش پاک کند:
- ۱۳۸ دارویی که گرانی گوش ببرد:
- ۱۳۸ دارویی که کرم گوش بکشد:
- ۱۳۸ دارویی که سفیدی که بر ناخن افتد، ببرد:
- ۱۳۸ دارویی که پوست ها که بر ناخن برخیزد، باز دارد:
- ۱۳۸ دارویی که گرانی و سستی زبان ببرد:
- ۱۳۸ دارویی که دمیدگی دهان ببرد:
- ۱۳۸ دارویی که دهان سیاه شده باشد، پراکند:
- ۱۳۹ دارویی که دندان که سیاه شده باشد، بزدايد:
- ۱۳۹ سنونی: که دندان بزدايد و بوی دهان خوش کند و رطوبت ها از بن دندان ببرد:
- ۱۳۹ دارویی: که بهق سیاه و سفید را مفید است:
- ۱۳۹ اگر آب در گوش رفته باشد:
- ۱۳۹ اگر ریگ مئانه باشد:
- ۱۳۹ اگر گوش سنگین باشد:
- ۱۳۹ اگر باد در خایه افتد:
- ۱۳۹ زبد البحر مقدوح:
- ۱۴۰ اگر آب چشم رود:
- ۱۴۰ اگر در گوش آماس باشد:
- ۱۴۰ اگر شکم آسیب بگیرد:
- ۱۴۰ اگر کسی ریش باشد:
- ۱۴۰ کسی را درد معده باشد:
- ۱۴۰ اگر حیض بسته باشد:
- ۱۴۰ کزدم گزیده باشد:

- ۱۴۰ اگر کسی شب کور باشد:
- ۱۴۰ اگر کسی را سپرز باشد:
- ۱۴۱ داروی دیگر [۹۵]:
- ۱۴۱ باب پانزدهم در غرغره و داروی قی
- ۱۴۱ غرغره ای که دماغ پاک کند:
- ۱۴۱ غرغره جهت آماس گرم:
- ۱۴۱ غرغره ای که فرود آمدن زکام باز دارد:
- ۱۴۱ غرغره فرود آمدن زکام که از تری باشد:
- ۱۴۲ غرغره ای که ماده خنق باز دارد:
- ۱۴۲ غرغره ای که ماده آن سرد باشد:
- ۱۴۲ غرغره پزاینده:
- ۱۴۲ باب شانزدهم در داروهای چشم
- ۱۴۲ سرمه ای که دمعه باز دارد و خارش بنشانند:
- ۱۴۲ دارویی که خارش و خیرگی ببرد:
- ۱۴۲ توتیای غوره:
- ۱۴۳ توتیایی که در عَلت وردینج سود دارد:
- ۱۴۳ دارویی که در وردینج به کار دارند:
- ۱۴۳ کحل الجواهر:
- ۱۴۳ توتیایی که وردینج را مفید بود:
- ۱۴۳ ذرور نیمانیم:
- ۱۴۳ ذرور اصفر:
- ۱۴۳ داروی مغسل:
- ۱۴۴ داروی طرحاتیقان:
- ۱۴۴ داروی مغسل، نوع دیگر:
- ۱۴۴ داروی ابیض:
- ۱۴۴ کحل اصفر:

باب هفدهم در مطبوخات - ۱۴۴

مطبوح هلیله: ۱۴۴

[نوع دیگر] [۹۷]: ۱۴۶

مطبوح افسنتین: ۱۴۶

مطبوح افتیمون: ۱۴۶

مطبوح خیار چنبر: ۱۴۶

مطبوح سورنجان: ۱۴۶

مطبوح قنطوریون: ۱۴۷

نقیع هلیله: ۱۴۷

نقیع الفواکه: ۱۴۷

نقیع صبر: ۱۴۷

ماء الاصول: ۱۴۷

از جهت استسقا: ۱۴۸

جهت صرع و فرود آمدن حیض: ۱۴۸

جهت سنگ گرده: ۱۴۸

از جهت نفرس: ۱۴۸

شراب اصول: ۱۴۸

باب هجدهم در حقنه ها - ۱۴۸

حقنه نرم: ۱۴۸

حقنه: ۱۴۹

حقنه تیز و تند: ۱۴۹

حقنه تیز: ۱۴۹

حقنه: ۱۴۹

حقنه: ۱۴۹

باب نوزدهم در روغن ها - ۱۵۰

روغن قسط: ۱۵۰

- ۱۵۰ روغن قسط بزرگ:
- ۱۵۰ روغن قسط کوچک:
- ۱۵۰ روغن حبه السوداء:
- ۱۵۰ روغن افسنتین:
- ۱۵۰ روغن فرقیون:
- ۱۵۱ روغن سوسن:
- ۱۵۱ روغن بید انجیر:
- ۱۵۱ روغن بید انجیر:
- ۱۵۱ روغن ترب:
- ۱۵۱ روغن حسک:
- ۱۵۲ روغن کدو:
- ۱۵۲ روغن ریحان:
- ۱۵۲ روغن شقایق: [۱۰۱]
- ۱۵۲ روغنی که درد گوش که از گرمی بود، زایل گرداند:
- ۱۵۲ روغنی که درد گوش که از سردی بود، ببرد:
- ۱۵۲ روغن مصطکی:
- ۱۵۲ روغن مورد:
- ۱۵۳ روغنی که موی را نگاه دارد:
- ۱۵۳ روغن آبی:
- ۱۵۳ روغن مازریون:
- ۱۵۳ روغن بنفشه:
- ۱۵۳ روغن گل بادام:
- ۱۵۳ روغن سیب:
- ۱۵۴ روغن سورنجان:
- ۱۵۴ روغن کراث:
- ۱۵۴ روغن آجر:

- ۱۵۴ روغن جو و گندم و زرده تخم مرغ:
- ۱۵۴ روغن لادن:
- ۱۵۴ روغنی که ناسور را به صلاح می آورد:
- ۱۵۵ باب بیستم در مرهم ها
- ۱۵۵ مرهم شادنج:
- ۱۵۵ مرهم شحوم:
- ۱۵۵ مرهم کافور:
- ۱۵۵ مرهم داخلیون:
- ۱۵۵ مرهم دشلیخی:
- ۱۵۶ مرهم باسلیقون:
- ۱۵۶ مرهم سرخ:
- ۱۵۶ مرهم زنگار:
- ۱۵۶ مرهم رویاننده:
- ۱۵۶ مرهم سرنج:
- ۱۵۶ مرهم سیاه:
- ۱۵۶ مرهم توتیا:
- ۱۵۷ مرهم سلطانی:
- ۱۵۷ مرهم مصری:
- ۱۵۷ مرهم سوختگی:
- ۱۵۷ مرهم خل:
- ۱۵۷ مرهمی که خنازیر نرم کند:
- ۱۵۷ [باب بیست و یکم] [۱۰۶] اسامی مرکبات
- ۱۵۷ اشاره
- ۱۵۸ صفت دواء الملوک:
- ۱۵۹ ترکیب فخر الشورور:
- ۱۶۶ تعریف مرکز

شماره بازبایي : ۱۵۷۴۵-۵

امانت : امانت داده می شود

سرشناسه : بختیشوع بن جبرئیل، قرن ۳ق.

عنوان و نام پدید آور : خواص الاشيا [نسخه خطی] / بختیشوع بن جبرئیل

آغاز، انجام، انجامه : آغاز: بسمله. چنین گویند که چون مامون الرشید در بغداد بخلافت بنشست رسولان و حاجبان را از هر طرفی ...

انجام: افتاده : ... مستقیم فعل ... بقراط حکیم گوید ...

مشخصات ظاهری : برگ ۶۰ ب- ۱۰۱ (۱۱۵ برگ)، ۱۵ سطر: ۱۵۵×۹۳؛ قطع: ۱۲۰×۱۹۵

یادداشت مشخصات ظاهری : نوع و درجه خط: نستعلیق

نوع کاغذ: فرنگی نخودی

تزیینات متن: عناوین به سنگرف

نوع و تزیینات جلد: تیماج سرمه ای، یک لای، مجدول، اندرون جلد آستر کاغذی

معرفی نسخه : کتابی است در طب درباره خواص و مضرات داروها و گیاهان و خوردنیها، شرابها و معجونها و همچنین گرمابه رفتن، فصد کردن، حجامت کردن، دارو خوردن و شهوت راندن و مانند آن که به کار افراد می آید و علت بیماریها. این کتاب به فرمان مامون الرشید توسط بختیشوع بن جبرئیل که از کتاب حکمای قدیم چون محمد بن زکریا، ارسطاطالیس حکیم، جالینوس، بقراط، مهراس، هرون حسین بن محمد اسحق و دیگر حکمای قدیم جمع آوری کرده تالیف شده است.

توضیحات نسخه : نسخه بررسی شده. اردیبهشت ۸۶. برخی از اوراق وصالی شده و در برخی از اوراق آب افتادگی و پاک شدن خطوط به چشم می خورد.

یادداشت کلی : زبان: فارسی

این کتاب بدرخواست مامون الرشید تالیف شده است.

صحافی شدہ با: : ذخیرہ خوارزمشاهی / اسماعیل بن حسن جرجانی ۱۰۷۵۱۳۹

موضوع: پزشکی

گیاهان دارویی

مقدمه مصححین

طب یونانی

تاریخ پزشکی یونانی با نام آبقراط (هیپوکراتس) از مردم کوس شروع می شود، که به سال ۲۵۷ ق. م.

(و به روایتی ۳۷۰ ق. م.) از دنیا رفت و کتاب کلمات قصار یا فصول [Aphorismoi] او پیوسته کتاب راهنمای کسانی بوده است که

حرفه طبابت داشته اند. این مجموعه از جمله نخستین آثار طبّی است که توسط حنین بن اسحاق که زبان یونانی می دانست، به زبان عربی ترجمه شد. ترجمه دیگر سریانی نیز از این کتاب در دست است که نام مترجم آن و نیز تاریخ ترجمه معلوم نیست، و به سال ۱۹۰۳ م. در لایپزیگ توسط پونیون انتشار یافت.

در دوره متأخر مدرسه اسکندریّه، نوشته های طبّی گالن (جالینوس) [Galen] (متوفی در ۲۰۰ میلادی) بسیار معتبر بود، و منتخبی از رساله های وی به عنوان متن برنامه درسی تدریس می شد. این برنامه در حمص و جندی شاپور نیز بکار می رفت، و ترجمه سریانی آن مورد استفاده دانشجویان سریانی زبان بود. بسیاری از آن ترجمه های سریانی توسط سر جیوس رأس عینی صورت گرفته و پس از وی توسط حنین بن اسحاق و یاران او در دار الحکمه بغداد تنقیح شده یا ترجمه های جدیدی از این فرهنگستان جای آنها را گرفته است. این ترجمه های سریانی بر ترجمه های عربی مقدم بود، و پس از پیدا شدن ترجمه عربی تا مدتی هر دو ترجمه سریانی و عربی ب موازات یکدیگر بکار می رفت. خود جالینوس در رم طبابت می کرد، ولی در ازمیر و کورنت و اسکندریّه درس خوانده بود.

مؤلفان مهم دیگر در طب یونانی عبارتند از:

اوریباسیوس [Oribasius] (متولد حوالی ۳۲۵ میلادی) از دوستان امپراتور یولیانوس بود، و این امپراتور در بیان عدم رضایتی که از مسیحیت داشت و کوششی که برای احیای بت پرستی قدیم می کرد، او را محرم اسرار خود می دانست. نامه یی که امپراتور در این باره به او نوشته (یولیانوس، Xvii, Epist) محتملاً- مربوط به سال ۳۵۸ میلادی است. در حمله به سرزمین گل همراه آن امپراتور بود، و

در لشکر کشی بد عاقبت وی به ایران نیز حضور داشت و هنگام مرگ وی در آن سرزمین به سال ۳۶۳ در کنار او بود. پس از بازگشت از ایران املاک او را والتینیانوس و والنس مصادره کردند، و سبب این مصادره به خوبی دانسته نیست. سپس وی را به «سرزمین وحشیان» تبعید کردند، ولی این تبعید چندان طولانی نشد، و در ۳۶۹ به پایان رسید. از تألیفات طبّی او سه کتاب برجای مانده، که یکی از آنها «موجز» [Synopsis] است مشتمل بر هشت کتاب که آن را به پسر خود ائوستاثیوس اهدا کرده بود.

این کتاب را حنین بن اسحاق به عربی ترجمه کرد، و علی عبّاس [- علی بن عباس مجوسی] از آن با خبر بود. پل آیکینایی [paul of Aegina] فقراتی از آن نقل کرده است.

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۲

آیتیوس [Aetius] (پایان قرن پنجم) پزشکی بود که در قسطنطینیته طبابت می کرد. از زندگی او هیچ نمی دانیم، حتی زمان فعالیت وی معلوم نیست؛ تنها از این که در آثار خود از کوریل اسکندرانی [Cyril] متوفی در ۴۴۴ میلادی و پتروس آرخیاتر [Petrus Archuater] طبیب ثئودوریک شاه گتهای شرقی نام برده است، معلوم می شود که در اواخر قرن پنجم می زیسته است. وی سریانی و از مردم آمد بود.

مجموعه طبّی در شانزده کتاب نوشت که اکنون آنها را به چهار دسته تقسیم می کنند. در نوشته های او چیزهای ابتکاری فراوان نیست، ولی محتویات آنها را خوب انتخاب کرده است. نخستین پزشک یونانی است که به سحر و تعویذ توجه فراوان داشته است.

پل آیکینایی محتملاً در اواخر قرن هفتم می زیسته است. از حیات او چیزی نمی دانیم. سوییداس وی را مؤلف چند کتاب طبّی

می‌داند. از این کتابها تنها یکی بر جای مانده است به نام «هفت کتاب پزشکی».

این کتاب توسط حنین بن اسحاق ترجمه شده و در میان اعراب شهرت فراوان داشت؛ مخصوصاً از لحاظ فن قابلیت بیشتر به آن رجوع می‌کردند و به همین جهت وی را «القوابل» لقب داده بودند [۱].

اهرن یا هارون [Aaron] کاهن و پزشک اسکندرانی نیز یکی دیگر از کسانی است که اطلاعی از زندگی وی در دست نیست. وی مؤلف مجموعه‌ی بی‌است که می‌گویند توسط شخصی به نام گوسیوس [Gosius] به سریانی ترجمه شده بود. این گوسیوس را با گوسیوس پتایوس [G. petaeus] که در روزگار امپراطور زنون [۴۷۴-۴۹۱] (Zeno) می‌زیسته یکی شمرده‌اند.

نویسنده متأخرتر سریانی، ابن العبری [Bar Hebraeus] نوشته است که هارون سی کتاب تألیف کرده بود که سرجیوس رأسعینی آنها را ترجمه کرد و دو کتاب از خود بر آنها افزود، ولی شتاینشneider [Steinschneider] بر آنست که این ملحقات تألیف مترجم عربی کتاب است که یهودی ایرانی بوده و ماسرجویه [Mesirgoyah] نام داشته است. کتابهای هارون در میان اعراب رواج کامل داشته، و طب عربی سخت از آن متأثر شده است [۲].

در میان ایرانیان نیز معدود افرادی بودند که کتب خود را به زبان یونانی می‌نوشتند تا هم تفاخر علمی نمایند و هم انتقال علوم به عالم غیر اسلام بود. شاید مؤلف این کتاب نیز از جمله همین افراد بوده؛ چه همچنان که از نام وی در مقدمه کتاب برمی‌آید، ظاهراً ایرانی مسلمان بوده که کتابی در طبّ به یونانی نوشته است، و بعد از وی توسط زکریای رازی - هرچند جای تردید هست - به فارسی ترجمه شده است.

رازی از دیدگاه اروپاییان

دکتر زیگرید هونکه، در کتاب ارزشمند فرهنگ اسلام در اروپا

درباره رازی می نویسد:

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۳

«ششصد سال قبل، کتابخانه دانشگاه طب پاریس، کوچکترین کتابخانه دنیا بود. این کتابخانه فقط دارای یک کتاب بود، و این کتاب نوشته یکی از دانشمندان اسلام بود.

این کتاب آن قدر برایشان ارجمند بود که حتی لودویگ یازدهم، که پادشاهی با ایمان و مسیحی بود و می خواست این کتاب را به امانت بگیرد، می بایست صد سکه طلا و دوازده سکه نقره به ودیعه بگذارد. او این کتاب را کرایه کرد تا اینکه پزشکان خصوصی وی از آن رونویسی کنند و چه در موارد بیماری و چه در دوران سلامتی، به مثابه یک فرهنگ امراض و دستورات طبی از آن استفاده نمایند.

این کتاب گرچه تمام موجودی این کتابخانه بود، ولی در حقیقت شامل مجموع علوم طب، از دوران یونان قدیم تا سال ۹۲۵ بعد از میلاد مسیح بود، و چون مدت چهار صد سال بعد از این نیز در اروپای فرانکی تقریباً هیچ فعالیت علمی وجود نداشت، ارزش این کتاب مهم و باعظمت و مترقی، به قلم یکی از فرزندان تمدن اسلامی، هزار بار بیش از مجموع نوشته های کم بها و خرافاتی مذهبی تمام کتابخانه های معابد اروپا بود.

اهالی پاریس برای این گنجینه طبی اهمیت زیادی قایل بودند، به این دلیل که مجسمه نویسنده آن کتاب را به عنوان یادگار در سالن بزرگ تدریس مدرسه عالی پزشکی، برپا داشته اند. در حال حاضر هرگاه محصلین مدرسه عالی [Mdecin Ecole de] واقع در بولوار سن ژرمن دوپرس در سالن بزرگ تدریس اجتماع می کنند، این مجسمه و مجسمه دانشمند اسلامی دیگری را نیز ملاحظه می کنند. نام او در اروپا به «رازس» معروف است. اعراب او را «الرازی»

می نامند و اسم واقعی اش ابو بکر محمد بن زکریاست.

رازی دارای معلومات عمیقی بود، به طوری که از زمان جالینوس به بعد پزشکی نظیر او نمی شناسیم.

او به طور خستگی ناپذیر بر وسعت معلوماتش می افزود، و نه تنها بر بالین بیماران، بلکه موقعی هم که بیمارانش به خواب می رفتند، با خواندن کتابها هنگام شب و پرداختن به آزمایشهای شیمیایی و مسافرتها علمی دور و دراز به این کار ادامه می داد. او با دانشمندان طراز اول همزمانش رابطه داشت و برخی از ایشان را ملاقات نیز می کرد. او ارزش اخلاقی شغل پزشکی را نزد شاگردانش بالا برد و علیه شارلاتان بازی های غیر علمی، کتبا و شفاها مبارزه کرد.

از جوانکی که با موسیقی و صرافی انس گرفته بود، پزشک بشردوستی ساخته شد که مورد احترام امرا و محبوب ملت و پناهگاه فقرا گردید. او اضافه بر این، بی بضاعتها را معالجه می کرد، با پول خودش نیز به آنان کمک می کرد، در حالی که خودش بی تجمل و حتی فقیرانه زندگی را می گذراند.

رازی در ۹۲۵ م. در نهایت فقر در گذشت؛ سخاوت بی نهایتش او را به تهیدستی محض کشاند.

همکارانش که قلبشان مملو از حسادت بود، و به اندازه کافی بهانه های مذهبی و سیاسی علیه آن فیلسوف آزاد فکر در دست داشتند، از او انتقام گرفته، توانستند او را به آسانی، هم در بغداد و هم بعدها در شهر ری، از همه مشاغل بر کنار کنند.

خواهرش خدیجه، برادر بی بضاعت و کاملاً محتاج شده خود را به خانه خویش برد. به رغم اواسط

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۴

عمرش که در رفاه می زیست. اواخر عمر زندگی او اسفناک به نظر می رسید. رازی که درد هزاران بیمار را درمان

کرده بود، نابینا شد، حاکم خشمگین و بیرحم خراسان، المنصور ابن اسحق با تازیانه اش آن چنان بر آن دانشمند زده بود که بعدها به کوری وی منتهی شد. بهانه این عمل این بود که یک آزمایش شیمیایی رازی که در حضور المنصور انجام داد، ظاهراً موفقیت آمیز نبوده است.

رازی برای امتحان، از پزشکی که می خواست چشم او را جراحی کند، پرسید: «چشم دارای چند پوسته است؟» پزشک دستپاچه شد و به لکنت افتاد. رازی گفت: «کسی که این را نداند، نباید وسایل جراحی را در چشم من به کار برد».

احتمال زیادی بود که با عمل جراحی دوباره نور چشمش را بازیابد، ولی رازی به رد آن پافشاری کرد و گفت: «من از دنیا آن قدرها دیده ام که دیگر دلم را زده است».

بنابراین عقلش سوی مرگ می گراید، در حالی که روح در بدن دارد، و چشمان کورش شاهد اشعاری است که بر کاغذ می نویسد:

لعمری ما أدری و قد آذن البلی بعاجل ترحال الی این ترحالی

و این محل الروح بعد خروجها من الهیکل المنحل و الجسد البالی

عظمت میراث به جای مانده از او در یک عمر کار ارضاکنده خستگی ناپذیر است. خدیجه به شمارش آنها پرداخت: دویست و سی جلد کتاب مهم [۳] که عبارت اند از شرحهای علمی (مونوگرافی)، رسالات کوچک و کتابهایی که تنها منحصر به علم پزشکی یا شیمی نیستند - تقریباً نیمی از آنها در مورد فلسفه، مذهب، نجوم، فیزیک، ریاضیات و ... اند - مثلاً جزو اینها کتابی به نام چرا مغناطیس آهن را جذب می کند به ضمیمه رساله ای درباره خلأ وجود دارد، و «درباره شکل جهان، با اثبات اینکه کره زمین دو نوع حرکت دارد (دارای

دو محور حرکت است) و کره خورشید بزرگتر، و کره ماه کوچکتر از کره زمین است»، نقدی بر ادیان، دانش ازلی. رازی قایل بر پنج اصل ازلی مؤثر بر جهان بود و کتابی دارد که «اخلاق بدون توجه به مذهب» را اعلام می کند و می آموزد و خواستار آن می شود که بشر باید به زندگی «آری» گفته، با شجاعت زندگی کند؛ به خاطر زندگی و بقای آن و حفظ جامعه و بهبود آن، نه به خاطر وعده بهشت یا ترس از جهنم. باید هر کس صحیح و غلط یا خوب و بد اعمال خود را بشناسد و برحسب آن عمل کند. همچنین کتابهای پخت و پز و کنسرو کردن مواد غذایی و شعر نیز در میان آثار او یافت می شوند» [۴].

مؤلفات و مصنفات رازی

مؤلفات و مصنفات رازی بسیار زیاد و شماره آنها از دویست متجاوز است.

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۵

وی در زمان خود از دانشمندانی بوده که صیت شهرت مؤلفاتش دنیای آن زمان را فراگرفته است.

محمد زکریا در طب و فلسفه و کیمیا و حکمت و نجوم و هیئت و علوم مؤلفات و مصنفات دارد، ولی آنچه که بیشتر از همه در عالم معروف است، طب و شیمی می باشد.

ابن الندیم [۵] در کتاب الفهرست، عدّه مؤلفات رازی را بالغ بر یک صد و شصت و هفت کتاب و مقاله و رساله نوشته است.

ابن ابی اصیبعه [۶] صاحب عیون الانباء، عدّه مؤلفات و مصنفات وی را دویست و سی و هشت عدد می داند.

ابو ریحان بیرونی [۷] در رساله ای که فهرست کتب وی را ذکر می کند، عدّه آنها را یک صد و هشتاد و چهار می گوید.

بعضی از مؤرخین مؤلفات وی را بالغ بر دویست جلد می دانند که در میان

جمیع مؤلفین جهان شاید کسی تاکنون بدین پایه نبوده و از این رو، یعنی کثرت مؤلفات مفیده وی جودت فکر و علو مقام این دانشمند را می رساند.

یکی از دانشمندان اروپایی موسوم به «لانگله دوفرنوا» [۸] در کتاب خود شماره کتب پزشک ایرانی را دویست و بیست و شش عدد می داند.

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۶

به نظر می رسد رازی بیشتر مؤلفات و مصنفات خود را در بغداد تهیه و تدوین نموده است و با وجود زیادی آثار و مؤلفاتش نسخ زیادی از آنها در عالم موجود نیست و علت آن به واسطه نبودن صنعت چاپ در زمان وی و از طرفی حوادث و سوانح ایام نیز بسیاری از آنها را از بین برده از این جهت نسخ کتب گرانبهای وی عموماً از میان رفته و شاید بیش از چهل عدد از مؤلفات وی در عالم نباشد که در کتابخانه های جهان (من جمله کتابخانه اسکوریال [۹] اسپانی) موجود است.

رازی را چند نوع تألیف و تصنیف می باشد:

نخست آنهایی که خود شخصا به اسم کتاب می نامند و در آن از یک فن بخصوص مانند معالجات و امثال آن سخن می راند و بخصوص آنکه جنبه تخصصی و فنی بدانها داده است.

این دسته کتب مخصوصاً رشته طب با کمال دقت و تحقیق از طرف این دانشمند به رشته تحریر در آمده و اصولاً بسیاری از آنها نتیجه تجربیات و عملیات وی در بیمارستان ها می باشد؛ مانند کتاب حاوی و منصوری و امثال آنها. محققاً کتاب حاوی که دایره المعارف طبی است ثمره آزمایشهای شخصی اش در بیمارستان می باشد.

دوم آنهایی که رازی به اسم رساله نام می برد که بیشتر از یک موضوع بسیار مختصر صحبت می کند و به

موجب نگارش ابن‌الندیم در کتاب الفهرست، رازی شخصا یک سلسله از مؤلفات خود را رساله نام نهاده و در یک موضوع به خصوص و یک مطلب با کمال سادگی و اختصار شرح و بسط آن را می‌دهد؛ مانند:

رساله «اطعمه المرضی» و رساله «فصد» و امثال آنها، چنانکه از اسم آنها پیداست در باب غذای بیماران و خون گرفتن می‌باشند.

سوم آن دسته از مؤلفاتش که به اسم مقاله می‌باشد که در آنها از بعضی مسایل و مواضع بخصوص گفتگو می‌کند که مختصرتر از دسته قبل می‌باشد؛ گرچه عده آنها کم است، ولی از مطالعه فهرست آن دقت و تبخّر فوق العاده وی مشاهده می‌گردد؛ مانند: مقاله «شمیه» و مقاله «قولنج» که هر کدام یک مقاله بیشتر نیستند.

چهارم آن دست از کتب وی که ردّ بر اقوال دیگران است. عده آنها بی‌شمار و این دسته از مؤلفاتش باعث شد که مخالفین وی وقت گرانبهای دانشمند را گرفته و برای جواب آنها رازی اوقات زیادی را صرف نماید و بدبختانه گاه اتفاق افتاده که مخالفینش بر کتابش نقض و ردّی بنگارند؛ مانند «کتاب الرد علی ابی القاسم البلخی فی نقض المقالة الثانیة فی العلم الالهی» و «کتاب نقض البلخی لعلم الالهی» و «کتاب مناقضه الجاحظ فی کتابه فی فضیله الکلام» و امثال آنها که چنانکه از نام آنها برمی‌آید، نقض و ردّ بر موضوعات فلسفی می‌باشد.

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۷

پنجم، یک دسته دیگر از مؤلفات رازی است که ایراد بر اقوال و آرای گذشتگان است که سردسته آنها شکوک وی بر جالینوس است. توضیح آنکه محمد زکریا اشکالات و ایرادات چندی بر آرای دیگران در بسیاری از مسایل

عملی و فنی می گرفته و آنها را مورد مطالعه و تحقیق قرار می داده و از این رهگذر مؤلفاتی به نام شکوک دارد؛ مانند: کتاب الشکوک علی الجالینوس و امثال آن.

ششم یک دسته از مؤلفات رازی که تلخیص بر مؤلفات دیگران است؛ مانند تلخیصات وی بر کتاب «نبض» و «حیله البرء» جالینوس و امثال آنها.

غیر از دسته های بالا سایر مؤلفات وی در فلسفه و کیمیا و نجوم و هیئت و امثال آنها نیز دسته آخری را تشکیل می دهند.

اما باید دانست مؤلفات وی مانند مؤلفات بسیاری از دانشمندان دیگر نیست و تفاوتی با آنها دارد به این معنی که اغلب آنها (مخصوصاً رشته پزشکی) نتیجه تجربیات و کارهایش می باشد که در طی دوران عمل به رشته تحریر درآورده است.

و از این بابت فرق بسیار فاحشی با مؤلفات علمای دیگر دارد. این مؤلفات عملیات طبی و جراحی است که در بیمارستان و آزمایشگاه و مطب خود نموده که تمام با دقت کامل و تحقیق آنها را به صورت کتاب درآورده است و هر کس اندک آشنایی به مؤلفاتش داشته باشد، به خوبی می فهمد که این مطلب کاملاً صادق و واضح می باشد.

مؤلفات وی نه تنها در میان مردم خاور و علمای مشرق مقامی بلند دارد، بلکه در میان ملل باختر و علمای مغرب زمین مقام ارجمندی را دارا است و بعضی از آنها به زبان علمی دوران قدیم اروپا یعنی لاتینی ترجمه و طبع شده و برخی دیگر نیز به زبانهای مختلفه ترجمه و چاپ گردیده و در قرون وسطی و اوایل قرون جدید در مدارس اروپا تدریس می شده است.

از مزایایی که برای بعضی از مؤلفات طبی رازی عموم مورّخین متذکر

شده اند، آنکه به صورت دایره المعارف طبّی است و رازی را شخصا «آنسیکوپدیسْت» [۱۰] معرفی نموده اند.

بعضی را عقیده آن است که رازی زبان یونانی را نیز می دانسته و هرچه در علوم شیمی و طبی به رشته تحریر درآورده، از کتب یونانی بوده است.

شادروان دکتر قاسم غنی در رساله ابن سینا، ضمن صفحه بیست و پنجم به این نکته اشاره و چنین نگاشته است «که ضمن تألیفاتش کتابی به نام کتاب فی استدارک ما بقی من کتب جالینوس ممّا لم یذکره حنین [۱۱] و همچنین قصیده به نام قصیده فی العظه الیونانیه [۱۲] موجود می باشد و این دو رساله مؤید این موضع است».

همچنین ابن ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء در ذکر کتب رازی قسمت هفتم از کتاب حاوی چنین

خواصّ الأشياء، مقدمه، ص: ۸

می نگارد «القسم السابع فی تفسیر الاسماء و الاوزان و المکائیل التي للعقاقیر و تسمیه الاعضاء و الادواء بالیونانیه و ... الخ» [۱۳].

خواصّ الأشياء رازی

در میان آثار محمد زکریای رازی، از کتابی با عنوان «کتاب الخواصّ» نام برده اند. ابن ابی اصیبعه از این کتاب به عنوان «در خواصّ اشياء» یاد کرده است [۱۴]. این کتاب مورد استفاده دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. چنان که بیرونی از کتاب خواص رازی نقل می کند که در مصر کنیسه ای است که در آن دو مرده بر تختی هستند که پیوسته از زیر آن زیت بیرون می آید [۱۵]؛ و مقدّسی به نقل از رازی در کتاب خواص از کوهی در سرزمین ترک نام می برد که وقتی مردم بدان می رسند، ناچارند سمّ ستوران خود را با نم و پشم ببندند و گرنه از سمّ آنان گردی برمی خیزد که موجب ریزش باران می شود [۱۶].

محمد بن سرخ نیشابوری، دانشمند اسماعیلی در

فصلی که تحت عنوان «اندر معنی خاصیت‌ها» آورده، درباره «کتاب الخواص» رازی چنین گفته است: «بدان که محمّد بن زکریاء الزّازی کتابی تصنیف کرده است اندر خاصّیت چیزها و بسیار سخن اندرو بیاورده است از قوی و ضعیف و فربهی و لاغر» [۱۷].

در کتاب مؤلفات و مصنفات رازی، در ذیل عنوان «طب الملوکی» و ضمن معرفی این کتاب آمده است:

«این کتاب را رازی برای علی بن وهسودان، حاکم طبرستان تألیف نموده و آن معالجه بیماری‌ها با غذاست، بدون آن که بیمار را کراحت فزاید. محمد زکریا آن را به نام «کتاب الخواص» موسوم ساخته و چنان که از اسم آن برمی آید، این کتاب را برای پادشاهان و فرمانروایان تألیف نموده در حقیقت پزشک نامه شاهانه است. در ابتدای آن از بسیاری از مؤلفات خود مانند کتاب «حاوی» که به اسم الجامع الکبیر نامیده و کتاب «تقسیم و تشجیر» و کتاب «منصوری» و کتاب «من لا یحضره الطیب» و کتاب «ادویه الموجوده بکل مکان» نامبرده است» [۱۸].

چنان که از قراین برمی آید، کتاب الخواص مذکور، تألیف خود رازی است و ترجمه از زبان یونانی نیست. اما آقای دکتر محمود نجم آبادی در تکمله کتاب مؤلفات و مصنفات رازی، از کتابی دیگر به نام «خواص الاشیاء» نام می برد و می نویسد: «این کتاب در حقیقت باید ضمن کتب طبی یا طبیعی رازی بیاید.

بر کلمان تحت عنوان:

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۹

(K. Kawass- al- as? ya)alphabetish nam. ۱۱, ۴۳۲ steinschneider Virchows Archiv ۶۸, p.)

.۲۲۱

در ضمیمه اول کتاب خود، چاپ لیدن (از صفحه ۴۱۹-۴۱۷)، ۱۹۳۷ میلادی از کتاب مزبور یاد می کند.

همچنین در جلد اول بر کلمان (صفحه ۲۷۰) تحت عنوان:

De proprietatibus; membrorum)-۱

ایضا: برکلمان، ۱۹۳۷ میلادی، صفحه ۴۲۱:

De Aegritudinibus praeconum aus Hebr. zuzammenn mit de proprietatibus – ۲
membrorum et utilitatibus et nocummentis animalium Aggregatus ex dictis
.antiquorum S. B. Locatellus Venet. ۷۹۴۱

که ترجمه آن در حقیقت «خواص اشیاء» می باشد، مذکور افتاده است. تحت عنوان «کتاب الخواص و الاشياء المقومه
للامراض»، به شماره ۱۴۱ (طب) در کتابخانه تیمور پاشای قاهره موجود است [۱۹].

آقای احمد منزوی، در فهرستواره کتابهای فارسی، به این کتاب اشاره کرده است و از آن به دو نسخه در کتابخانه های ایران
اشاره کرده است؛ وی می نویسد: «در سرآغاز آن آمده: کتاب را بو علی (؟) به یونانی نگاشته و محمد بن زکریا به فارسی
برگردانده است (که جور نیست) ...»، و نسخی از آن در پزشکی ایران، ش ۱۱۶؛ و اشکوری، ش ۸۷-۸۶/۱۴ یاد کرده
است [۲۰]؛ و آغاز و انجام آن را ذکر کرده که همین کتاب می باشد.

استاد عبدالحسین حائری نیز از وجود یک نسخه از این کتاب در کتابخانه مجلس اطلاع دادند که گویا از کتب تازه خریداری
شده است که هنوز فهرست نشده است.

در باب چهارم این کتاب به مطلبی اشاره شده است که انتساب کتاب را به زکریای رازی ردّ می کند؛ در مدخل «فنداریقون»
نوشته است: «نسخه قانون شیخ الرئیس ...»، که نشان می دهد که این مطلب افزوده کاتبان است که در این صورت باز مسئله
انتساب به قوت خود باقی است؛ و گرنه با توجه به تقدیم و تأخر این دو دانشمند بزرگ (رازی و ابن سینا) و بعد زمانی حدود
یک قرن از همدیگر چنین امری محال و ساختگی به نظر می آید [۲۱].

و این احتمال هم به نظر می رسد

که «محمد بن زکریا» نامی غیر از زکریای رازی بوده که این کتاب را از یونانی به فارسی ترجمه کرده است.

از آن چه گفته شد، چنین برمی آید که رازی به احتمال دو کتاب با عنوان «خواص الاشیاء» دارد که یکی تألیف اوست که با عنوان معروف «کتاب الخواص» شناخته شده و در فهارس مسطور است؛ و دیگری

خواص الأشیاء، مقدمه، ص: ۱۰

کتابی است که گویا حکیم ابو علی نامی (؟) آن را به زبان یونانی نگاشته و محمد بن زکریا آن را به فارسی برگردانده است. در صحت انتساب ترجمه این کتاب به رازی شک هست و در هیچ یک از فهارس کتب رازی و دیگر فهارس کتب خطی صراحتاً به چنین اثری از وی اشاره نشده است.

اما با توجه به اهمیت کتاب از حیث فرهنگواره بودن آن در زمینه موضوعات عمده طبّی و طبقه بندی داروها در آن برحسب داروهای مرکب، و وجود برخی اصطلاحات دارویی و طبّی یونانی در آن که به عنوان منبعی از منابع لغات و اصطلاحات طبّی می تواند به شمار آید و ...، می توان آن را مورد نظر قرار داد.

همچنین به عنوان یک اثر ترجمه شده از زبان یونانی به فارسی در مطالعات سنت ترجمه متون از یونانی به زبان فارسی می تواند مورد توجه قرار گیرد.

درباره چاپ حاضر و نسخه خطی مورد استفاده:

چندی پیش یک نسخه خطی زیبایی با خط نسخ در ابعاد ۱۵ * ۱۰ با جلد تیماج قهوه ای از مراغه یافتیم که تاریخ کتابت نداشت و از قراین برمی آمد که مربوط به اواخر دوره صفویه است. با مطالعه کتاب، پی بردیم که یکی از آثار مترجم منسوب به زکریای رازی است که درباره خواص داروهای مرکب است و در

بیست و یک باب تبویب شده است.

با توجه به زیبایی و خوانایی نسخه و کامل و کم غلط بودن آن، بر آن شدیم تا با استناد به همین نسخه شخصی موجود، به احیای آن پردازیم؛ لذا متنی که پیش روی عزیزان است، فقط احیای متن محسوب می شود و ادعای هیچ گونه تصحیح علمی یا هر نوع تصحیح دیگری بر آن نمی رود. تا جایی که در توان بود، سعی کردیم تا با مراجعه به منابع طبّی کهن، صورت درست لغات و اصطلاحات ثبت شود و اگر در مواردی اغلاط سهوی یا مطبعی ملاحظه افتد، امید که خوانندگان فاضل در صورت مشاهده چنین مواردی ما را از دلالت به صواب محروم نسازند.

در آخر بر خود فرض می دانیم که از زحمات استاد فاضل و دوست دانشمند، جناب آقای سید صادق حسینی اشکوری، ریاست محترم مجمع ذخائر اسلامی و دیگر عزیزان زحمت کشی که مقدمات چاپ این اثر را فراهم فرمودند و قبول زحمت نمودند، تشکر و قدردانی نماییم.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۷

تصویر صفحه اول نسخه خطی «خواص الاشیاء»- از مجموعه شخصی

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۸

تصویر صفحه آخر نسخه خطی «خواص الاشیاء»- از مجموعه شخصی

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۹

[مقدمه مؤلف]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي علمنا خواص الاشیاء و صلوه على محمد و آله و عترته البرره اتقياء و سلم تسليمًا كثيرًا.

اما بعد، بدان که این رساله ای است مسمّی به اسم خواص الاشیاء از تصانیف احکم الحکماء و اعلم العلماء و افضل الفضلاء، حکیم ابو علی - علیه الرّحمه و الدّعا - که به تکلیف بعضی از احبّا به زبان یونان تصنیف کردند؛ و چون مردم از یافتن آن به زبان یونان عاجز بودند،

این فقیر حقیر بی بضاعت، محمد بن زکریا [۲۲]- عفا عنهما- آن را به زبان فارسی بیان نمود؛ و الله موفق بالخیرات.

باب اول: در شراب ها

باب سیم: در مرییات

باب پنجم: در معاجین

باب هفتم: در مفرحات

باب نهم: در حبوبات

باب یازدهم: در ایارجات

باب سیزدهم: در سعوطات و غیره

باب پانزدهم: در غرغره ها و داروی قی

باب هفدهم: در مطبوخات

باب نوزدهم: در دهن ها

[باب بیست و یکم: اسامی مرگبات] [۲۳].

باب دویم: در لعوقات

باب چهارم: در گوارش ها

باب ششم: در اطریفلات

باب هشتم: در اقراص

باب دهم: در سفوفات

باب دوازدهم: در شیافات

باب چهاردهم: در داروهای متفرقه

باب شانزدهم: در داروهای چشم

باب هجدهم: در حقنه ها

باب بیستم: در مرهم ها

خواص الأشیاء، متن، ص: ۲۰

باب اول در شراب ها و رب ها

سکنجبین:

دفع صفرا بکند و محروران را نافع بود و تشنگی بنشانند؛ صنعت آن: قند صافی کرده یک من، سرکه انگوری یک من، پودنه یک چهار یک، در یکدیگر بجوشانند تا قوام گیرد و قدری گلاب بر سر آن کنند و فرو گیرند.

سکنجبین بزوری:

سده جگر بگشاید و بول براند و مستسقی را نافع بود؛ صنعت آن:

پوست بیخ کاسنی تازه و پوست بیخ کرفس از هریک ده درم، تخم کاسنی نیم کوفته نیم درم، مغز سه تخم از هریک پنج درم، نیم کوفته کنند و در آب و سرکه خوسانند یک شبانه روز و بجوشانند و بپالایند و یک من قند اضافه کنند، چنان که رسم است.

سکنجبین بزوری گرم:

سده جگر و معده بگشاید و بول براند، فضول از معده پاک کند و مستسقی را نافع بود و تشنگی کاذب بنشانند. صنعت آن: تخم کرفس و رازیانه و انیسون از هر یک پنج درم، پوست بیخ رازیانه و پوست بیخ کرفس تازه از هریک ده درم، تخم کاسنی و تخم کشوث از هریک پنج درم در یک چهار یک سرکه صافی و نیم من آب خوسانند؛ روز دیگر بجوشانند و صافی کنند و یک من قند صاف کرده اضافه کنند.

سکنجبین ریوندی:

یرقان و جگر گرم را نافع بود؛ صنعت آن: تخم کاسنی نیم کوفته بیست درم، ریوند چینی سوده پنج درم، در کیسه کنند و چهل مثقال سرکه صاف و یک من و نیم آب می زنند و زمان زمان کیسه را می مالند تا تمام شیره باز دهد و آب ها کم شود و یک من قند صاف اضافه کنند و اگر ده درم تخم شاهترج و تخم کشوث اضافه کنند، بهتر باشد.

نوع دیگر: سده بگشاید؛ تخم کاسنی نیم کوفته بیست درم، ریوند چینی سوده پنج درم، در کیسه کنند و چهل مثقال سرکه صاف و یک من و نیم آب می زنند و زمان زمان کیسه را می مالند تا تمام شیره باز دهد و آب ها کم شود و یک من قند صاف اضافه کنند و اگر ده درم

تخم شاهترج و تخم کشوث اضافه کنند، بهتر باشد.

سکنجبین:

سده را بگشاید درد جگر را سود دهد و طبع نرم کند؛ صنعت آن: ریوند چینی بیست درم، غاریقون پنج درم، تربد سفید پانزده درم، تخم کاسنی نیم کوفته پانزده درم، زنجبیل سه درم، کوفته و بیخته بجوشانند و بپالایند و یک من قند صاف کرده و یک چهار یک سرکه اضافه کنند.

سکنجبین رمانی:

تب های محرّقه را سود دهد. صنعت آن: آب انار ترش شیرین نیم من، سرکه صاف یک چهار یک، آب زرشک یک چهار، گلاب یک وقیه، قند یک من، چنانکه قاعده است بپزند؛ و اگر به جای سرکه خرما می هندو کنند، شاید.

سکنجبین سفرجلی:

معه را سود دهد و غذا هضم کند. صنعت آن: آب با یک من سرکه یک چهار یک، و قند صاف یک من بپزند و اگر به جای سرکه آب لیمو کنند، بهتر باشد.

سکنجبین سفرجلی حارّ:

ضیق النفس و درد پهلو که از سردی بود و فالج و لقوه را سود دهد. صنعت آن: زنجبیل و بادیانه و انیسون و بیخ انجدان و عاقرقرا و پودنه و نانخواه از هر یک بیست درم، تخم کرفس و کمون سیاه و قردمانا از هر یک پانزده درم، سداب خشک سی درم، فلفل سیاه ده درم، سرکه عنصل پنج من، مثلث یک من و نیم، انگبین یک من، داروها کوفته و بیخته، ده روز در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و در ظرفی زجاجی کنند و نگاه دارند و پیش از طعام و بعد از طعام سی درم به کاری می دارند.

ساختن خل العنصل:

پیاز دشتی به کارد چوبین پاک کنند و قصبه قصبه کنند، هر یک من از این پیاز نه من خل الخمر به رویش کنند و دو ماه در آفتاب نهند و بعد از آن به کار دارند.

مضمضه کردن، گوشت بیخ دندان سخت کند و بوی دهان خوش کند.

سکنجبین عنصل:

نوع دیگر خداوند ضیق النفس را سود دارد. صنعت آن: قند یک من، سرکه عنصل چهل مثقال، چنان که رسم است، بپزند.

سکنجبین عسل:

معتدل بود در سردی و گرمی. صنعت آن: چون صفت سکنجبین ساده باشد.

سکنجبین که خداوند سپرز را سود دهد:

ریوند چینی ده درم، تخم کاسنی ده درم، تخم کشوث ده درم، غافث ده درم، غاریقون پنج درم، فوه پنج درم، و پوست بیخ کبر و پوست درخت بید و کزمازج و اف تیمون در یک چهار یک سرکه و دو من آب خوشانند و روز دیگر

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۲

بجوشانند و بیالیند با یک من قند شربت پزند.

سکنجبین:

که [۲۴] آبله را سود دهد؛ صنعت آن: خل الخمر یک چهار یک، گلاب نیم چهار یک، برگ گل سرخ سی درم، گلنار ده درم، بجوشانند سه شبانه روز. پس بیالیند و با یک من قند به قوام آرند.

سکنجبین اف تیمون:

توحش سودایی و صرع را نافع بود؛ صنعت آن: اف تیمون ده درم، بسفایح فستقی شش درم، گاو زبان پنج درم، حاشا و گل سرخ و کمافیطوس از هریک چهار درم، پر سیاوشان پنج درم، تربد شش درم، بادرنجوبیه و تخم بادروج و زرنباد و فرنجمشک و درونج عقربی و بهمنین و سادج و قاقله و سنبل از هریک سه درم و نیم، تخم کشوث و تخم کاسنی و بیخ سوسن از هریک پنج درم؛ اجزای جملگی در یک چهار یک سرکه خمر و یک من و نیم آب خوشانند. روز دیگر بجوشانند و بیالیند و با یک من قند شربت پزند.

صنعت جلاب، قند سفید یک من در یک من گلاب بجوشانند تا به قوام آید و نیم درم زعفران در آن حل کنند.

شراب افسنتین:

که معده را پاک کند؛ صنعت آن: افسنتین رومی پنج درم، ورق گل سرخ بیست درم، تربد سفید ده درم، در یک من و نیم آب پزند تا به نیم من آید و با یک من قند به شربت پزند.

شراب افسنتین نوع دیگر:

که معده ضعیف و جگر و سپرز را سود دهد و طبع فرود آرد.

صنعت آن: شراب انگوری کهن سه من، عسل مصفی یک من، در یکدیگر حل کنند، قسط و مژ و مصطکی و اذخر و سادج و

سنبل و گل سرخ و صبر و غاریقون از هریک دو درم، افسنتین هفت درم، زعفران یک درم و نیم، جملگی کوفته، در کیسه کنند و در این شربت بجوشانند و زمان زمان کیسه می مالند تا شیره تمام باز دهد و به قوام آید، و بعد از آن به آفتاب نهند ده روز و بیرون آورند و بیالایند و نگاه دارند شربتی یک وقیه.

شراب افسنتین:

معه از صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم را مفید بود؛ صنعت آن: ورق گل سرخ هفت درم، و افسنتین رومی پنج درم، شاهترج پنج درم، آلوی سیاه بیست عدد منقی و خرما می هندی از هریک بیست درم، جملگی در دو من آب می پزند تا به نیم من آید و نیم من

خواص الأشیاء، متن، ص: ۲۳

قند صاف اضافه کنند تا [۲۵] به قوام آید. شربتی ده درم با صبر سقوطری یک درم نافع بود.

شراب افسنتین:

بادهای روده بشکند و طبع فرود آرد؛ صنعت آن: افسنتین رومی پنجاه درم، سلیخه بیست درم، تخم کرفس سی درم، در دو من آب پزند و بیالایند و با یک من قند به شربت پزند.

شراب اسطوخودوس:

از جهت ماده سودا؛ اسطوخودوس پانزده درم، بسفایح نیم کوفته ده درم، ایتیمون در کتان بسته دو درم، بالنگو پنج درم، گاو زبان پنج درم، نیلوفر ده درم، پوست هلیله کابلی پنج درم، عود الصّیلیب سه درم، مویز منقی یک چهار یک، جملگی بیخته و پالوده با یک من قند به شربت پزند.

شراب هلیون:

ریگ از گرده و مثانه پاک کند؛ صنعت آن: هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند تا به نیم من آید و با یک من قند به شربت پزند.

شراب خندیقون:

طعام بگذرانند و پیران را و خداوند معده سرد [را] [۲۶] سود دهد؛ صنعت آن: شراب کهن پنج من در عسل صافی یک من و نیم بیامیزند، زنجبیل پنج درم، قاقله صغار و کبار از هریک سه درم، قرنفل و دارچینی از هریک دو درم، فلفل سیاه یک درم، مشک خالص نیم درم، ادویه ها در کیسه کنند و در میان شربت اندازند و زمان زمان می مالند تا شیره تمام باز دهد و به قوام آید و مشک و زعفران در آن حل کنند.

خندیقون، نوع دیگر:

معهه سرد را و پیران را نافع بود و قوت باه دهد؛ صنعت آن: شراب کهن شش من، عسل مصفی سه من، زنجبیل پنج درم، قاقله صغار و کبار از هریک چهار درم، قرنفل و دارچینی و فلفل سفید از هریک سه درم، زعفران دو درم، مشک خوب نیم مثقال، ادویه ها کوفته در کیسه کنند و در میان شربت اندازند و ده روز در آفتاب نهند و هر روز می روند و کیسه در دست می مالند تا شیره باز دهد بعد از ده روز مشک و زعفران در آن حل کنند و در ظرفی زجاجی کنند و هر روز پنجاه مثقال به کار برند.

شراب کاکنج:

کاکنج سی مثقال در دو من آب بپزند تا به نیم من آید و با یک من قند به شربت پزند.

میبه:

معهه را قوت دهد و قی و فواق را باز دارد و درد جگر را سود دهد؛ صنعت آن: آب

خواص الأشیاء، متن، ص: ۲۴

به اصفهانی پنج من، شراب انگوری خوب ده من، عسل مصفی دو من و نیم، در یکدیگر بیامیزند و سر آتش نهند و این ادویه ها کوفته در کیسه کنند و در میان دیگ اندازند و بجوشانند تا به قوام آید و نیم مثقال مشک خوب و دو درم و نیم زعفران حل کرده، در ظرف چینی یا زجاجی کنند و نگاه دارند. ادویه ها این است: زنجبیل و مصطکی و قاقله کبار و صغار و دارچینی و کبابه و قرنفل از هریک هفت درم، در کیسه کنند و زمان زمان می مالند تا شیره تمام باز دهد.

میبه نوع دیگر:

آب به ترش و شیرین دو من، شراب انگوری خوب چهار من، قند سیصد مثقال و عسل صد مثقال، کبابه دو درم، قاقله کبار دو درم، قاقله صغار دو درم، سادج دو درم، گاو زبان یک درم، فرنجمشک یک درم، عود سه درم، صندل سفید سه درم، عنبر یک مثقال، مشک نیم مثقال، گلاب پنجاه مثقال.

میفختج:

که در چند تراکیب به کار می آید و هاضمه را نیکو بود و گرده و مئانه را سود دهد؛ صنعت آن: آب انگور چهل من صافی کنند و زنجبیل و قرنفل و دارچینی و عود و قاقله کبار و صغار و مصطکی و زعفران شاخ و سنبل الطیب و جوزبویا از هریک پنج درم، کوفته و نابیخته در کیسه کنند و به دیگ اندازند و زمان زمان کیسه می مالند تا شیره تمام باز دهد و به قوام آید و فرو گیرند و نگاه دارند.

میفختج نوع دیگر:

آب انگور صد من در دیگ کنند تا کمتر آن چه خواهند صافی کنند و بجوشانند تا دو بهره برود و یک بماند و در ظرفی زجاجی کنند و نگاه دارند. از برای سینه با شراب خشخاش به کار برند.

شراب سعال:

انجیر سفید چهل عدد، عنصل بیست درم، مویز طایفی سی درم، انیسون ده درم، جملگی در آب و قدری خل الخمر بجوشانند و روز دیگر بجوشانند و بپالایند و یک من عسل به شربت پزند.

شراب انجیر:

گرده و مثانه را نافع بود و آب پشت بیفزاید و قوت باه دهد؛ صنعت آن:

نخود سفید یک من، در پنج من آب بپزند تا باز دو دانگ آید و انجیر دو من بپزند در پنج من آب تا باز دو دانگ آید و انجیر و طبیح ها بر بالای یکدیگر کنند و دارچینی و خولنجان و سنبل و قرنفل و زعفران شاخ از هریک سه درم در کیسه و در میان دیگ اندازند و زمان زمان در دست می مالند تا شیره تمام باز دهد. پس بپالایند با یک من عسل کف گرفته به قوام آورند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۵

شربتی پنج مثقال به کار دارند.

شراب انجیر نوع دیگر:

انجیر پنج من، حلیبه سه من، هر دو در آب خوسانند. دو روز بعد از آن بجوشانند و بپالایند و با دو من انگبین بیامیزند و این داروها در کیسه کنند و در میان دیگ اندازند، چنان چه ذکر رفت، تخم هلیون و تودری سرخ و زرد از هریک پنج درم، زنجبیل چینی و جوزبویا و بسباسه از هریک ده درم، شربتی بیست درم مفید باشد.

شراب کدر:

و کادی نیز گویند. خداوند اسهال صفراوی را سود دارد. سرکه و آب انار ترش و آب اترج و آب لیمو و آب غوره و آب پیاز و آب توت و آب هندوانه و آب گشنیز و آب سیب و آب تمر هندی و آب زعرور و آب عدس و عدس و عَنَاب [۲۷] و لعاب اسفیوش از هر یک رطلی، صندل سرخ و سفید رطلی، کادی قند به قدر حاجت، کافور دو درم، طباشیر سفید بیست درم، کوفته و بیخته در آن حل کنند.

شراب هلیله:

مفاصل و تب های گرم را سود دارد و طبع فرود آرد؛ صنعت آن: پوست هلیله زرد صد عدد، نیم کوفته کنند و آب بر سر آن

ریخته و سه روز در آفتاب نهند، روز سیوم آب از آن باز ریزند و آب تازه کنند و سه روز دیگر رها کنند و بعد از شش روز هر دو آب با سه وقیه ترنجبین صافی کنند و بر سر آتش نهند و بجوشانند تا به قوام آید، فرو گیرند و یک درم سقمونیای مشوی کرده در آن حل کنند. شربتی ده مثقال نافع بود.

شرابی که فواق بنشانند:

زیره و انیسون و فودنه و کندر از هریک ده درم در دو من آب بپزند تا به نیم من آید، جرعه جرعه می نوشند.

نوع دیگر: فواق که از سردی معده باشد؛ صنعت آن: رازیانه و فودنه و سعد و تخم کرفس و انیسون، مساوی کوفته، بجوشانند تا باز دو دانگ آید و بپالایند و جرعه جرعه می نوشند.

نوع دیگر: تخم سداب و نانخواه از هریک ده درم، در یک من شراب بجوشانند تا به نصفی آید و بپالایند و جرعه جرعه می نوشند.

شراب فواکه:

قوت معده بدهد و منع قی بکند؛ آب به و آب سیب و آب انارین و آب مورد از هریک جزوی، آب زرشک و آب سماق و آب غوره و آب زعرور از هریک نیم جزو، آب ها بجوشانند تا ثلثی آید و آن مقدار قند که کفاف باشد اضافه کنند و به قوام آورند.

شراب انار ترش:

که قی و صفرا باز دارد و معده را قوت دهد؛ صنعت آن: آب انار ترش دو

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۶

من، نعنای تازه ده شاخه، عود خام و مصطکی از هریک ده درم، پوست بیرون پسته پنج درم، کوفته در کیسه کنند و در آب انار بجوشانند تا شیریه باز دهد و یک من قند اضافه کنند و به قوام آورند؛ و اگر ساده خواهد دو من آب انار بجوشانند تا به نیم من آید و یک من قند اضافه کنند.

شراب نعنای:

فواق بنشانند و قی و اسهال باز دارد؛ صنعت آن: انار ترش و شیرین دانه کنند و با شحم بکوبند و آبش بگیرند و قدری آب نعنای داخل هریک من آب انار نیم من قند اضافه کنند و به قوام آورند و فرو گیرند.

شراب آلوی مسهل:

آلوی سیاه صد عدد و عناب سی دانه، بنفشه و تربد از هریک بیست درم، خرما ی هندی یک چهار یک، بیخته و پالوده، نیم

من قند و نیم من ترنجبین اضافه کنند و به قوام آورند و فرو گیرند و یک درم سقمونیا در آن حل کنند.

شراب انار عذب:

ذات الجنب را سود دارد؛ صنعت آن: آب انار شیرین دو من و یک من قند به قوام آورند، و در نسخه دیگر نیم من آب سیب شیرین آورده اند.

شراب خشخاش:

نزله و ریش سینه و شش را سود دهد و بی خوابی زایل کند و بهتر این بود که با پوست پزند؛ صنعت آن: خشخاش درست با پوست صد عدد کوفته کنند و با پنج رطل آب باران بپزند و بپالایند و با دو من قند بجوشانند تا به قوام آید و اگر از خشخاش بی پوست پزند یک وقیه خشخاش نیم کوفته کنند و بجوشانند و بپالایند و با یک من قند به شربت پزند.

شراب سیب:

قوت معده بدهد و مفرح بود دل را و اسهال صفراوی باز دارد؛ صنعت آن:

سیب اصفهانی از دانه و پوست پاک کند و به هاون سنگین یا چوبین بکوبد؛ و آب آن بگیرند، ده من بجوشانند تا باز دو من آید و با یک من قند به قوام آورند؛ و اگر ربّ خواهند، چاشنی نهند.

شراب به:

قوت دل بدهد و اشتها باز دید کند و طبیعت ببندد و قی و غثیان باز دارد و تشنگی بنشانند؛ صنعت آن: چون صنعت سیب باشد؛ و اگر ربّ خواهند، چاشنی نهند.

شراب ریواس:

اسهال صفراوی دفع کند و قی باز دارد، تشنگی بنشانند و قوت معده بدهد و دفع خمار بکند؛ صنعت آن: ریواس پخته به کارد چوبین پاک کند و به هاون سنگین بکوبند و آب آن بگیرند و به تخم مرغ صافی کنند و بپالایند و بجوشانند تا باز دو دانگ آید و به مقدار آب قند به قوام آورند و آب داخل کنند. اگر ربّ خواهند چاشنی نهند و ده من آب به دو من آورند و فرو گیرند و در ظرفی زجاجی کنند و نگاه دارند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۷

شراب حماض:

صفرا بشکند و قوت معده و دل بدهد و قطع قی بکند و مقوی دماغ بود؛ صنعت آن: قند صافی کرده به قوام آورند و فرو گیرند و چهل مثقال آب حماض بریزند؛ و اگر انگشت پنج خواهند بر سر آتش بریزند تا جوش بزند و فرو گیرند.

شراب لیمو:

خواص این به خواص حماض نزدیکتر است و ساختن همان، اما در یک من قند یک چهار یک آب لیمو کنند.

شراب نارنج:

تشنگی بنشانند و قوت دماغ بدهد و درد سر که از گرمی باشد، زایل کند؛ صنعت آن: آب نارنج یک من بجوشانند و کف بردارند تا به نصف آید و دو من قند صاف کرده اضافه کنند و بجوشانند تا به قوام آید.

شراب غوره:

تشنگی بنشانند و قوت دماغ بدهد و صداع که از گرمی باشد کم کند و دفع خمار کند و شکم ببندد؛ صنعت آن: آب غوره یک من صاف کنند به مانند آب ریاس و قند به قوام آورند و آب بر سرش کنند و بجوشانند تا دیگر به قوام آید. اگر رب خواهند در ده من آب غوره بجوشانند تا به دو من آید و نگاه دارند؛ اما رب انار، آب انار چندان بجوشانند که به قوام آید.

شراب عود:

معه را سودمند بود، بوی دهان خوش کند و هاضمه [را] [۲۸] نیکو بود؛ صنعت آن: عود هندی ده درم، مشک ده درم، سنبل الطیب و قرنفل و مصطکی و جوزبویا از هریک دو درم، مجموع کوفته در کیسه کنند و در گلاب نیم من بجوشانند تا به یک چهار یک آید و کیسه نیک مالند، با یک من قند به شربت پزند و فرو گیرند و نیم درم مشک خالص در آن حل کنند.

شراب مورد:

معه را قوت دهد و اسهال باز دارد؛ صنعت آن: حبّ الآس نیم کوفته و امرود قدید از هریک پنجاه درم، قرظ و طرائث از هریک ده درم، آب و آب سیب و آب انار شیرین از هریک یک من، دواها در هاون کوفته در آن آب ها بجوشانند و بپالایند و دیگر باز بجوشانند تا به قوام آید.

نوع دیگر: حبّ الآس نیم کوفته کنند یکسر، [یک] [۲۹] جزو آب و دو جزو شکر سفید بنهند؛ اگر رب خواهند، چاشنی نهند و از حبّ الآس تازه بپزند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۸

شراب الورد:

تشنگی بنشانند و تب های صفراوی را نافع بود؛ صنعت آن: نیم من ورق گل در پنج من آب پزند، بخوسانند، یک شبانه روز به آتش آهسته بجوشانند تا به قوام آید.

شراب گل مکز:

طبع را فرود آورد و صفرای رقیق را براند؛ صنعت آن: ورق گل تازه نیم من در ده من آب بجوشاند و بیالایند و ثفل آن بیندازند و نیم من آب دیگر به آن آب بجوشانند، چند کَرْت؛ اگر هفت باشد، بهتر باشد. پس بیالایند و با یک من قند به قوام آورند.

شراب دینار:

طبع را نرم دارد و جگر را قوت دهد و سده بگشاید و مقوی دل بود و حرارت دفع کند و تب ها بشکند و درد گرده و مثانه را سود دهد؛ صنعت آن: تخم کاسنی و ورق گل سرخ از هریک بیست درم، فانید [۳۰] شش درم، بیخ کاسنی چهل درم، نیلوفر و گاوزبان از هریک ده درم، تخم کشوث در کتان به بیست و سه درم بجوشانند و بیالایند و با یک من قند به شربت پزند و پنج مثقال ریوند چینی سحق کرده، در آن حل کنند.

شراب زوفا:

سرفه بلغمی را نافع بود و ضیق النفس را و سینه و شش از اخلاط غلیظ پاک کند؛ صنعت آن: عتاب سی دانه، سپستان پنجاه دانه، انجیر سفید بیست دانه، مویز منقی پنجاه دانه، بنفشه چهار درم، گاو زبان پنج درم، پر سیاوشان هفت درم، تخم خیارین و تخم خطمی از هریک پنج درم، اصل السوس خراشیده هفت درم، زوفای خشک ده درم، در بعضی نسخه پنج درم فراسیون می کنند. داروها پخته و پالوده و با یک من قند به شربت پزند.

شراب تمر هندی:

طبیعت براند و صفرا بشکند و قوت معده بدهد و دفع حرارت کند؛ صنعت آن: خرمای هندی نیم من شیره اش بگیرند، با یک من قند پیزند.

شراب صندل:

قوت دل بدهد و خفقان زایل کند و جگر گرم را نافع بود؛ صنعت آن:

صندل سفید بسیار خوب بیست مثقال بسایند و در گلاب خوسانند یک شبانه روز و روز دیگر شیره اش بگیرند و با یک من قند به شربت پزند، چنان چه رسم است.

شراب بنفشه:

سرفه را نافع بود و تب و درد پهلو و درد گرده و شش سود دارد؛ صنعت آن:

سر بنفشه تازه یک چهار یک اندک جوشی بدهند و فروگیرند و زمانی رها کنند، پس بیالایند و با یک من قند به شربت پزند؛ و اگر تازه نباشد، یک وقیه خشک کنند.

شراب نیلوفر:

سرفه را سود دارد و درد سرکه از گرمی باشد دفع کند و درد ذات الجنب و ذات الریه منفعت دهد؛ صنعت آن: گل نیلوفر بغدادی تازه یک چهار یک و اگر تازه نباشد یک

خواص الأشياء، متن، ص: ۲۹

وقیه خشک و به دستور بنفشه به شربت پزند.

شراب عناب:

غلبه خواب را و اصحاب ماشری و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه را نافع بود؛ صنعت آن: عناب جوجانی یک چهار یک در سه رطل آب بجوشانند تا ثلثی آید و بمالد و بی مبالغه بیالیند و با یک من قند به شربت پزند.

شراب گاوزبان:

دل را قوت دهد، سودای مزاج را به غایت نافع بود و خفقان را زایل کند؛ صنعت آن: آب گاوزبان تازه یک من بگیرند و با یک من قند پزند و اگر تازه نباشد یک چهار یک خشک کنند و در وقت فرو گرفتن چهل مثقال گلاب خوشبوی بریزند و فرو گیرند.

شراب بالنگو:

دل را قوت دهد و خفقان سرد را نافع بود و توحش سودایی زایل کند؛ صنعت آن: مقابل گاوزبان باشد؛ و اگر به عسل مصفی پزند، شاید.

شراب انجبار:

اسهال دموی را نافع بود؛ صنعت آن: عرق انجبار سی درم، خرنوب و طرائث از هریک بیست درم، نیم کوفته کنند و یک شبانه روز بخوسانند و بجوشانند و بیالیند و با یک من قند سفید صاف کرده به شربت پزند.

نوع دیگر: انجبار هفت مثقال، فوط پنج مثقال اجزای آن، قرظ سه مثقال، عرق انجبار هفت مثقال، طباشیر سفید یک مثقال، صندل مقاصری و صندل سرخ از هریک چهار مثقال، قند ابلوج سفید نیم من، نبات در دو رطل آب پزند.

پخته فنجوش:

جهت قوت باه نافع بود: آب انگور مثقالی صد من در دیگ کنند و صاف کنند و بیست من گوشت پخته و مرغ بچه ها آن چه به دست آید، مثل کبک و مرغ خانگی و قاز و تیهو و گنجشک و کیوتر بچه و غیره در اندازند و به و سیب و ملجی از هریک دو من؛ و این ادویه ها نیم کوفته در کیسه ای کنند و در دیگ اندازند و زمان زمان می مالند تا تمام شیره باز دهد. زنجبیل و

قرفه و قرنفل و خولنجان و زرنباد و درونج عقربی و بسباسه و جوزبویا و کبابه چینی و سعد و سنبل و اشنه و اذخر و مصطکی و قاقله صغار و کبار و بهمنین و سادج هندی و دار فلفل و انیسون و سلیخه و پوست اترج و پوست بالنک و عود خام و صندل مقاصری از هریک دو درم، کوفته در سه کیسه کنند و چندان بجوشانند که گوشت مهرا شود، و فروگیرند و گوشت ها و جرم ها از او دور کنند و یک شب رها کنند. روز دیگر روغن از روی آن بگیرند و

در ظرفی کنند و چند روزی رها کنند و کیسه ها دراندازند و هر سه چهار روز می روند و کیسه می مالند تا طعم آن بگیرد.
پس بیالیند و یک مثقال مشک خالص و یک

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۰

مثقال و نیم زعفران با نیم من گلاب حل کرده، اضافه کنند و به ظرف زجاجی کنند و سرش بگیرند و در وقت حاجت به کار
برند و اگر انگشت پنج خواهند، پنج من عسل و دو مثقال عنبر اشهب و یک مثقال و نیم مشک خالص و سه مثقال زعفران در
آن حل کنند، زمانی که به قوام آمده باشد.

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۱

باب دوم در لعوقات

لعوق سپستان:

جهت خشونت حلق و سینه نرم کند و سرفه ببرد و طبع نرم دارد؛ صنعت آن: سپستان فربه دویت عدد، مویز منقی چهل درم،
فلوس خیار چنبر بیست درم، در سه من آب بجوشانند تا به یک من آید و با نیم من قند بجوشانند تا به قوام آید، و اگر پنج
مثقال بیخ مهک خراشیده داخل کنند، بهتر باشد.

نوع دیگر: سپستان صد دانه، عناب پنجاه عدد، مویز منقی چهل درم، فلوس خیار چنبر بیست درم، به دستور آن بپزند، بیست
درم آرد باقلا سوده در آن بسرشند.

لعوق خیار چنبر:

سرفه کهنه را نافع بود؛ صنعت آن: بنفشه پنج مثقال، عناب بیست دانه، سپستان فربه پنجاه دانه، مویز منقی چهل دانه، اصل
السوس خراشیده پنج درم، زوفا پنج درم، خشخاش سفید کوفته بیست مثقال، رازیانه و ایرسا و کتیرا از هر یک سه درم، صمغ
الود دو درم، پر سیاوشان هفت درم، انجیر سفید بیست دانه، نیک بجوشانند و بیالیند و بیست مثقال مغز فلوس خیار چنبر در
آن حل کنند و با نیم من قند بجوشانند تا به قوام آید؛ و مغز تخم خربزه و مغز تخم خیار بالنک و مغز بادام مقشّر و مغز دانه به
و حلیمو و گل خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج درم، باقلای سفید ده درم، کوفته و بیخته، بسرشند و بیست مثقال روغن
بادام اضافه کنند.

لعوقی که سرفه گرم را نافع بود:

مغز تخم خیار و مغز تخم بادرنگ و مغز بادام مقشّر و مغز دانه به و کتیرا و نشاسته و ربّ السّوس از هر یک سه درم، تخم
خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج درم، سپستان و مویز و ایرسا نیم کوفته بجوشانند و بیالیند و با نیم من قند بجوشانند تا به
قوام آید و داروها سحوق کرده، در آن بسرشند.

نوع دیگر: همان اخلاطها، پانزده درم مغز فلوس خیار چنبر و پنج درم بنفشه و بیست عدد عَنَاب و دو عدد خشخاش با پوست، در وقت سرشتن ده درم آرد باقلا و سی درم روغن

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۲

بادام اضافه کنند.

لعوق زوفا:

سینه از اخلاط بد پاک کند؛ صنعت آن: زوفای خشک و ایرسا و شونیز از هر یک جزوی با شش جزو عسل بسرشد.

لعوق جلعوزه:

از جهت تقویت باه نافع بود: مغز جلعوزه یک وقیه کوفته با یک چهار یک عسل بسرشد.

لعوق از جهت درد سینه و ذات الجنب و خشونت حلق نافع بود:

تخم کتان بریان کرده یک جزو، کندر نیم جزو، زیره و قردمانا از هر یک ربع جزوی، کوفته با دو برابر انگبین بسرشد.

لعوق جهت درد سینه نافع بود:

کرنب پخته افشره یک من با نیم من انگبین بجوشانند تا به قوام آید و مغز جلعوزه و مغز حب القطن و تخم کتان بریان کرده، حله و مغز فستق و آرد باقلا- از هر یک بیست درم، کوفته و بیخته به آن بسرشد. شربتیی پنج درم با شیر دراز گوش به کار دارند.

لعوق غاریقون:

ربّ السّوس و پر سیاوشان از هر یک هفت درم، رازیانه و فراسیون و زوفا و غاریقون از هر یک سه درم، میعه و صمغ البطم از هر یک یک درم، مویز منّی بیست درم، مویز و میعه و صمغ در میفختج حل کنند و با نیم من عسل در یکدیگر بسرشد. این لعوق ها سینه از اخلاط پاک کند.

لعوق بیرزد:

سینه از ریم پاک کند؛ صنعت آن: ربّ السّوس و کتیرا و بیرزد و بادام تلخ و رازیانه از هر یک سه درم، بیرزد با روغن گاو و انگبین حل کند، داروها در آن بسرشد.

لعوق حبّ الرّشاد:

سینه از بلغم پاک کند؛ صنعت آن: حبّ الرّشاد ده درم، ربّ السّوس چهار درم، انیسون و بادیان از هر یک دو درم، با چهل

درم انگین مصفی بسرشد. شربتی یک مثقال با سکنجین عنصلی به کار دارند.

لعوق خشاش:

نزله و ریش های شش و خون برآمدن از سرفه [را] [۳۱] نافع بود؛ صنعت آن: صد عدد پوست خشاش بکوبند و با دو من آب بپزند تا باز نیم آید و بپالایند و با نیم من قند بجوشانند و به قوام آورند و این داروها به آن سرشدند. صمغ عربی و کتیرا و نشاسته از هریک پنج درم کوفته و بیخته، اضافه کنند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۳۳

باب سیوم در مریات

هليلة مرآة:

معدة را قوت دهد و طبیعت نرم دارد و بواسیر ببرد و قوت باصره بدهد؛ صنعت آن: هليلة کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی سبز کنند و چندان آب بر سر آن کنند که آن را بپوشانند و پنجاه درم خاکستر بلوط زرد به روی آن کنند و هر سه روز آب و خاکستر بدل می کنند تا دوازده روز بگذرد و بعد از آن بجنبند، آب آهسته بشویند، چنان چه پوست از وی جدا نشود و در باتیله کنند و آب بر سر آن کنند و یک مشت جو بجوشانند تا جو کشکاب شود. پس فرو گیرند و بشویند و هر هليلة ای ده سوزن بزنند و در ظرفی چینی یا کاشی کنند و آن مقدار عسل که آن را بپوشاند بر سر آن کنند و بیست روز رها کنند و بعد از آن بیرون کنند از آن عسل و دیگر عسل بر سر آن کنند و آن عسل نگاه دارند تا ده روز دیگر بگذرد. بعد از آن، آن عسل اولینه به این هليلة و عسل بجوشانند تا قوام گیرد. این داروها به آن افشانند: قرفه و زنجبیل و قرنفل و جوزبویا و دارچینی و هل و مصطکی و

عود از هریک ده درم و پنج درم، زعفران یک درم، مشک خالص نیم مثقال، و بعد از چهل روز استعمال کنند.

بالنگ مرّبا:

قوت معده بدهد: بالنگ بزرگ که آن را دیه خوانند، زردی آن پاک کنند و از ترشی جدا کنند و در دیگ کنند و پاره ای عسل و آب بر سر آن کنند و بجوشانند تا نرم شود.

پس فرو گیرند و در آب سرد اندازند و بجوشانند تا شیره به خود کشد؛ و اگر به قند خواهند هم چنین، اما مرّیات مثل بالنگ و هلیله و شقال و جوز و گردکان و زنجبیل به عسل نیکوتر بود؛ و آلوچه و تمر هندی و به و سیب و ملجی به قند بهتر باشد.

شقال مرّبا:

مجامعت را قوت دهد، باه زیاده کنند و نعوظ تمام آورد و مثانه را نافع بود؛ صنعت آن: شقال تازه بخوسانند یک شبانه روز و آب از آن بریزند و آب تازه بکنند و یک شبانه روز دیگر رها کنند پس مقشّر کنند و با عسل و قدری آب بجوشانند تا قوام گیرد.

کرز مرّبا:

باه را زیاده کند و استسقا را نافع بود و قوت پشت بدهد؛ صنعت آن: کرز بستانند

خواص الأشیاء، متن، ص: ۳۴

و پوست آن بتراشند و پاره پاره کنند، مثل انگشت کوچک و چوب اندرون آن بیندازند و در آب عسل بجوشانند تا پخته شود. دیگر باره عسل در رویش کنند و بجوشانند تا قوام گیرد؛ و تمام مرّیات بعد از چهل روز مستعمل بود.

سیب مرّبا:

جهت معده و دل به غایت مفید بود؛ صنعت آن: سیب اصفهانی از پوست و دانه پاک کنند و در یک من قند و سه من آب بجوشانند تا به قوام آید.

به مرّبا:

قوت این زیاده از سیب بود؛ صنعت این چون صنعت آن، اما در یک من قند و چهار من آب بپزند تا پخته شود.

امرود مرّبا:

جهت معده به غایت نیکو بود؛ صنعت آن، چون صنعت به باشد.

آلوچه مرّبا:

حرارت بنشانند و طبیعت نرم کند و تشنگی و صفرا کم کند؛ صنعت آن:

آلوچه اصفهانی یا بخارایی اول بخوسانند و بعد از آن قند بخوسانند تا به قوام آید.

خرمای هندی مربا:

محروران را نافع بود و تب زایل کند؛ صنعت آن: تمر هندی تازه بی چوب، اگر پیدا نباشد بهتر باشد زمانی در گلاب خوسانند و با قند بجوشانند. باید که خیلی بجوشانند تا تلخ نشود.

قرع مربا:

سینه را به غایت سودمند بود و شش را و مثانه را که در وی صلابتی باشد سود دهد؛ صنعت آن: کدوی تازه بستاند و پوست از وی بخرشد و پاره پاره کند و یک روز در آب و آهک اندازند و بشویند و در شربت عسل اندازند و بجوشانند تا پخته شود.

خیار کدو مربا:

دفع حرارت بکند و تشنگی کم کند؛ صنعت آن: پوست هندوانه از سبزی پاک کنند و سه شبانه روز در آب و آهک خوسانند و یک شبانه روز دیگر در آب نمک خوسانند و سه شبانه روز در آب شیرین خوسانند. بعد از آن در شربت عسل بجوشانند زمانی و فرو گیرند و یک روز رها کنند و روز دیگر در عسل اندازند و بجوشانند تا قوام گیرد.

وج مربا:

قولنج و مصروع و مفلوج را نیکو بود؛ صنعت آن: وج ترکی فربه سه شبانه روز بجوشانند و بیرون آورند و در شربت عسل بجوشانند.

گردکان مربا:

جهت معده و گرده سرد را نافع بود و باه را زیاده کند؛ صنعت آن: گردکان تازه که هنوز صلب نشده باشد، پوست از وی باز کنند و در دیگ سنگین [آب کنند] [۳۲]، چندان که بپوشد و بجوشانند تا قوام گیرد و فرو گیرند و بعد از چهل روز دیگر استعمال کنند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۵

زنجبیل مربا: گرده و مثانه [را] [۳۳] نافع بود و معده سرد را نافع و باه را برانگیزد؛ صنعت آن:

زنجبیل را بیست روز در شیر آمله کنند [۳۴] و هر سه روز آب بر آن می ریزند. بعد از آن بپزند و در دیگ سنگین با عسل و قدری آب بجوشانند تا قوام آید.

گل انگبین قندی:

قوت معده بدهد و هاضمه را نیکو بود؛ صنعت آن: بستاند گل سرخ و ورق کنند یک من یا بیشتر یا کمتر آنچه خواهند و با دو من قند بکوبند و در آفتاب نهند در ظرفی و کرباس نو بر سرش ببندند تا از خاک و مور ایمن باشد و هر چند روز قدری قند صاف کرده به قوام آورند و به رویش می زنند و یک مچه چوبین در یکدیگر می کنند تا چهل روز بگذرد و باید که به هریک من برگ گل، چهار من قند به اول و آخر در وی باشد.

گل انگبین عسلی:

سردی معده و استسقا را و سردی جگر و سوء الهضم را نیکو بود؛ صنعت آن: چون صنعت قندی باشد، اما آنجا گل با قند می کوبند، اینجا تنها می کوبند و در عسل مصفی اندازند و در آفتاب نهند.

گل انگبین سفرجلی:

قوت دل و دماغ و معده بدهد؛ صنعت آن: چون صنعت گل قند باشد.

گل انگبین لسان الثور:

ادویه قلبی گرفته اند. ماده سودا دفع کند و خفقان زایل کند و سرفه بلغمی را نافع بود؛ صنعت آن: چون صنعت سفرجلی باشد.

بنفشج مربا:

سینه را نرم کند و سرفه حرارتی دفع کند؛ صنعت آن: سر بنفشه که دنبالش نباشد هریک من با چهار من قند به دستور گل قند در اول و آخر به کار برند.

آملج مربا:

به جهت معده به غایت مفید بود؛ صنعت آن: آمله پاک کرده یک هفته در آب صاف خوسانند تا فربه شود و در شربت عسل بپزند تا قوام گیرد.

لیمو مربا:

لیمو پاک کنند از پوست و رگ ها و دو روز رها کنند تا قدید شود. بعد از آن بجوشانند زمانی و به آب سرد اندازند و پاره ای بفشارند و قند به قوام زیادت آورند و لیمو در اندازند تا قوام گیرد.

نارنج مربا:

هم به دستور لیمو پزند.

قراصیا مربا:

آلوبالو [۳۵] بستانند و از چوب پاک کنند و به یک آب بشویند و با قند به

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۶

قوام آورند.

انبرباریس مربا:

از جهت صفرا نافع بود؛ زرشک درست پاک کنند و سرفند صاف کرده که به قوام نیامده باشد، ریزند و بجوشانند تا به قوام آید و فرو گیرند، نافع بود؛ و الله أعلم و أحکم بالخیر.

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۷

باب چهارم در جوارشات

جوارش:

منفعت کند کرده سرد را و باده را زیاد کند و نعوظ تمام آورد؛ صنعت آن: تخم هلیون و تخم پیاز و تخم انجیر و مغز حبه الخضرا و لسان العصارف و کنجد مقشر و مغز جلقوزه و تخم ترب از هر یک سه درم، زنجبیل و شقاقل مصری و خولنجان و دار فلفل از هر یک پنج درم، دارچینی و جوزبویا و بهمنین سرخ و سفید از هر یک سه درم، ناف سقنقور پنج درم، خصیه الثعلب ده درم، قضیب گاو خشک کرده سوده ده درم، داروها کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند. شربتی دو مثقال با ماء العسل با مشک تازه و شکر سفید مفید باشد.

جوارش خبث الحديد:

از جهت ریگ مthane مفید بود؛ خبث الحديد کوفته دو هفته در سرکه خوسانند و خشک کنند و به روغن بادام بریان کنند و باز بکوبند و به کار برند.

جوارش زعفرانی:

منفعت دهد کرده و پشت را و معده قوی کند و بلغم دفع کند و بوی دهان خوش کند و آب رفتن از دهان باز دارد و منی بیفزاید؛ صنعت آن: تخم کرفس و تخم کرز و تخم شبت و نانخواه و رازیانه و مغز خیارین و بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال، عاقرقرا و قرفه و زعفران و مصطکی و عود از هر یک پنج درم، بسباسه و قرنفل و فلفل مویه و کبابه چینی از هر یک سه درم، عنبر اشهب یک درم و نیم، عسل سه وزن ادویه. عنبر در عسل بگدازند و ادویه در آن بسرشند؛ و الله أعلم.

جوارش جالینوس:

خاصیت بسیار دارد و اگر گویم، طولی دارد. هرچه از این جوارش طلب کنند مقصود حاصل شود؛ صنعت آن: سنبل و قاقله و سلیخه و دارچینی و خولنجان و قرنفل و فلفل سفید و زنجبیل و زعفران و دار فلفل و قسط بحری و عود و سعد کوفی و بلسان و اسارون و تخم مورد و قصب الذریره و مصطکی از هریک پنج درم، قند به وزن تمام ادویه، عسل دو وزن همه؛ شربتی دو مثقال نافع بود.

جوارش زیره:

که کمونی خوانند، سردی معده و تب های بلغمی و سودایی و فواق که از

خواص الأشياء، متن، ص: ۳۸

کثرت بلغم باشد، دفع کند؛ صنعت آن: کمون سیاه در سرکه خوسانند یک شبانه روز و در سایه خشک کنند و بریان کنند رطلی، فلفل پانزده درم، زنجبیل بیست درم، سداب خشک بیست درم، بوره ارمنی پنج درم، مجموع کوفته و بیخته باشد، با سه چندان عسل بسرشند.

جوارش سفرجلی مسهل:

که آن را جوارش به نرم گویند، قولنج بگشاید و معده را قوت دهد و اشتهای طعام بازدید کند؛ صنعت آن: به اصفهانی پاک کرده از پوست رطلی در دو رطل مثلث بجوشانند تا مهرا شود و فرو گیرند و بکوبند و از منخل مویی بیرون کنند و با یک من عسل بجوشانند، و این داروها کوفته در آن افشانند: زنجبیل و دارفلفل و دارچینی از هر یک دو درم، قاقله صغار و کبار و زعفران از هریک سه درم، مصطکی پنج درم، سقمونیای مشوی کرده ده درم، تربد سفید مجوف خراشیده به روغن بادام چرب کرده سی درم، کوفته و بیخته، در آن بسرشند.

جوارش سفرجلی ممسک:

شکم ببندد و معده را قوت دهد و دفع قی بکند و اشتهای طعام بازدید کند؛ صنعت آن: به اصفهانی پاک کرده در سرکه بجوشانند تا مهرا شود و بکوبند و با نیم من عسل بجوشانند تا به قوام آید و فرو گیرند، و [این] [۳۶] داروها به آن بسرشند: زنجبیل و فلفل و دارفلفل از هریک چهار درم، تخم کرفس و نانخواه از هریک یک درم، زعفران دو درم، مجموع کوفته و بیخته بر آن افشانند و یک مچه می زنند تا یکسان شود. شربتی چهار مثقال نافع بود.

جوارش تمری:

قولنج بگشاید؛ صنعت آن: زیره کرمانی در سرکه خوسانند، چنان چه ذکر رفت در کمونی، بوره ارمنی و فطراسالیون تخم کرفس جبلی است، بدل او بزر کرفس است، دو وزن او و زنجبیل و فلفل سفید از هریک دو درم و نیم، سقمونیای مشوی کرده پنج درم، خرمای بی دانه و مغز بادام مقشر بریان کرده و ورق سداب از هریک ده درم، تمر در سرکه خوسانند یک

شبانۀ روز، کوفته و از غربال بیرون کنند و با عسل بجوشانند و داروها بسرشند.

جوارش شهریاران:

سودمند بود [۳۷] سردی معده و جگر و قولنج بگشاید؛ صنعت آن: قرفه و قرنفل و دارچینی و سلیخه و سنبل و جوزبویا و قاقله صغار و کبار و مصطکی و حبّ بلسان

خواص الأشیاء، متن، ص: ۳۹

و زعفران از هریک چهار درم، سقمونیای مشوی کرده سه درم، تربید سفید و حبّ الثیل از هر یک هشت درم، قند سفید به وزن ادویه کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند. شربتی پنج مثقال به حسب مزاج به آب گرم نافع بود.

جوارش اتوج:

قوت معده بدهد و اشتهای طعام بازدید کند و بوی دهان خوش کند؛ صنعت آن: پوست ترنج خشک کرده سی درم، قرنفل و جوزبویا و دارفلفل و قرفه و قاقله و خولنجان و زنجبیل از هریک دو درم، مشک خالص نیم درم، کوفته و بیخته به عسل مصفی بسرشند و در ظرفی چینی یا زجاجی کنند و استعمال می کنند.

جوارش عود:

از مجربات شیخ الرئیس است. بادها بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند؛ صنعت آن: عود هندی سه درم، مشک دو دانگ، کافور دانگی و نیم، بسباسه و نارمشک و سعد و فرنجمشک و زرنب و زرنباد از هریک دو درم، دارچینی و فلفل و زنجبیل و قرنفل و مصطکی از هریک دو درم و نیم، لسان الثور پنج درم، بادیان و تخم کرفس و وج و سنبل از هر یک سه درم، کوفته و بیخته، به عسل مصفی بسرشند.

جوارش عود، نوع دیگر:

معده و دل را قوت دهد، خاصه پیران را؛ صنعت آن: عود هندی و قرنفل و سادج هندی و زنجبیل و قاقله و فرنجمشک و دارفلفل از هریک دو مثقال.

نوع دیگر: معده و دل را قوت دهد، خاصه هاضمه را قوت دهد و اشتهای طعام بازدید کند و بلغم و رطوبت دفع کند؛ صنعت آن: قرنفل سه درم، قاقله کبار دو درم، عود قماری پنج درم، زعفران یک درم، سنبل دو درم، کوفته و بیخته به عسل بسرشند.

نوع دیگر: معده سرد را گرم کند و اشتها باز کند و هاضمه را نیکو بود؛ صنعت آن: قرنفل دو درم، سنبل الطیب یک درم، عود خام پنج درم، نبات یک من به قوام آورند و تیز بزنند و داروها بر آن افشانند و به روی سنگ ریزند.

نوع دیگر: عود خام پنج درم، پوست ترنج دو درم، مصطکی دو درم، نبات یک من و نیم به آن دستور بریزند.

جوارش آمله:

معه را به صلاح آورد و اشتها بازدید کند؛ صنعت آن: آمله در شیر جوشانیده بیست درم با یک من قند به روی سنگ ریزند.

جوارش آمله، معه اضافه:

آمله ده درم، مصطکی دو درم، عود ده درم و نیم، زرشک بی دانه سه درم، پوست اترج سه درم، گشنیز خشک دو درم، قند یک من.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۴۰

جوارش عنبر [۳۸]: خفقان و سردی معده و بدی هضم و اوجاع رحم را نافع بود و از جهت پیران به غایت مفید بود؛ صنعت آن: قاقله صغار و کبار، بسباسه، دارچینی از هریک چهار درم، زنجبیل، دارفلفل از هریک ده درم، مصطکی، عنبر اشهب از هریک دو درم، قرفه، قرنفل، زعفران از هریک دو درم، جوزبویا، مشک یک درم، کوفته و بیخته، قند برابر ادویه و عسل دو برابر بسرشد. قند سفید یک من به قوام آورند و فرو گیرند و یک مثقال عنبر اشهب دراندازند و حل کنند و به روی سنگ ریزند.

جوارش مصطکی:

سردی معده و جگر و باد و بلغم دفع کند؛ صنعت آن: قند یک من به قوام آورند با چهل مثقال گلاب خالص و سه مثقال مصطکی بر آن پاشند و به روی سنگ ریزند.

شراب عنبر:

قند سفید یک من به قوام آورند و فرو گیرند و یک مثقال عنبر اشهب در اندازند و حل کنند و به روی سنگ ریزند.

جوارش مصطکی:

سردی معده و جگر و باد و بلغم دفع کند؛ قند یک من به قوام آورند با چهل مثقال گلاب خالص و سه مثقال مصطکی بر آن پاشند و به روی سنگ ریزند.

جوارش مشک:

بادهای معده بشکند و خفقان و باد ناسور را سود دارد؛ صنعت آن:

خیربوا و قاقله، قرنفل، جوز الطیب و زنجبیل و فلفل و دارفلفل از هریک ده درم، دارچینی سه درم، عود هندی بیست درم، زعفران دو درم، مشک نیم مثقال، قند سوده به وزن ادویه، عسل به وزن همه بسرشد و به کار دارند.

جوارش کافور:

اسهال صفراوی باز دارد؛ صنعت آن: زرشک بی دانه ده درم، گل سرخ شش درم، طباشیر چهار درم، بزر الحماض بریان کرده هفت درم، کهربا چهار درم، حبّ الآس شش درم، شاه بلوط پنج درم، پسته ده درم، سیب ده درم، انار دانه بریان کرده پانزده درم، عنبر ده درم، کافور دو درم، زعفران سه درم، فوفل چهار درم، نیلوفر پنج درم، به شراب ترنج یا حماض بسرشد، شربتی دو درم.

جوارش کندر:

اسهال بلغمی باز دارد و معده باز دارد و معده گرم کند؛ صنعت آن: کندر دریایی سفید شصت درم، فلفل و دارفلفل از هریک ده درم، زنجبیل و خولنجان از هریک هفده درم، جوزبوا و قرنفل و قاقله کبار و از هریک پنج درم، مشک نیم درم، قند سفید شصت

خواص الأشیاء، متن، ص: ۴۱

[درم] [۳۹] به انگبین بسرشد.

جوارش حبّ الآس:

[۴۰] هلیله سیاه و بلبله و آمله و گل سقرا از هریک ده درم، فلفل و دارفلفل و زنجبیل از هریک پنج درم، مصطکی و قردمانا و کرویا و انیسون و زیره و سنبل و سلیخه و قاقله و قسط از هریک سه درم، جوزبوا و تخم کرفس و نانخواه از هریک دو درم، کوفته و بیخته، به انگبین بسرشد.

جوارش جوزی:

طعام بگوارد و اسهال باز دارد و سپرز بگدازد، و کسی را که بیم استسقا بود، سود دهد؛ صنعت آن: قسط و قرفه و سنبل و حبّ بلسان و سلیخه از هریک ده درم، جوزبوا پنج عدد، قاقله و قرنفل و انیسون و نارمشک و اکلیل الملک و شیطرج از هریک چهار درم، بسباسه و درونج از هریک سه درم، ریوند چینی و زراوند و اشنه از هریک پنج درم، هلیله سیاه و هلیله کابلی از هریک بیست درم، به روغن زیت بریان کنند. هلیله و بلبله ده عدد و حبّ الآس به وزن همه ادویه کوفته و بیخته، دو وزن آن شکر طبرزد به قوام آورند، داروها به آن بسرشد. بعد از دو ماه شربتی مقابل یک مازو نافع.

جوارش خوزی:

دانه مویز که از سرکه بیرون کنند بیست درم، حبّ الآس به وزن پنجاه درم، ادویه کوفته، خرنوب و گلنار و کرمازو و نانخواه از هریک دو درم کوفته و بیخته با عسل بسرشد.

جوارش طباشیر:

اسهال صفراوی باز دارد؛ صنعت آن: طباشیر اسفید و گل سرخ از هر یک ده درم، بزر الحماض و صمغ عربی از هریک هفت

درم، گلنار و سماق و عصاره لحيه التيس از هريك شش درم، زعفران و افیون و حبّ الآس از هريك دو درم، نیم كوفته، به شراب سیب بسرشد، شربتی سه درم.

جوارش سماق:

اسهال صفرايی باز دارد؛ صنعت آن: سماق بیست درم، حبّ الآس ده درم، انار دانه پنج درم، صمغ عربی از هريك پنج درم، كوفته و بیخته با منقی بکوبند، شربتی سه درم.

نوع دیگر: تب صفرايی ببرد و تشنگی بنشانند؛ صنعت آن: سماق سی درم، بیست جو هسته سیب و کندر بغدادی، خرنوب شامی و طباشیر از هريك پنج درم، كوفته و بیخته به

خواص الأشياء، متن، ص: ۴۲

شراب سیب بسرشد.

جوارش زیره کبیر:

جهت نفخ معده و اشتها نافع بود؛ زیره کرمانی مدبر رطلی، فلفل پانزده درم، زنجبیل بیست درم، سداب بیست درم، بوره ارمنی پنج درم، سلیخه و دارچینی و قرفه و حبّ بلسان و سنبل الطیب و مصطکی از هريك چهار درم، كوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد.

جوارش زیره، نوع دیگر:

قولنج بگشاید و آروغ ترش زایل کند؛ صنعت آن: زیره مدبر ده درم، زنجبیل ده درم، فلفل پنج درم، افیمون بیست درم، بوره ارمنی پنج درم، كوفته و بیخته، با عسل بسرشد.

جوارش انجدان:

بادها بشکند و قولنج بگشاید و آروغ ببرند؛ صنعت آن: فلفل و دارفلفل از هريك پنج درم، ایرسا و زنجبیل از هريك شش درم، انیسون و رازیانه و مصطکی از هر یک دو درم، انگدان ده درم، كوفته و بیخته، با انگبین بسرشد.

جوارش عطایی:

منی بیفزاید و مجامعت را قوت دهد، گرده و مغز را قوی گرداند؛ صنعت آن: شقاقل مصری و قاقله صغار و خولنجان و دارفلفل و دارچینی و زنجبیل از هريك پنج مثقال، بهمین و تودرین و تخم اسپست و مغز تخم خربزه و تخم خیار [۴۱] چنبر و تخم پیاز و تخم حماض و تخم انجره و تخم هلیون و تخم شلغم و تخم کرفس از هريك سه مثقال، كوفته و بیخته باشد، مقداری ترنجبین یک شب در شیر گاو خوسانند، روز دیگر در دست بمالند و صافی کنند و بجوشانند تا سبز شود و داروها به

آن بسرشد و در ظرف چینی یا کاشی کنند. شربتی سه مثقال با شیر گاو تازه مفید باشد.

جوارش عنبری:

دل را قوت دهد و مجامعت را زیاده کند و باه را بیفزاید؛ صنعت آن:

قاقله کبار و بسباسه و لبان از هریک پنج درم، زنجبیل و دارفلفل از هریک ده درم، قرفه و قرنفل و انیسون و بزر البنج و مشک ترکی از هریک یک درم، عنبر اشهب دو درم، روغن بلسان بگدازند به وزن داروها و قند سفید به وزن داروها به عسل مصفی بسرشد؛ و از این جوارش محرووران را نیم مثقال و مرطوبان را یک درم تا یک مثقال شاید.

جوارش عنبر:

خفقان و سوء الهضم و اوجاع ارحام را نیکو بود؛ صنعت آن: قاقله کبار و صغار و بسباسه از هریک چهار مثقال، اشنه دو درم، قرفه و قرنفل و زعفران و مصطکی از هر

خواص الأشياء، متن، ص: ۴۳

یک پنج درم، جوزبوا پنج عدد، عنبر اشهب و سنبل الطیب از هریک دو درم، مشک ترکی یک درم، کوفته و بیخته، عنبر در عسل بگدازند و داروها به آن بسرشد، شربتی یک مثقال. [۴۲]

خواص الأشياء؛ متن؛ ص ۴۳

جوارش اسقف:

اخلاط فاسد را فرود آرد و طبع نرم گرداند؛ صنعت آن: سقمونیای مشوی سه مثقال، قاقله کبار و دارچینی و آمله و قرنفل و بسباسه و جوزبوا از هریک چهار درم، کوفته و بیخته، با یک رطل آب ترنجبین صاف کرده به قوام آورند، بسرشد، شربتی سه مثقال تا چهار مثقال.

جوارش کافوری:

ضعف معده و بلغم های غلیظ دفع کند؛ صنعت آن: فلفل و جوزبوا و زنجبیل و بسباسه و دارچینی و نارمشک و قرفه و قرنفل و فلفل مویه و فرنجمشک و کافور قیصوری و زعفران از هریک دو درم باشد، [سه] [۴۳] چندان عسل مصفی بسرشد.

جوارش ملکی:

باه را قوت دهد، شهوت زیاده کند، در مجامعت قوتی عظیم دارد؛ صنعت آن: قرنفل و جوزبوا و بسباسه و لسان العصافیر و بیخ اذخر و زنجبیل و دارچینی و مصطکی و عود و زعفران از هریک سه درم، قاقله کبار و لبان از هریک دو درم، اشنه سه مثقال، مشک نیم درم، قند ده مثقال، گلاب دو مثقال، عسل در وزن قند، عسل و گلاب به قوام آورند و داروها به آن بسرشد.

جوارش جلالی:

منی زیادت کند و مجامعت را قوت دهد و معده را قوی کند و اشتهای طعام بازدید کند؛ صنعت آن: سنبل و قرفه و قرنفل و دارچینی و قاقله کبار و صغار از هریک سه درم، انیسون و تخم کرفس از هریک مثقالی، زیره و مصطکی و نعناع و عود از هریک پنج درم، فلفل دو مثقال، حسک دو درم، مشک ترکی نیم درم، قند سفید پنج مثقال، عسل مصفی دو وزن همه.

جوارش بسباسه:

بواسیر و سردی معده را نافع بود؛ صنعت آن: بسباسه و قرفه و قاقله و زنجبیل و دارفلفل اسارون دو درم، قند سفید بیست درم، عسل سه وزن ادویه.

جوارش بلادری:

نسیان را نافع بود و ذهن صافی کند و لون نیکو کند؛ صنعت آن: فلفل و دارفلفل، هلیله کابلی و بلبله و آمله و جند بیدستر از هریک چهار درم، عسل بلادری، قسط، شکر طبرز و حب الغار و سعد از هریک پانزده درم، کوفته، به روغن گاو بسرشد و بعد از شش ماه استعمال کنند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۴۴

جوارش حبّه الخضرا:

بواسیر را نافع بود و سردی معده ببرد؛ حبّه الخضرا و عسل بلادری و سمس مقشّر از هریک بیست درم، شکر طبرزد و هلیله کابلی و بلبله و زنجبیل و دارفلفل و سادج و شیطرج از هریک چهار درم، قرنفل و مرزنجوش و بسباسه از هریک دو درم، کوفته و با سه مقدار عسل و بیست درم روغن گاو بسرشد. شربتی یک مثقال با روغن مفید بود.

جوارش مقلبانا:

زحیر و بواسیر را نافع بود؛ صنعت آن: خوفری بریان یک جزو، کمون مدبر بریان کرده نیم جزو، مصطکی سه جزو، کوفته و بیخته، به گلاب بسرشد.

جوارش سمس:

لون را صافی کند و زنان آبستن را نیکو بود؛ صنعت آن: زرنباد و تخم کرفس و نانخواه از هریک دو درم، کندر سه درم، کمون کرمانی دو درم، کنجد بنفشه ده مثقال، و زنجبیل و فلفل و دارفلفل و قاقله و دارچینی از هریک سه درم، کوفته و بیخته با دو مقدار شکر طبرزد گداخته، به گلاب بسرشد.

جوارش منیمن:

بواسیر را نافع بود و هضم طعام بکند و باه را قوت دهد؛ صنعت آن:

زنجبیل ده درم، دارفلفل سی درم، فلفل ده درم، جوز مقشّر و کنجد مقشّر و فانید از هریک پنجاه درم، کوفته و بیخته، با دو وزن عسل بسرشند، شربتی سه درم.

جوارش نانخواه:

پیچیدن شکم و ضعف معده را سود دهد و بادها را بشکند؛ صنعت آن:

نانخواه و تخم کرفس و شونیز از هریک ده درم و زنجبیل دو درم، کوفته، به عسل بسرشند.

جوارش کندر:

سردی معده را نافع بود؛ صنعت آن: فلفل و فودنج و شونیز و کاشم و سنبل و نانخواه و انیسون از هریک پنج درم، کندر سی درم، جلنار ده درم، کوفته، به عسل بسرشند.

جوارش تفاحی:

قوت معده بدهد و اشتهای طعام بازدید کند؛ صنعت آن: تفاح شامی شیرین یا اصفهانی دانه بیرون کرده چهار رطل زاید در شراب ریحانی کهن خوسانند و دو روز بپزند تا مهرا شود و عصب آن بگیرند و در دیگ کنند و بپزند تا نیمه آید و هم وزن آن عسل اضافه کنند و چندان بپزند که منعقد شود و زنجبیل و قاقله کبار و قرنفل و دارچینی و عود از هریک سه درم، زعفران یک درم مشک ترکی یک درم، کوفته و بیخته، به آن بسرشند.

شربتی پنج درم به کار برند.

جوارش هندی:

خداوند قولنج و وجع مفاصل و نقرس و ضعف معده را سود دهد؛ صنعت آن: شیطرچ و سادج از هریک چهار درم، جوزبوا و نانخواه از هریک دو استیر، فلفل و دارفلفل از هریک چهار استیر، زنجبیل و هلیله سیاه از هریک سه استیر، بسباسه پنج درم،

خواص الأشیاء، متن، ص: ۴۵

فانید ده استیر، شربتی چهار درم با شراب کهن بیاشامند.

جوارش فلافل:

وجع معده و بادهای غلیظ و سردی را نافع بود؛ صنعت آن: فلفل ابیض و اسود و دارفلفل از هر [یک] [۴۴] یک وقیه، عود و بلسان نیم وقیه، حماما و سنبل الطیب از هریک پنج درم، زنجبیل و سلیخه و تخم کرفس و سیسالیوس و اسارون از هریک دو

درم، راسن یک درم، کوفته و بیخته، شربتی دو درم به آب فاتر به ناشتا بیاشامند.

فندادیقون:

نسخه قانون [۴۵] شیخ رئیس اوجاع جگر را نافع بود [۴۶]؛ صنعت آن: زنجبیل و فلفل و سنبل از هریک شش درم، مصطکی و نانخواه و انیسون از هریک چهار درم، تخم کرفس و نعناع از هریک پنج درم، کمون مدبر و حبّ بلسان و سلیخه و عاقرقرا از هریک دو درم، سادج یک درم، کوفته و بیخته، به سه وزن عسل کف گرفته بسرشد.

جوارش الملوک:

ناسور و سردی و درد مفاصل را سود دهد؛ صنعت آن: هلیله سیاه و بلیله از هریک سی و شش مثقال، شونیز بیست و چهار درم، فلفل و اشق و زنجبیل و دارفلفل و فلفل مویه از هریک دو مثقال، کبابه چینی و عسل بلادرا از هریک شش مثقال، کوفته و بیخته، با سیصد مثقال فانید به قوام آورند و بسرشد و بندقه سازند هریک به وزن دو مثقال و دست به روغن زید چرب کنند و بندقه می سازند، شربتی یک بندقه با گلاب مفید بود.

جوارش خسروی:

اشتها پدید آورد و رنگ روی را سرخ کند و گرده سخط کند و قوت باه بیفزاید و نشاط آورد؛ قاقله کبار و صغار و بسباسه از هریک چهار درم، زنجبیل و دارفلفل از هریک هشت مثقال، اشنه دو درم قرفه یک درم، قرنفل و زعفران از هریک سه درم، جوزبوا پنج درم، سنبل و مصطکی و عنبر از هریک دو درم، مشک و بزر البنج و افیون از هر یک یک درم، عسل سه وزن ادویه، شربتی به حسب مزاج.

جوارش کرویا:

وجع معده را نافع بود؛ صنعت آن: کرویا و نانخواه و تخم کرفس و زنجبیل و سیسالیوس و تخم کرز از هریک سه درم، مغز بادام تلخ شش درم، منقی پنج درم، به عسل بسرشد، شربتی یک بندقه باشد.

جوارش مسیحی:

تقویت باه بکند و نشاط آورد و گرده سخط کند. ترکیب مولانا مرحوم

خواص الأشياء، متن، ص: ۴۶

حکیم الدین اسمعیل - علیه الرحمه و المغفره: اشنه دو درم، بهمین و بشد دو [درم] [۴۷]، تودرمین و تخم شلغم و تخم کرز و تخم ترب از هریک ده درم، اسارون و گاوزبان و قرنفل و مصطکی و سنبل از هریک شش درم، کندر و بالنگو و شقاقل از هریک هشت درم، قرفه و زرنب و زعفران و بسباسه و فرنجمشک و کهربا و قاقله کبار و صغار و ورق گل سرخ از هریک چهار درم، عود قماری ده درم، عنبر اشهب دو درم، مشک یک درم، صندل سرخ و سفید از هریک سه درم، بادرنجبویه

مثقالی، خصیه الثعلب پنج مثقال، جزو اعظم خوب آزموده از سه نوع سیصد درم، شیر تازه دو رطل، نبات دو رطل، عسل مصفی دو رطل؛ نبات در شیر بگدازند و با عسل به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

جوارش خولنجان:

نافع بود سردی جگر و هضم طعام [را] [۴۸]؛ صنعت آن: خولنجان و فلفل ابیض و قاقله صغار و دارچینی و نارمشک از هریک سه درم، دارفلفل شش درم، زنجبیل هشت درم، تخم کرفس و انیسون و کمون و کرویا و طالیسفر از هریک دو درم، فانید و شکر دو وزن ادویه، شربتی دو درم.

جوارش لؤلؤ:

از مفرده ریحانی که زنان آبستن را مفید بود و باد رحم کند و بچه نگه دارد؛ صنعت آن: لؤلؤی ناسفته و عاقرقرحا از هریک دو درم، زنجبیل و مصطکی از هریک چهار درم، زرنباد و درونج عقربی و تخم کرفس و وج و شیطرج و قاقله صغار و کبار و جوزبوا و بسباسه و قرفه از هریک دو درم، فلفل و دارفلفل از هریک سه درم، دارچینی پنج درم، شکر به وزن همه ادویه، شربتی یک بندق به شراب ممزوج نافع بود. اگر عوض شراب، ماء العسل کنند، شاید نافع بود؛ و الله أعلم و أحکم.

خواص الأشياء، متن، ص: ۴۷

باب پنجم در معاین و تریاقات

تریاق فاروقی:

سودمند بود گزندگی جانوران و مجموع زهرها و ادویه های کشنده، شربتی از آن مفید بود به قدر حاجت و مزاج. اندک آن یک طسوج و بسیار یک مثقال، و بر موضع گزندگی ضماد کنند، سود دهد و قوت دل بدهد و جمیع مرض های سرد را نافع بود؛ و اگر به خواص نوشتن مشغول شویم دراز گردد؛ صنعت آن: اقراص عنصل چهل و هشت مثقال، اقراص افاعی و فلفل سیاه و افیون از هریک بیست و چهار مثقال، ورق گل سرخ و تخم شلغم بزی و ثوم بزی و ایرسا و غاریقون و ربّ السوس و روغن بلسان از هریک دوازده مثقال، دارچینی بیست و چهار مثقال، مرّ صافی و زعفران و زنجبیل و ریوند چینی و فنطافیون [۴۹] و فودنج و فراسیون و قسط تلخ و فطراسالیون و اسطوخودوس و فلفل سفید و دارفلفل و کندر و مشکطرامشع و فقاخ ذکر اذخر و صمغ البطم و سلیخه و سنبل و جعده از هریک شش مثقال،

لبنی و تخم کرفس و سیسالیوس و خرف و کمادریوس و نانخواه و کمافیطوس و عصاره لیحه التیس و ناردین اقلیطی و شیخ جبلی و سادج هندی و مو و جنطیانای رومی و رازیانج و طین مختوم و زاج محرق که تمام نسوخته باشد و حماما و وج و حبّ بلسان و فوه و غاریقون و صمغ عربی و قردمانا و انیسون و اقاویا از هریک چهار مثقال، درقو و قنّه و مقل الیهود و جاوشیر و قنطوریون باریک و زراوند مدحرج و سکینج از هریک دو مثقال، جند بیدستر دو مثقال، عسلی که از گل حاشا بود ده رطل، شراب کهنه خوب هشت رطل؛ و صمغ ها و عصاره ها در شراب حل کنند و عسل بر سر آن کنند و یک شبانه روز رها کنند و بجوشانند. بعد از آن ادویه کوفته و بیخته به روغن بلسان بمالند و با عسل بسرشند و در ظرفی چینی [۵۰] کنند، و باید که ظرف پر نباشد، و بعد از پنج سال استعمال کنند و تا شصت سال قوّت داشته باشد.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۴۸

مترودیپتوس:

که هم از تریاقات شمزند، سودمند بود زهرهای مختلف و گزندگی جانوران و سگ دیوانه و قولنج و فالج و لقوه و سدّه جگر بگشاید و ورم های صلب نرم کند و سینه را از اخلاط پاک کند و قوّت باه بدهد و اشتهای طعام بازدید کند و سنگ مثانه بریزد و بچه در رحم نگاه دارد و ذهن صاف کند و جوانی نگاه دارد و دفع همه دردها کند؛ صنعت آن:

زعفران و مرّ صافی و غاریقون و زنجبیل و دارچینی و کتیرا و علك البطم

از هریک ده درم، سنبل و کندر و خردل سفید و اذخر و عود بلسان و قسط و اسطوخودوس و سیسالیوس و کمادریوس و قند و دارفلل و عصاره لیحه التیس و راتینج و جند بیدستر و جاوشیر و میعه و سادج از هریک هشت درم، سلیخه و فلفلان و جعه و سورنجان و سقوردیون و دوقو و اکلیل الملک و جنطیانا و روغن بلسان و قلفدفیون [۵۱] و مقل از هریک بیست درم، سداب دو درم، تخم سداب دو درم، اشق و ناردین و مصطکی و صمغ عربی و فطراسالیون و قردمانا و افیون و رازیانه و ورق گل سرخ و مشکطرامشیع از هریک پنج درم، انیسون و وج و مو و فو و سکینج و اسارون از هریک سه درم، غاریقون و اقایا و سزه سقنقور از هریک چهار درم و نیم، شراب ریحانی چهار رطل، عسل پنج رطل، چنان چه تریاق فاروق ذکر رفت، بسازند و بعد از شش ماه استعمال کنند.

تریاق اربعه:

پیش از تریاق فاروق ساخته، از جهت گزندگی عقرب و جانوران سودمند بود و اگر زنی دیر حمل نهد یک مثقال فرو برد که زود بار نهد؛ صنعت آن: مرّ صافی و جنطیانا و حبّ الغار و زراوند طویل، اجزا مساوی، عسل سه وزن ادویه.

تریاق الطین:

کسی را که زهر داده باشند این تریاق بدهند که قی می آورد چندان که خلاص شود و بدین توان دانست که چیزی داده اند یا نه، اگر قی نیارد هیچ نداده اند؛ صنعت آن:

گل مختوم و حبّ الغار مساوی کوفته به روغن گاو چرب کنند و به عسل مصفی بسرشند و به کار دارند.

معجون تریاقی:

صنعت شیخ الرئیس است - علیه الرحمه - از برای نفخ معده و تقویت معده نیکو بود؛ صنعت آن: قسط و حبّ بلسان و مرّ صافی و جنطیانا رومی و دارچینی و فلفل سفید و عود هندی و فطراسالیون از هریک دو درم، مشک ترکی سه درم، جند بیدستر نیم درم، به عسل مصفی بسرشند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۴۹

معجون هر مس:

خداوند نقرس را و اوجاع معده و قروح امعا و استسقا و تریاقان را سود دارد و فالج و لقوه بلغمی را منفعت دهد؛ صنعت آن: غاریقون و اسارون و وج و قردمانا و فرفیون و تخم سداب و زوفا و فو از هریک دو درم، زراوند طویل و بیخ عرطنیثا از هریک بیست درم، نانخواه و قرنفل و جنطیانا از هریک شصت درم، حاشا و تخم کرفس از هریک بیست درم، قنطوریون باریک هشتاد درم، سلیخه و مرّ از هریک سی درم، سنبل و فطراسالیون و کمادریوس و اسقولوقندریون از هریک هشتاد درم، کوفته و بیخته به عسل بسرشند. شربتی دو درم یا سه درم در وقت بهار به کار برند.

معجون شجرینا [۵۲]:

مزاج سرد و بادهای غلیظ و قولنج را و درد دندان را فایده دهد؛ صنعت آن: جند بیدستر و افیون و دارچینی و اسارون و فو و مو دوقو از هریک یک درم، فلفل و دارفلفل و قنه و قسط از هریک شش درم، زعفران نیم درم، با انگین بگدازند و ادویه به آن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند، شربتی نیم مثقال به آب گرم.

امروسیا:

جگر و سپرز را سود دهد و سده بگشاید و در ابتدای استسقا به کار برند و سنگ گرده و مثانه بریزاند؛ صنعت آن: دوقو و زیره و عود و بلسان و سلیخه و قردمانا و قفاح اذخر و تخم کرفس از هر [یک] [۵۳] یک درم، قسط و فلفل و دارفلفل از هریک نیم درم، حب الغار ده عدد، وج و زعفران از هریک دو درم، کوفته و بیخته، به عسل بسرشند، شربتی یک بندق در آب گرم به کار دارند.

انقرادیا:

معجون بلادر است. سستی عصب ها را ببرد و صرع و فراموشی و سودا و بلغم و همه بیماری که سبب سردی باشد سود دهد؛ صنعت آن: سنبل و سادج و مرّ و سلیخه و زعفران از هریک ده درم، ریوند و حب البان و اف تیمون و اذخر و حب بلسان و قرنفل از هر یک هفت درم و نیم، غاریقون سه درم، بیخ سوسن آسمان گون ده درم، عسل بلادر پنج درم، پوست بیخ بادیان نیم رطل در دو رطل سرکه خوشانند، روز دیگر بجوشانند تا سرکه برود و عسل بماند و داروها به آن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند.

انقرادیای کبیر:

که آن را بلادری بزرگ گویند، فالج و لقوه و صرع [را] [۵۴] نافع بود و ذهن تیز کند و قوت حافظه نگاه دارد و دفع نسیان بکند؛ صنعت آن: عاقرقرا و شونیز و قسط و

خواص الأشياء، متن، ص: ۵۰

فلفل و دارفلفل و وج از هریک دو درم، ورق سداب و جنطیانای رومی و حلتیث و زراوند مدحرج و حب الغار و جند بیدستر و خردل و شیطرج از هریک پنج درم، عسل بلادر چهار مثقال و نیم، داروها کوفته و بیخته به روغن گردکان چرب کنند و با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند. بعد از شش ماه استعمال کنند.

انقرادیای صغیر:

بلادری کوچک گویند و خواص این نزدیک است به کبیر؛ صنعت آن:

هلبله سیاه و بلبله و آمله از هریک ده درم، سعد کوفی و کندر و وج و فلفل سیاه و زنجبیل و عسل بلادر از هریک پنج مثقال، داروها کوفته و بیخته به روغن گردکان چرب و با عسل بسرشند. بعد از شش ماه استعمال کنند.

فنداديقون:

معدۀ گرم کند و باد بشکند و درد معدۀ و سردی زایل کند؛ صنعت آن: زعفران و انگدان و تخم کرفس و تخم سداب و زنجبیل و حاشا و مغز جلقوزه از هریک شش درم، کندر و مغز بادام تلخ از هریک دو درم، فلفل هشت درم، کوفته و بیخته با عسل بسرشد.

شربتى دو درم.

نوع دیگر: زنجبیل و فلفل و سنبل از هریک شش درم، مصطکی و نانخواه از هریک چهار درم، زیره و سلیخه و حبّ بلسان و عاقرقرا از هریک دو درم، تخم کرفس کوهی و فودنه کوهی از هریک چهار درم، سادج یک درم، کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد.

شربتى دو درم باشد.

اثاناسیای بزرگ:

بیماری جگر و سپرز معدۀ را که از بلغم و سودا بود و بادهای غلیظ که در احشا و رحم باشد و تنگی نفس [که] [۵۵] از بلغم بود و سودا بود و اسهال بلغمی و درد گرده و مثانه سود دهد؛ صنعت آن: مرّ و افیون و زعفران و جند بیدستر و بزر البنج و قسط و قردمانا و خشخاش و غافث و سرون [۵۶] بز سوخته و جگر گرگ خشک کرده، کوفته و بیخته، با سه مقدار عسل بسرشد و بعد از شش ماه به کار دارند، شربتى یک درم.

فلونیای رومی:

که همه دردها ساکن کند، خاصّه قولنج و چون که در قی بود اسهال، چون که اسراف حیض و شیصه باز دارد؛ صنعت آن: فلفل سفید و بزر البنج از هریک بیست مثقال، افیون مصری ده مثقال، زعفران پنج مثقال، تخم کرفس چهار مثقال، سادج و سلیخه و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۵۱

حبّ بلسان و عاقرقرا و فرفیون مصری از هریک یک مثقال، دوقو چهار مثقال، کوفته و بیخته، با عسل بسرشد و بعد از شش ماه به کار برند. شربتى نیم مثقال، به جهت قولنج در طبیخ جعده، و از جهت درد معدۀ در طبیخ انیسون، و از جهت درد سپرز سکنجین، و از جهت گرده و مثانه در طبیخ بادیان تازه باشد بهتر، و از جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند.

فلونیای پارسی:

استفراغ [۵۷] هر نوع باز دارد و باد رحم بنشاند و بچه نگاه دارد؛ صنعت آن:

لفل سفید و بزر البنج از هریک بیست درم، افیون و گل مختوم از هریک ده درم، زعفران پنج درم، فرفیون و عاقرقرا و سنبل از هریک دو درم، زرنباد و درونج عقربی و مروارید از هر یک یک درم، مشک نیم درم، کافور دانگی و نیم، کوفته و بیخته، با سه وزن ادویه عسل بسرشد.

دواء الکرکم کبیر:

ترکیب جالینوس بیماری های جگر و سپرز که از سردی بود، سود دارد، گرده و مئانه و استسقا را نافع باد؛ صنعت آن: زعفران دو درم، فو، مو، انیسون، دوقو و اسارون و فطراسالیون و ریوند چینی از هریک چهار درم، سنبل شش درم، سلیخه و حبّ بلسان و قسط و فقّاح اذخر از هریک یک درم، توت دو درم، جعده و ربّ السّوس و غافث از هریک سه درم، روغن بلسان پنج درم، مرّ صافی چهار درم، و در بعضی نسخه ها مصطکی آورده، و به جای حبّ بلسان، حبّ البان، کوفته و بیخته، به سه وزن عسل بسرشد.

دواء الکرکم کبیر:

منافع این و منافع آن نزدیک است؛ صنعت آن: لک مغسول هشت درم، مغز بادام تلخ مقشّر و دارچینی و سادج هندی و قرنفل از هریک پنج درم، کمافیطوس و مرّ صافی و فو و مو و زوفا از هریک دوازده درم، فطراسالیون و دوقو و تخم کرفس و کمون و زنجبیل از هریک هفت درم، جنطیانای رومی و زراوند مدحرج از هریک پنج درم، زعفران سه درم، اسارون هفت درم، فوه پانزده درم، جعده و اذخر از هریک سه درم، فلفل سیاه و قسط از هریک ده درم، سیسالیوس سه درم، روغن بلسان سه درم و نیم؛ روغن در شراب حل کنند و به انگبین بسرشد، و در بعضی نسخه ها صبر سی درم، دارلفل و زراوند و کندر از هر یک ده درم آورده اند.

دواء الکرکم صغیر:

منفعت این همان است؛ صنعت آن: زعفران و سلیخه و مرّ و دارچینی

خواصّ الأشياء، متن، ص: ۵۲

و فقّاح اذخر و سنبل مساوی کوفته یک شبانه روز به شراب تر کنند، روز دیگر به عسل بسرشد.

دوالک صغیر:

منافع دو دواء الکرکم و دو دوالک یکسان است؛ صنعت آن: ریوند چینی سی مثقال، لک مغسول و قسط و مرّ و فقّاح اذخر و حبّ الغار و ترمس و فلفل سیاه از هریک بیست مثقال، کوفته و بیخته، در انگبین بسرشد و با طیبخ افسنتین به کار برند.

کلکلانه مروزی:

استسقا و خداوند معده سرد را سود دهد و سرفه بلغمی و ضیق النّفس و قولنج و صرع را سود دارد؛ صنعت آن: هلیله کابلی و

بلبله و آمله از هریک هفت درم، فلفل و دارفلفل و زنجبیل و نمک هندی سرخ و نمک سیاه و نمک اندرونی و نمک طبرزد و نمک خمیر و لسان العصافیر و شیطرح هندی و سعد و خیربوا و قرفه و قرنفل و سعتر و بزیک کابلی و شونیز و حبّ الثیل و کمون کرمانی و سادج هندی و تخم کرفس و گشنیز خشک از هریک پنج درم، مویز منقی نیم من، شیرامله نیم من، تربد صد و پنجاه درم، فلوس خیال چنبر سی درم، مویز و آمله در آب بجوشانند و بیالایند و خیار چنبر در آن آب حل کنند و سه رطل فانید هم در آن آب بگدازند و نیم من روغن کنجد با وی بیامیزند و داروها به آن بسرشند، شربتی پنج درم تا هفت درم با شیر شتر به آب عنب الثعلب به کار دارند.

کلکلانه سرد:

مازریون و غاریقون و هلبله زرد از هریک پنج درم، عصاره افسنتین سه درم، بیخ سوسن و گل سرخ و تخم کاسنی و مغز تخم خربزه و ربّ السوس از هریک دو درم، ترنجبین و فلوس خیار چنبر و فانید از هریک پانزده درم، در یکدیگر بگدازند و صافی کنند و به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

معجون قمری:

قولنج بگشاید و باز گرفتن بول نیز؛ صنعت آن: بوره ارمنی و زیره کرمانی و زنجبیل و فطراسالیون و فلفل سفید از هریک دو درم و نیم، سقمونیا پنج درم، خرما ی هیرون بی دانه و مغز بادام مقشّر و برگ سداب خشک از هریک دو درم؛ خرما در سرکه خوسانند یک شبانه روز و جداگانه بکوبند و با یکدیگر بیامیزند و به عسل بسرشند شربتی سه درم یا پنج درم.

معجون ترب لاشه:

قولنج بگشاید؛ صنعت آن: خیربوا و قرفه و سادج و فلفل و دارفلفل و زنجبیل و برنک و آمله و قرنفل از هریک مثقالی، تخم کرفس و سنبل و زعفران و مصطکی از هریک نیم مثقال به انگبین بسرشند. شربتی چهار درم یا شش درم شاید.

خواص الأشياء، متن، ص: ۵۳

معجون تربدی:

قولنج بگشاید و درد پشت و درد همه عضوها سود دارد؛ صنعت آن:

سقمونیا ده درم، تربد سفید صد درم، قاقله کبار و صغار و زنجبیل و دارچینی و قرفه و نارمشک و قرنفل و فلفل از هریک پنج مثقال، شکر صد مثقال، با صد مثقال انگبین بگدازند و داروها بسرشند شربتی پنج مثقال یا هفت مثقال.

نوع دیگر: محروران را شاید؛ سقمونیا دو درم و نیم، تربد سفید ده درم، مغز تخم خربزه و مغز تخم کدو از هریک پنج درم، گل سرخ و طباشیر از هریک دو درم، ترنجبین پنجاه درم، به آب حل کنند و بیالایند و به قوام آورند. این جمله ده شربت است.

معجون لوزی:

صفرا و بلغم فرود آرد؛ صنعت آن: مغز معصفر و مغز بادام شیرین از هر یک ده درم، سقمونیا ده درم، زعفران یک درم، شکر طبرزد بیست و پنج درم، شکر در گلاب بگدازند و داروها به آن بسرشند. شربتی دو درم یا سه درم نافع باشد.

معجون اسود:

خداوند زحیر[۵۸] و اسهال کهن را سود دارد؛ صنعت آن: جند بیدستر و افیون و میعه رطب و بزر البنج سفید و زعفران و اسارون و مرّ و تخم کرفس و سلیخه و انیسون و سنبل و گل ارمنی و گلنار، مساوی کوفته با سه چندان عسل بسرشند. شربتی دو درم به آب مورد یا به آب آبی مفید باشد.

معجون حجر الیهود:

سنگ گرده بریزاند؛ صنعت آن: مغز سه تخم و مغز دانه کدو و حبّ کاکنج از هر یک پنج درم، حجر الیهود سحق کرده به انگبین بسرشند، شربتی سه درم.

معجون عقرب:

سنگ مثانه بریزاند و پاک کند؛ صنعت آن: عقرب محرق سه درم و نیم، جنطیانا یک درم و نیم، زنجبیل یک درم، فلفل و دارفلفل از هر یک دو درم، بیخ کاکنج پنج درم و نیم، جندبیدستر چهار درم، کوفته، به انگبین بسرشند. شربتی دانگی در آب کرفس مفید باشد.

معجون کاکنج:

خداوند ریش مثانه و گرده و بول خون را سود دارد؛ صنعت آن: بزر البنج و تخم کرفس و بادیان از هر یک هفت درم، مغز تخم خربزه پنج درم، تخم حماض و افیون و مغز جلقوزه بریان کرده و مغز بادام تلخ بریان کرده و زعفران از هر یک سه مثقال، کاکنج بیست و پنج عدد، کتیرا چهار درم، کوفته با میفختج بسرشند. شربتی یک درم با ماء العسل به کار دارند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۵۴

معجون مرّ:

که حیض بگشاید و بچه مرده را بیرون آورد و زادن سهل کند؛ صنعت آن: مرّ صافی و دارچینی از هر یک دو درم، سداب و فودنه و قردمانا و مشکطرامشیع و فوّه و حلیث و سکینج و جاوشیر از هر یک سه درم، ابهل ده درم، کوفته، به انگبین بسرشند. شربتی سه درم در طبیخ خرما یا روغن کنجد تازه.

معجون حلیث:

خداوند تب سرد و تب ربع را سود دارد و ماده تب را بریزاند و مضرت زهر کژدم باز دارد؛ صنعت آن: حلتیث و مرّ صافی و برگ سداب مساوی کوفته، به انگبین بسرشند، شربتی یک درم، خداوند تب پیش از تب با سکنجبین، و کژدم زده با ماء العسل یا شراب نیم گرم.

اصطخیقون [۵۹]:

تباهی مزاج و درد معده را سود دهد؛ صنعت آن: قسط و مرّ و حماما و سنبل و سلیخه و مصطکی از هر یک دوازده درم، زراوند طویل و فلفل سیاه و تخم شبت و تخم کرفس و انیسون و نانخواه و زیره و دوقو و فطراسالیون و کاشم و اسارون و افسنتین رومی و انجدان سیاه و فودنه دشتی و نعناع از هر یک چهار درم، کوفته و بیخته، به انگبین بسرشند.

معجون فلافلی:

درد معده سرد و آروغ ترش و شهوت کلبی و باد غلیظ ببرد؛ صنعت آن:

فلفل سفید و فلفل سیاه و دارفلفل از هر یک سی درم، عود بلسان ده درم، حماما و سنبل از هر یک دو درم، زنجبیل و تخم کرفس و سیسالیوس و سلیخه و اسارون و راسن از هر یک یک درم، کوفته و بیخته، با عسل بسرشند. یک درم به آب گرم نافع بود.

معجون مبدل المزاج:

خداوند مزاج سرد را و لقوه و فالج و رعشه و برص را نافع بود؛ صنعت آن: زنجبیل و عاقرقرا و حبّ السودا و قسط و وج از هر یک ده درم، سداب خشک و حلتیث و زراوند و جنطیانا و شیطرج و حبّ الغار و جند بیدستر و خردل از هر یک پنج درم، عسل بلادر سی درم، به انگبین بسرشند. شربتی یک مثقال مفید باشد.

معجون حبّ الغار:

قولنج بگشاید؛ صنعت آن: سداب خشک پنج درم، نانخواه و زیره و شونیز و کاشم و سعتر و فطراسالیون و کرویا و مغز بادام تلخ و فلفل و دارفلفل و فودنه و وج و حبّ الغار و جند بیدستر از هر یک دو درم، جاوشیر سه درم، سکینج چهار درم؛ صمغ ها به شراب حل کنند و تمام به انگبین بسرشند، شربتی دو درم.

خواص الأشياء، متن، ص: ۵۵

معجون بادمهره:

بادهای بشکنند؛ صنعت آن: هزار اسفند و حله از هر یک سه درم، درونج و عاقرقرا و فلفل و دارفلفل و سلیخه و اسارون و قسط و زنجبیل و زعفران از هر یک دو درم، کوفته، به انگبین بسرشند، شربتی سه درم.

معجون زراوند:

خداوند ضیق النَّفس را و سرفه بلغمی را سود دهد؛ صنعت آن: زراوند مدحرج و قردمانا و فلفل و تخم سفندان سفید و تخم انجره و مغز بادام تلخ از هریک پنج درم، ربّ السّوس و زوفا و پرسیاوشان از هریک دو درم، به انگبین بسرشند، شربتی سه درم در طبیخ زوفا به کار برند.

معجون ابهل:

ماده سرد را و بادها را تحلیل کند؛ صنعت آن: ابهل و نانخواه و کندر و دارچینی و وج مساوی کوفته، به انگبین بسرشند، شربتی دو درم تا دو مثقال.

معجون گل:

خداوند آماس جگر را سود دارد؛ صنعت آن: گل سرخ چهار مثقال، بیخ سوسن هفت مثقال، ریوند چینی، لک مغسول از هریک مثقالی و نیم، مرّ و زعفران و سلیخه از هریک سه درم؛ مرّ و زعفران در سرکه حل کنند و به عسل بسرشند، شربتی نیم مثقال در طبیخ زوفا به کار دارند.

معجون راحه:

قولنج بگشاید؛ صنعت آن: فلفل و دارفلفل و زنجبیل و زیره و خولنجان و سداب و قرفه و از هریک ده درم، سقمونیا هفتاد درم، انگبین صد و هشتاد درم؛ شربتی یک مثقال.

معجون تربد:

که به وقت ضرورت دهند جهت قولنج؛ صنعت آن: تربد سفید پنج درم، سرگین گرگ چهار درم، تخم کرفس و انیسون از هریک سه درم، فانید پانزده درم، بگدازند و داروها کوفته، به آن بسرشند، شربتی، و سرگین گرگ در معجون کنند، باید که سفید باشند.

معجون زوفا:

خداوند زکام و نزله سرد را سود دارد؛ صنعت آن: ربّ السّوس و زوفا و پرسیاوشان از هریک ده درم، قردمانا و فلفل از هریک پنج درم، کوفته و بیخته، به انگبین بسرشند و یک هفته به کار دارند و بعد از [آن] [۶۰] قی کنند.

معجون وج:

فرو آمدن آب از چشم باز دارد؛ صنعت آن: وج و سعد و زنجبیل و بادیان مساوی کوفته، به عسل بسرشند.

معجون سقنقور:

باه را قوت دهد و نشاط آورد، دل و دماغ و گرده و پشت را قوت دهد و

خواص الأشياء، متن، ص: ۵۶

نعوظ تمام آورد؛ صنعت آن: شقاق و بهمین و سورنجان و بوزیدان و بسباسه از هریک پنج درم، تودرین از هریک چهار درم، سرّه سقنقور پانزده مثقال، خصیه الثعلب پانزده درم، کبابه چینی سه درم، قرنفل و قضیب گاو سوده و مغز حبّ زلم و مغز جلقوزه و مغز حبّه الخضرا و نارگیل و خولنجان و لسان العصافیر و قاقله کبار و تخم شلغم و دارفلفل از هریک پنج درم، زنجبیل سه درم، نارمشک و فرنجمشک و صندلین و خشخاش سفید و ورق گل سرخ و بادرنجبویه و تخم هلیون و اسارون و قرفه و درونج و خیربوا و گل قرفه و قرنفل و جوزبوا و اشنه از هریک پنج درم، زعفران پانزده درم، سعد هندی و زرنب و تخم بادرنجبویه و زرنباد و مصطکی و کرنب و تخم اسپست از هریک سه درم، عود خام پانزده درم، عنبر اشهب دو درم، مشک خالص یک مثقال و نیم، سنبل و سادج از هریک پانزده درم، لعل یک درم و نیم، یاقوت زرد و حجریشب سه درم، مروارید ناسفته پنج درم، کهربا سه درم، بشد سه درم، زر محلول سه درم، نقره محلول سه درم، جزو [۶۱] اعظم خوب آزموده صد درم، عسل به قدر حاجت.

معجون لبوب کبیر:

منی بیفزاید و گرده و پشت را قوت دهد و مثانه را پاک کند، بلغم و ریگ و نعوظ تمام آورد و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط آورد؛ صنعت آن: مغز پسته و مغز فندق و مغز

جلقوزه و مغز بن [۶۲] و مغز حبّ الزّلم و مغز گردکان و مغز حبّ قلقل و نارگیل و کنجد مقشّر از هریک ده درم، خصیه الثّعلب ده مثقال، خشخاش سفید پنج درم، خولنجان سه مثقال، دارچینی پنج مثقال، شقاق و بهمین سرخ و گاو زبان از هریک پنج مثقال، بهمین سفید ده درم، لسان العصافیر دو مثقال، مغز دماغ گنجشک نر پنج مثقال، قضیب گاو سوده سه مثقال، بوزیدان سه مثقال، بیخ بابونه پنج مثقال، فرنجمشک پنج درم، مرّ صافی پنج مثقال، زرنباد و زرنب و زنجبیل و قرنفل و بسباسه و تخم بادرنجیویه از هریک سه درم، عنبر اشهب پنج مثقال، مشک خالص پنج درم، زعفران دو درم، مصطکی دو مثقال، لعل دو درم، یاقوت کبود یک مثقال، زر محلول ده مثقال، قند صافی کرده یک من، عسل نیم من، با یکدیگر به قوام آورند و داروها به آن بسرشد.

لبوب کبیر، نوع دیگر:

دل و دماغ را قوّت دهد و منی بیفزاید و گرده و پشت را محکم کند و قضیب سخت کند و مثانه و گرده از ریگ پاک کند؛ صنعت آن: مغز بادام و فستق و فندق و

خواصّ الأشیاء، متن، ص: ۵۷

مغز گردکان و نارگیل و جلقوزه و حبّ الخضرا و حبّ الزّلم و حبّ قلقل و کنجد مقشّر و خشخاش سفید و تودرین و بهمین و تخم کدو و اسپست و شلغم و پیاز و انجره و لسان العصافیر و زنجبیل و دارفلفل و کبابه و دارچینی و خصیه الثّعلب و قرفه و شقاق و خولنجان و تخم هلیون، اجزا مساوی کوفته و بیخته باشد، چندان عسل بسرشد.

لبوب، نوع دیگر:

که همان خواصّ دارد؛ صنعت آن: مغز پسته و فندق و جلقوزه و زنجبیل از هریک پنج درم، مغز بادام و کنجد مقشّر از هریک ده درم، لسان العصافیر و حبّ الزّشاد و تخم اسپست از هریک دو درم، زنجبیل و دارفلفل و کبابه و کندر از هریک مثقالی، بهمین و تودرین از هریک چهار درم، حسک [۶۳] و مرّ صافی و تخم کدو و شلغم و پیاز و انجره از هریک دو درم، عسل سه وزن ادویه.

معجون اسرار الاطباء:

نسخه مولانای اعظم، مسیح الزّمان، شمس المله و الدّین، هلال اردبیلی؛ خواصّ این بسیار است، اما مخصوص است به چند چیز: باه را زیاده کند و مجامعت و دل را و دماغ قوّت دهد و نشاط آورد و قضیب محکم کند و لون نیکو کند و بعد از مجامعت استعمال می کنند تا از نقصان عرق النّسا ایمن باشد؛ صنعت آن: شقاق و خولنجان و خصیه الثّعلب و بهمین و تودرین و وج و لسان العصافیر از هریک سه درم، سرّه سقنقور مثقالی، حبّ بلسان و فلفل سفید و مغز سه تخم و تخم خیار چنبر و تخم کرز و گندنا و پیاز و شلغم و اسپست و دوقو و تخم هلیون و حسک و مرّ صافی از هریک دو درم، دارچینی و قرنفل و سنبل و بسباسه و اسارون و کبابه چینی و سعد و دارفلفل و جوزبوا و عود خام و نارمشک خالص نیم درم، مغز نارگیل و پسته و بادام و صنوبر و مغز حبّ الخضراء و مغز القطن و کنجد و مغز حبّ الزّلم از هریک هفت درم، زنجبیل و بوزیدان و

و درونج از هریک دو درم، جزو اعظم خوب سی مثقال؛ ادویه ها با هم بکوبند و مغزها با هم، و مشک و زعفران با هم حل کنند و عنبر در سه وزن این ها عسل بگدازند و با یکدیگر بسرشند.

معجون سقراط:

این معجون را مفرّح محزون خوانند و این نسخه از زبان یونانی [به] [۶۴] عربی کرده اند و به پیش مأمون خلیفه فرستاده. امراض بلغمی و سودایی و ضعف و جنون و نسیان و وسواس فکر و سعال قدیم و سل و دق و صرع و برص و ضعف دماغ و نقرص

خواص الأشیاء، متن، ص: ۵۸

مفاصل و درد معده و غب و صداع و بواسیر و زحیر و درد جگر و تاریکی چشم دفع کند؛ صنعت آن: جنطیانا و قردمانا و نارمشک و بزر پنج انگشت و حبّ الغار و زراوند طویل از هریک دو درم، انیسون و جند بیدستر و حبّ بلسان و عود بلسان و اسارون و سلیخه و مصطکی از هریک نیم درم، مرّ مکی و وح ترکی و درونج عقربی و زرنباد و تخم کرفس از هریک سه درم، بادرنجبویه پنج درم، صبر سقوطری ده درم، تربد سفید بیست درم، زعفران سه درم، عود خام ده درم، جوزبؤا و قرنفل و دارچینی و ریوند چینی و قاقله کبار و اشنه و سنبل و بسباسه از هریک سه درم، ورق گل سرخ پنج درم، سعد و حبّ تحلب از هریک چهار درم، هلیله سیاه و بلبله و آمله از هریک شش درم، تخم خیار چنبر و پیاز و گندنا از هریک دو درم، زرنب و شیطرچ و اشقیل بریان کرده از هریک سه درم،

کوفته و بیخته، به روغن بادام تلخ چرب کنند و به سه وزن عسل بسرشند و در ظرفی چینی یا زجاجی کنند و شش ماه در اندرون جو بنهند و بعد از آن استعمال کنند، شربتی چهار درم تا هفت درم شاید.

معجون لؤلؤی:

ترکیب جالینوس است و از جمله هفت منافع می گوید: قضیب را سخت کند، و اوعیه بگشاید، و اعصاب را قوت دهد، و شهوت زیاده کند، و در خون تغییری عظیم پیدا کند، و نعوظ بسیار کند، و دوستی مرد در دل زن پیدا کند؛ صنعت آن: مروارید ناسفته و بسید از هریک مثقالی، انیسون و بهمنین سفید از هریک درمی، کاکنج و بیخ لبلاب از هریک نیم مثقال، فصّاح اذخر و سعد و کزمازو از هریک نیم درم، سلیخه و دارچینی و اسارون و مصطکی از هریک دو دانگ، صمغ عربی و کتیرا از هریک دانگی و نیم، کوفته و بیخته، با ده مثقال عسل بسرشند. در وقت خواب یک شربت به آب فاتر بخورد، و این جمله ده شربت است.

معجون عطایی:

این ترکیب از آن مولانای مغفور، صدر المله و الدین، عطای تبریزی - علیه الرحمه - است و این معجون جهت سرعت انزال نظیر ندارد؛ صنعت آن: لبان و علك رومی و جفت بلوط و بزر القنب مساوی کوفته و بیخته، با سه مقدار عسل بسرشند.

معجون کندر:

همین خواص دارد؛ صنعت آن: گلنار و بلوط و حبّه السوداء و لبان از هریک ده درم، پوست هلیله زرد و آمله و هلیله سیاه از هریک سه درم، گشنیز خشک ده درم، کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشند و به شبانگاه می نوشند.

معجون خواجه رشید:

منع تقطیر بول کند و در دفع سرعت انزال نظیر ندارد؛ صنعت آن:

خواص الأشياء، متن، ص: ۵۹

کبابه چینی و فوفل و قرنفل و سنبل و نانخواه و مصطکی و خصیه الثعلب از هریک سه درم، وزن ادویه غذا کباب یا زرده نیم برشت.

معجون بزوری:

این معجون در مجامعت نظیر ندارد؛ صنعت آن: تخم کرز و شلغم و پیاز و تخم سپست و جرجیر و هلیون و مغز جلقوزه و مغز حبّ قلقل و مغز حبّ الزلم و بوزیدان و قسط شیرین و تودرمین و لسان العصافیر و شقاقل و بهمنین و دارلفل و حبّ الرشاد و حلتیث و قرفه از هریک شش درم، کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند. شربتی سه درم با شیر و شکر یا با شراب نو شیرین بنوشند.

برشعنا:

نسخه شیخ الرئيس - علیه الرحمه - درد دندان ساکن کند، قطع خون رفتن وجع ها بکند، جهت قولنج نیم درم چون فرو گیرد، و زکام و نزله را نافع بود؛ صنعت آن: فلفل سفید و بزر البنج از هریک بیست مثقال، افیون ده درم، زعفران پنج مثقال، سنبل و عاقرقرا و فرفیون از هریک مثقالی، مجموع کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد و بعد از شش ماه استعمال.

برشعنا، نوع دیگر:

نسخه حکیم ابو البرکات، مرض های قلبی را سودمند بود و درد معده که [از] [۶۵] باد گرم و سرد بود و وسواس و مالخولیا و استسقا را نافع بود و درد چشم و درد گوش و درد دندان را سودمند بود و بی خوابی زایل کند و نقرس و صرع و فالج مفاصل را دفع کند و سرعت انزال را نظیر ندارد؛ صنعت آن: فلفل سفید و فاشرا و فرنجمشک و فو و بزر البنج کبود از هریک ده درم، زعفران و زراوند طویل و جنطیانای رومی و بصل الفار مشوی و جدوار از هریک چهار درم، حب الغار و افیون و مرّ صافی از هریک هفت درم، عاقرقرا و سنبل و ناردین از هریک دو درم، جند بیدستر و فرفیون از هریک درمی، مجموع کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد و دیگر در هاون کنند و نیک بمالند و بعد از آن شش ماه استعمال کنند.

معجون انفع:

این معجون از جمله مفرحات است و بعضی از تریاقات شمرده اند، از بس که خاصیت دارد؛ صنعت آن: قرنفل و فوفل و زنجبیل و سنبل الطیب و دارفلفل و خیربوا و جوزبوا و قاقله کبار و شیطرج هندی و لسان العصافیر و لسان الثور و درونج و بادرنجبویه و خولنجان و مصطکی و فرنجمشک و مروارید ناسفته و صندل سفید و زراوند مدحرج و

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۰

سلیخه و ورق گل سرخ و یاقوت رمانی از هریک دو درم، بسباسه شش درم، پوست اترج سه درم، بلبله یک درم، بهمنین دو درم، زعفران دو درم، عنبر اشهب یک درم، مشک خالص نیم درم، کوفته و بیخته، به عسل

معجون زرعوئی:

قوت باه و قوت پشت و گرده بدهد و منی بیفزاید و نعوظ تمام آورد و دل و جگر را قوت دهد؛ صنعت آن: تخم کرفس و تخم کدو و تخم شبت و نانخواه و مغز خیارین و رازیانه و بیخ کرفس از هریک پنج مثقال، بسباسه و قرنفل و فلفلیمویه و کبابه و عاقرقرا از هریک سه درم، قرفه و زعفران و کندر و مصطکی و عود از هریک چهار درم، تخم هلیون و شقاقل و بوزیدان و بهمنین و لسان العصافیر از هریک پنج درم، زنجبیل و تخم شلغم و تخم اسپست و تخم جرجیر و تخم پیاز و حبّ الرّشاد و انجره و تخم گندنا و خولنجان و جوزبوا و گل قرفه و دارفلفل از هریک سه درم، بصل الفار مشوی کرده یک درم، مغز حبّ القلقل و حبّ الزّلم و نارجیل و جلقوزه از هریک پنج درم، خصیه الثّعلب و قضیب گاو سوده و مغز دماغ گنجشک نر و حسک و مربّا و گشن خرما از هریک مثقالی، عنبر دو درم، مشک خالص نیم درم، مجموع کوفته، با سه چندان عسل بسر شدند؛ شربتی گرم مزاج را دو درم، و سردمزاج را پنج درم. گرم مزاج را یک کاسه شیر تازه گاو، ده درم شکر از عقب معجون باز خورد، و سردمزاج را یک کاسه ماء العسل بیاشامند.

معجون جنطیانای:

جهت سپرز و جگر سده را بگشاید و درد معده و دردهای گرده و مثانه و تب های کهن زایل کند؛ صنعت آن: جنطیانای رومی و فلفل سیاه از هریک دو درم، قسط و وج هندی و سنبل و ریوند چینی از هریک هفت مثقال، کوفته

و بیخته، با سه وزن عسل بسرشد شربت‌ی دو درم به آب سداب نافع بود.

معجون حبّ الغار:

وجع‌ها ساکن‌کنند؛ صنعت آن: سداب خشک پنج درم، نانخواه و حبّه السّودا و کمون سیاه و سعتر و کرویای و فطراسالیون و بادام تلخ و فلفل و وج و دارفلفل و فودنه از هریک سه درم، جند بیدستر و سکببج و جاوشیر از هریک دو درم، حبّ الغار هشت درم، کوفته و بیخته، با سه وزن عسل بسرشد. شربت‌ی دو درم نافع باشد.

معجون افسنتین:

نافع بود جهت درد معده و جگر که از سردی بود؛ صنعت آن: انیسون و تخم کرفس و اسارون و افسنتین و بادام تلخ از هریک ده درم، کوفته و بیخته، با سه وزن عسل بسرشد. شربت‌ی ده درم باشد.

خواصّ الأشياء، متن، ص: ۶۱

معجون سنبل:

جهت معده و جگر نافع بود؛ صنعت آن: سنبل الطیب و فّقاح اذخر و مویز منقّی و قصب الذریره از هریک چهار مثقال، زعفران و مرّ صافی و انیسون و فلفل و دارفلفل از هریک درمی، مقل دو درم، سلیخه پنج درم، کوفته و بیخته، مقل و مویز در مثلث خوسانند و با عسل بسرشد.

معجون قی:

سرفه را سودمند بود و درد جگر و معده و درد سینه و آواز صافی کند و بول براند و درد سپرز زایل کند؛ صنعت آن: مویز منقّی و کشمش بیست و پنج درم، زعفران و سنبل و سلیخه و دارچینی و دارشیشعان از هریک درمی، قصب الذریره و فّقاح اذخر و مقل و علك البطم از هریک دو درم و نیم، مرّ صافی چهار درم؛ صمغ‌ها و مویز در مثلث بگدازند و با عسل بسرشد و بعد از شش ماه استعمال کنند.

معجون قباد الملک:

مفاصل و نقرس ساکن‌کنند و درد سپرز و تب‌های کهن و ضیق [۶۶] النّفس و سرفه کهن و ریش روده و تاریکی چشم و درد گلو همه را نیک بود. هر که سه روز بیاشامد از این زحمت‌ها ایمن باشد و قوّت این تا سه سال باقی باشد؛ صنعت آن:

جنطیانای رومی و اسطوخودّوس و قردمانا و جاوشیر و کمافیطوس و تخم سداب و فراسیون و اسقوردیون و میعه سایله از هریک پنج مثقال، مرّ و زعفران و قسط و فلفل سفید و اذخر و سنبل و فرفیون و پوست بیخ لّفاح و اشق و فودنه و رازیانه و دوقو و ورق گل سرخ و ناردین و حبّ بلسان از هریک سه مثقال، سلیخه شانزده مثقال، قنه و عصاره غافت و تخم حندقوق و صمغ بادام از هریک چهار مثقال، فرفیون و بزر البنج سفید از هریک شش مثقال، صمغ‌ها و عصاره در مثلث خوسانند و با سه

چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند.

معجون قیصر:

خفقان را و صرع را و درد معده که از سردی باشد و سده بگشاید و در خون تغییری عظیم پیدا کند و هاضمه را قوت دهد و فواق زایل کند؛ صنعت آن: جند بیدستر و ربّ السّوس و سلیخه و قسط و فلفل سیاه و افیون و میعه و زعفران و سنبل از هر یک سه درم، جاوشیر یک درم، زرنباد و مروارید ناسفته و درونج از هر یک نیم درم، مشک خالص دو دانگ، با سه چندان عسل بسرشند، شربتیی مقابل یک نخود.

معجون نجاح:

مسهل سودا و بلغم بود؛ صنعت آن: هلیله سیاه و بلبله و هلیله کابلی و آمله

خواص الأشیاء، متن، ص: ۶۲

و افیمون از هر یک دو درم، اسطوخودوس و بسفایج و تربد از هر یک پنج مثقال، غاریقون سه درم، حجر الله اترود [۶۷] و حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم، سقمونیای مشوی کرده سه درم، کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم عسل بسرشند. شربتیی پنج درم یا هفت درم شاید.

معجون بزوری:

به جهت قوت باه نظیر ندارد؛ صنعت آن: تخم کرز و تخم شلغم و تخم اسپست و تخم هلیون و حبّ صنوبر و حبّ الزّلم و فلفل و بهمنین و بوزیدان و تودری سفید و قرفه و لسان العصفیر و دارفلفل و زنجبیل و قسط و شقاقل و تخم پیاز، جملگی مساوی کوفته و بیخته، با سه مقدار عسل بسرشند. شربتیی دو مثقال نافع بود.

معجون نانخواه:

معدّه را پاک کند و اشتها بازدید کند و باه را قوت دهد و نعوظ تمام آورد و قضیب سخت کند؛ صنعت آن: سعتر جبلی و زوفا و نانخواه و نعناع و شونیز و زیره کرمانی و زیره عراقی از هر یک پنج مثقال، رازیانه و انیسون و وج و زنجبیل و بسباسه و جوزبوا و تخم کرفس از هر یک سه مثقال، حاشا دو مثقال، کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشند و به کار دارند.

معجون مسیح:

درد پشت و گرده و درد پا را سود دهد و قوت باه بدهد و معدّه را پاک کند از اخلاط بد و موی را نگاه دارد که دیر سفید شود. سودا را ببرد و درد مفاجات، و در مجامعت فعلی عجب پیدا کند؛ صنعت آن: ورق گل سرخ و عاقرقرحا و سعد هندی و قرنفل و سنبل و مصطکی و زرنباد و زعفران و قاقله کبار و صغار و جوزبوا، مساوی کوفته و بیخته، جزو اعظم خوب سی مثقال، عسل سه وزن ادویه، و از ترشی و سفیدی احتراز باید کرد. غذا کباب و قلیه و پیازه و زرده نیم برشت باید.

معجون گیاهی:

بوی دهان خوش کند و اشتهای طعام پیدا کند و وقت خوش کند و در مجامعت ذوقی عظیم پیدا کند و فرح پیدا کند و نشاط افزون کند و حافظه [۶۸] نگاه دارد و منی زیاده کند؛ صنعت آن: زعفران و بزر البنج و عاقرقرا و فریون و خولنجان و قاقله کبار و صغار و دارفلفل و جند بیدستر از هریک دیناری، کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد.

معجون شهریاری:

درد گرده ببرد و قوت و شهوت پیدا کند؛ صنعت آن: قرفه و قرنفل و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۶۳

دارچینی و زنجبیل و سلیخه و سنبل و جوزبوا و مصطکی و حبّ بلسان و قاقله کبار و صغار و زعفران از هریک پنج درم، سقمونیا و تربد و حبّ الثیل از هریک درمی، کوفته با عسل بسرشد.

معجون سیر:

که وصف ندارد؛ صنعت آن: سیر نیم من با شیر گاو بجوشانند تا مهرا شود و سه چهار یک عسل و سه وقیه روغن گاوی بر آن بریزند و بجوشانند تا به قوام آید و این داروها به آن حل کنند: قرفه و جوزبوا و بسباسه و فلفل و مصطکی و قاقله کبار و صغار و هلیله کابلی و دارچینی و زنجبیل از هریک ده درم، کوفته و بیخته، به روی آن افشانند و سرد مزاج را شاید که خورد شربت پی پنج مثقال.

معجون خیار چنبر:

مسهل صفرا و بلغم بود؛ صنعت آن: تربد سفید مجوف خراشیده به روغن بادام چرب کرده چهل درم، بنفشه خشک سی درم، نمک هندی و ربّ السوس از هر یک هفت درم، انیسون و رازیانه و مصطکی از هریک پنج درم، سقمونیای مشوی کرده ده درم، عسل خیار چنبر صد درم، روغن بادام چهل درم، داروها کوفته و بیخته، با روغن بادام چرب کنند و به عسل خیار چنبر بسرشد و صد درم عسل و صد درم شکر به قوام آورند زیادت و بر سر آن کنند و باید که عسل خیار چنبر آتش ندیده باشد، شربت پی هفت مثقال، و این ترکیب رأس [۶۹] و باه را قوت دهد.

معجون سورنجان:

مخصوص است به مفاصل و نقرس و عرق النسا و بلغم و صفرا؛ صنعت آن: سورنجان مصری شش درم، ماهی زهره و زیره کرمانی و پوست بیخ کبر و شیطرح از هریک دو درم، پوست هلیله زرد هفت درم، تخم کرفس و نمک هندی و ورق چنار و کف دریا از هریک مثقالی، ورق گل سرخ و سقمونیای مشوی کرده از هریک سه درم، تربد سفید مجوف و فلفل سفید و رازیانه و سعتر از هریک مثقالی، بوزیدان ده درم، کتیرای خشک سه درم، روغن بادام چهار مثقال و نیم، عسل کف گرفته صد و پنجاه درم، شربت پی پنج مثقال یا هفت مثقال مفید باشد.

نوع دیگر: سورنجان شش درم، بوزیدان دو درم، ماهی زهره دو درم، پوست بیخ کبر دو درم، زیره کرمانی دو درم، شیطرج
هندی دو درم، هلیله زرد هفت درم، تخم کرفس درمی و نیم، تخم رازیانه درمی و نیم، فلفل سفید درمی، ستر دو

درم، نمک هندی و ورق حنا درمی و

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۴

نیم، گل سرخ سه درم، کنجد سه درم، تربد سفید پانزده درم، زنجبیل سه درم، سقمونیا سه درم، عسل کف گرفته صد و پنجاه درم، روغن بادام شش درم.

معجون ثیادریطوس:

نافع بود از جهت تباهی مزاج سرد و درد جگر و معده و سپرز و درد گرده و رحم و حیض که بسته باشد و قولنج بگشاید و مسهلی است بی مشقت و مرض های کهنه را [۷۰] که از بلغم غلیظ بود زایل کند و بدن را از اخلاط فاسد پاک کند و قوت دهد و فربه گرداند و بادهای مودی بشکند و سده جگر و سپرز را بگشاید و درد سینه و ضیق نفس را زایل کند و کسی که رنگ او زرد باشد مفقود کند و استسقا و درد سر و جذام و برص را نافع بود و اخلاطی که در گرده و مثانه باشد بگدازد و لقوه و رعشه و فالج و خناق و صرع زایل کند، و جالینوس گفت که این ترکیب پیش از من ساخته اند به اسم ملکی که در زمان [پیش] [۷۱] بوده است از ملکان یونان و اسم آن ملک ثیادریطوس بوده است؛ صنعت آن: صبر سقوطی بیست و پنج درم، غاریقون بیست درم، زعفران و وج و دارچینی و مصطکی و روغن بلسان و فرفیون و فلفل ابیض و اسود و دارفلفل و جنطیانا و مرّ و فقااح اذخر و فو و حماما از هریک دو درم، قسط و کمادریوس و اف تیمون و اسارون و سلیخه و سقمونیا از هریک دو درم، سنبل الطیب سه درم و نیم، کوفته و

بیخته، با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند، شربتی چهار مثقال. قوت این تا چهار سال باقی باشد.

معجون مشک:

درد جگر و ضعف معده و سردی و سده جگر بگشاید و تحلیل ورم ها بکند؛ صنعت آن: مشک و سلیخه و سنبل و سادج و لک منقی و ریوند چینی و جنطیانا از هر یک دو درم، نانخواه و زعفران و تخم کرفس و مصطکی از هر یک سه درم، عود هندی و مر صافی و قرنفل از هر یک نیم درم، کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند. شربتی سه درم به آب گرم نافع بود.

معجون فلاسفه:

که آن را ماده الحیوه گویند و این معجون منسوب است به فیلسوفان.

بلغم دفع کند و قوت هاضمه بدهد و اشتها بازدید کند و حفظ بیفزاید و ذهن تیز گرداند و سردی و چکیدن بول دفع کند و بادها را بشکند و منی بیفزاید و قضیب محکم دارد و مفاصل و درد پشت را سود دارد و هر زحمت که از سردی باشد زایل کند؛ صنعت آن: فلفل و دارفلفل

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۵

و زنجبیل و دارچینی و پوست بلیله و هلیله و خصیه الثعلب و زراوند مدحرج و شیطرح هندی و بیخ بابونه و آمله و نارجیل و جلقوزه ده درم، بابونه پنج درم، مویز منقی سی درم، عسل سه وزن ادویه.

معجون نوشدارو:

آن را جوارش و مفرح خوانند و مفرح کندری نیز گویند و از معاجین هندی است، پیش از طعام شاید خوردن. معده و جگر را قوت و غذا هضم کند و رنگ روی سرخ گرداند و بوی دهان خوش کند و قوت بدن بدهد؛ صنعت آن: ورق گل سرخ شش درم، سعد پنج درم، قرنفل و مصطکی و اسارون از هر یک سه درم، قاقله کبار و صغار و بسباسه و جوزبوا و قرفه و زعفران و سنبل و زرنباد از هر یک دو درم، شیر آمله رطلی، آمله در نه رطل آب بجوشانند تا باز سه رطل آید و فرو گیرند و در دست بمالند، از منخل مویین بیرون کنند و با یک من فانید بجوشانند تا به قوام آید و داروها به آن بسرشند و قدری مشک اضافه کنند و بعضی فرنجمشک و مروارید ناسفته و سادج هندی از هر [یک] [۷۲] دو

درم اضافه می کنند، نافع باد؛ إن شاء الله - تعالی.

معجون فودنج:

جهت اختلاج و ضعف بدن؛ صنعت آن: سداب و فودنج و فلفل و نانخواه و کرویاء و کاشم و زنجبیل و دارچینی و دارفلفل، کوفته به عسل بسرشد، نافع باد؛ إن شاء الله - تعالی - و الله أعلم و أحکم.

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۶

باب ششم در اطرینات

اطرینل:

بواسیر را نافع بود و لون نیکو کند و باه زیاده کند و معده را قوت دهد؛ صنعت آن:

پوست هلیله کابلی و پوست بلبله و هلیله سیاه و آمله مقشّر و فلفل و دارفلفل از هر یک سی درم، زنجبیل و بوزیدان و بسباسه و شیطرچ هندی و شقاقل و تودرمین و لسان العصافیر و مغز حبّ قلقل و کنجد مقشّر و خشخاش سفید و بهمنین و قند سفید از هر یک ده مثقال، مجموع کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشد و بعد از دو ماه استعمال کنند. قوت وی تا سه سال باقی باشد.

اطرینل کوچک:

جهت استرخای معده و رطوبت آن و بواسیر را دفع کند و ذهن را نیکو کند؛ صنعت آن: پوست هلیله کابلی و پوست بلبله و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک ده مثقال، و آمله مقشّر کوفته و بیخته، به روغن بادام چرب کند و به عسل بسرشد.

[نوع دیگر]:

جهت استرخای معده و رطوبت آن و بواسیر را دفع کند و ذهن را نیکو کند؛ صنعت آن: پوست هلیله کابلی و پوست بلبله و پوست هلیله سیاه و زرد و آمله مقشّر، کوفته و بیخته، به روغن بادام چرب کنند و به عسل بسرشد.

اطرینل گشنیزی:

قوت معده بدهد و درد سر که از بخار معده بود، زایل گرداند؛ صنعت آن: پوست هلیله کابلی و پوست بلبله و پوست هلیله سیاه و زرد و آمله و گشنیز خشک مساوی کوفته، به روغن بادام چرب کنند و به عسل بسرشد.

اطرینل:

جهت بواسیر نافع بود؛ صنعت آن: پوست هلیله زرد و آمله زرد و مقشّر از هر یک ده درم، مقل در آب بگدازند و شصت درم

عسل کف گرفته به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

اطریفل دیدان:

کرم های بزرگ و کوچک را و حبّ القرع را دفع کند؛ صنعت آن: برنک کابلی مقشّر ده درم، حبّ الثیل و تربد سفید و قسط تلخ از هریک پنج درم، قنبیل و ترمس و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۶۷

افستین و شیخ ارمنی و درمنه ترکی و اف تیمون و نمک قسطی و خردل و شحم حنظل و سعد هندی و راسن خشک از هریک سه درم، کوفته و بیخته، با دو چندان عسل بسرشند، شربتی چهار مثقال.

اطریفل شاه ترج:

پوست هلیله سیاه و آمله و سنای مکی از هریک ده درم، شاه ترج سی درم، ریوند چینی و چوب گز از هریک دو درم، مجموع کوفته و بیخته، به روغن بادام چرب کنند و به وزن دو ادویه کشمش به آن بکوبند، اول ادویه بکوبند، دیگر با کشمش بکوبند.

اطریفل اف تیمون:

جهت ماده سودایی عظیم نافع بود؛ صنعت آن: پوست هلیله کابلی و پوست بلبله و آمله از هریک ده درم، سنای مکی و تربد سفید و اف تیمون از هریک پنج درم، شیطر ج هندی سه درم، بسفایح فستقی یک درم، انیسون و نمک هندی از هریک دو درم، کوفته و بیخته، با سه چندان عسل بسرشند.

نوع دیگر: طبع را نرم دارد و معده از صفرا و بلغم پاک کند؛ صنعت آن: هلیله زرد و هلیله کابلی و بلبله و آمله از هریک ده درم، بیخ سوسن پنج درم، تربد بیست درم، زنجبیل سه درم، شیطر ج هندی سه درم، خیربؤا و گل قرفه و دارچینی از هریک دو درم، شاهترج ده درم، گل سرخ پنج درم، کوفته و بیخته، به عسل بسرشند، شربتی پنج درم.

اطریفل غرور:

خداوند خناق و خنازی را سود دارد؛ صنعت آن: هلیله سیاه پانزده درم، بلبله و آمله و تربد از هریک هفت درم، اف تیمون ده درم، سنای مکی و بسفایح فستقی و اسطوخودوس از هریک پنج درم، شیطر ج و زرنباد و غاریقون از هریک سه درم، انیسون و مصطکی و خیربؤا و قرنفل و جوزبؤا و سنبل از هریک دو درم، نوشادر سه درم، غدنه که در گردن گوسفند می باشد خشک کرده پنج درم، کوفته و بیخته، به عسل بسرشند.

اطریفلی:

که خداوند بهق و برص سفید و بیماری بلغمی را سود کند؛ صنعت آن: هلیله کابلی بیست درم، بلیله و آمله از هریک ده درم، برنک کابلی پانزده درم، شیطرج و سعد و زنجبیل از هریک سه درم، سادج هندی و بسفایج و اسطوخودوس و غاریقون از هریک شش درم، قسط سه درم، کندر و انیسون و مصطکی و قرنفل و خیربوا و جوزبوا از هریک دو درم، فلفل و دارفلفل و نارمشک از هریک چهار درم، کوفته و بیخته، با عسل بسرشد.

اطریفلی:

که خداوند گر و خارش و سعفه را سود دارد؛ صنعت آن: هلیله زرد چهل درم، هلیله کابلی سی درم، بلیله و آمله از هریک بیست درم، سنای مگی بیست درم، ریوند چینی ده

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۸

درم، کوفته و بیخته، با عسل بسرشد.

اطریفلی:

که خداوند عرق مدینی را سود دهد و اگر ده روز پیوسته به کار دارند ماده علت پاک کند؛ صنعت آن: هلیله کابلی و بلیله و آمله و تربد سفید و زنجبیل و قنبیل مساوی کوفته و بیخته، به روغن بادام چرب کنند و به انگبین بسرشد.

تمام اطریفلات بعد از دو ماه استعمال باید کرد.

خواص الأشياء، متن، ص: ۶۹

باب هفتم در مفرحات

مفرح معتدل:

خفقان و وسواس و ضعف دل زایل کند و نشاط آورد؛ صنعت آن: مروارید ناسفته و بسد از هریک پنج درم، کهربا دو درم و نیم، صندلین و آمله و طباشیر سفید از هریک چهار درم، گاوزبان پنج درم، تخم کاسنی دو درم و نیم، زرنباد دو درم، درونج عقربی یک درم، افتیمون و ورق گل سرخ از هریک سه درم، سادج دو درم و نیم، بالنگو و فرنجمشک از هریک دو درم و نیم، زعفران و عنبر اشهب از هریک، یک درم، کافور نیم درم، عود خام پنج درم، گشنیز خشک دو درم و نیم، خشخاش و گل ارمنی و بنفشه از هریک دو درم، زر محلول و نقره محلول از هریک درمی، لعل نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته، مشک خالص نیم درم، جواهر تمام تراکیب باید که صلایه کنند و الا هیچ خواص ندهد و به صد و هشتاد مثقال شراب سیب و حماض بسرشد.

مفرح [۷۳] سرد:

خفقان گرم را سود دهد و قوت دل بدهد؛ صنعت آن: ورق گل سرخ و طباشیر سفید از هریک دو درم، گشنیز خشک بریان کرده و صندل مقاصری از هریک دو درم، مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو از هریک چهار درم، تخم تورک پانزده درم، بهمن سفید و گاوزبان از هریک دو درم، زرشک بی دانه شش درم، مروارید ناسفته و بسد و کهربا از هریک [یک] [۷۴] درم، کافور نیم درم، زعفران دانگی، داروها کوفته و بیخته، به نبات مصری صد درم به عرق بید بگدازند و به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

مفّرح گرم:

خفقان و ضعف دل که از سردی بود، سود دارد؛ صنعت آن: گاوزبان و بالنگو و بهمنین از هریک هشت درم، آمله در مثلث خوشانیده و خشک کرده و بریان کرده بیست درم، تخم فرنجمشک هشت درم، عود قماری ده درم، گل مختوم و مروارید ناسفته از هریک

خواص الأشیاء، متن، ص: ۷۰

[یک] [۷۵] مثقال، زعفران یک درم، بسد و کهربا و قرنفل و زرنب و گشنیز خشک از هریک دو درم و نیم، کبابه سه درم، ورق گل سرخ و صندل مقاصری از هریک پنج درم، یاقوت و زر محلول از هریک درمی، دارچینی دو درم، زرنباد سه درم، درونج عقربی یک درم و نیم، منقی نیم من، عسل هلیله چهار یکی، کهربا و بسد باید که سوخته باشد، قند نیم من؛ قند و عسل و شیره مویز در یکدیگر به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

مفّرح سرد:

خفقان و ضعف دل که از گرمی بود زایل کند؛ صنعت آن: طباشیر سفید دو درم، گاوزبان ده درم، شیره آمله سی درم، عصاره زرشک ده درم، صندل مقاصری پنج درم، بهمنین پنج درم، درونج عقربی سه درم، گشنیز خشک و ورق گل سرخ پنج درم، و پوست بیرون پسته و مروارید ناسفته و کهربا و بسد و ابریشم محرق از هریک دو درم، زعفران نیم درم، یاقوت یک درم، زر محلول و نقره محلول از هریک مثقالی، آب سیب ترش چهل درم، آب حماض چهل درم، قند سفید یک من به قوام آوردند و آب ها بریزند و به قوام آورند و داروها بسرشند.

مفّرح گرم:

خفقان و ضعف دل که از سردی بود زایل کند؛ صنعت آن: زرنباد و درونج و گاوزبان از هریک شش درم، بادرنجبویه سه درم، کوفته و بیخته با شراب سیب بسرشند و یک شب رها کنند، روز دیگر چهل مثقال عسل به قوام آورند و به آن بسرشند.

مفّرح جواهر:

این مفّرح منسوب است به خواجه رشید الدین، خفقان و وسواس و ضعف دل را سود دهد و جگر و گرده و مغز را قوت دهد و لون نیکو کند و نشاط تمام آورد؛ صنعت آن: یاقوت سرخ دو مثقال، یاقوت زرد چهار مثقال، یاقوت کبود چهار مثقال،

یاقوت سفید چهار مثقال، لعل سه مثقال، فیروزج سه مثقال، زمرد یک مثقال و نیم، عقیق چهار مثقال، حجریشب سه مثقال، مروارید ناسفته چهار مثقال، بسد و کهربا از هریک دو مثقال، حجر لآرود دو مثقال، ابریشم محرق و ورق قرنفل از هریک سه مثقال، پوست بیرون پسته چهار مثقال، تخم فرنجمشک پنج مثقال، آمله دو مثقال، پوست هلیله کابلی ده مثقال، بادرنجبویه ده مثقال، گل نیلوفر و صندلین و تخم بادرنجبویه و تخم بالنگو و قرنفل و دارچینی و کیابه چینی از هریک سه درم، گاوزبان پنج مثقال، عصاره زرشک پانزده مثقال، عود قماری چهار مثقال، بادروج دو مثقال، طین ارمنی دو مثقال، طین مختوم چهار مثقال،

خواص الأشياء، متن، ص: ۷۱

طباشیر سفید پنج مثقال، عنبر اشهب چهار مثقال، مشک خالص مثقالی و نیم، زر محلول و نقره محلول و گل دارچینی از هریک چهار مثقال، درونج و بهمن سفید از هریک چهار مثقال، کافور قیصوری نیم مثقال، زعفران یک درم و نیم، قافله کبار سه مثقال، سنبل و

سادج و بهمن سرخ از هریک دو مثقال، آب سیب و آب به یک من، آب حماض یک چهار یک، گلاب و عرق بید یک من، نبات مصری یک من و نیم، عسل یک چهار یک؛ نبات در عرق بگدازند و به آب ها به قوام آورند و آب حماض در وقت بریزند و داروها به آن بسرشد. شربتی یک مثقال نافع بود.

مفّرح یاقوت معتدل:

ضعف دل و وسواس سودایی و خفقان زایل کند و دل را قوت دهد و نشاط آورد؛ صنعت آن: مروارید ناسفته سه درم، بسید یک درم و نیم، کهربا یک درم، لعل مثقالی، یاقوت زرد نیم مثقال، یشب مثقالی، قرنفل و بهمن سفید و سرخ و کبابه چینی از هر یک دو درم، زرنباد یک درم، تخم بالنگو سه درم، سادج و درونج و بادرنجبویه از هریک درمی، پوست بیرون پسته سه درم، پوست اترج سه درم، گاوزبان پنج درم، صندلین از هر یک سه درم، گشنیز خشک دو درم، ورق گل سرخ سه درم، دارچینی دو درم، تخم فرنجمشک سه درم، طباشیر سفید دو درم، عود خام دو درم، کافور قیصوری نیم درم، زعفران دانگی، عنبر نیم مثقال، مشک دانگی و نیم، زر محلول و نقره محلول از هریک نیم مثقال، کوفته و بیخته به نیم من شراب سیب و بیست مثقال شراب بسرشد.

مفّرح دلگشای گرم:

پوست اترج و ورق گل سرخ و بادرنجبویه و مغز تخم خیارین و گاوزبان از هریک پنج درم، بهمنین از هریک دو درم و نیم، هلیله سیاه سه درم، زعفران دو درم و نیم، مغز بادام حلوا و خشخاش و کنجد مقشّر از هریک سه درم، تخم کرفس یک درم، مشک خالص نیم مثقال، روغن بادام پنج مثقال، نبات مصری نیم من، ترنجبین نیم من، با نبات به قوام آورند و داروها به آن بسرشد.

مفّرح دلگشای معتدل:

خفقان و ضعف دل زایل کند و نشاط آورد؛ صنعت آن: بهمن سرخ و سفید و طباشیر از هریک پنج درم، پوست هلیله کابلی پنج درم، گاوزبان چهار درم، بسد و کهربا و مروارید ناسفته از هریک درمی، صندل سفید و گشنیز خشک از هریک دو درم، تخم تورک هشت درم، زرشک بی دانه دوازده درم، زر محلول و نقره محلول از هریک نیم مثقال، پوست بیرون پسته درمی، قند صد و پنجاه مثقال، تربد پنجاه مثقال، به قوام آورند و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۷۲

داروها به آن بسرشد.

مفّرح سرد، دواء المسک بارد:

ضعف دل و خفقان که از گرمی بود به غایت مفید باشد؛ صنعت آن: مروارید ناسفته و کهربا و بسد سوخته و گاوزبان و گل ارمنی از هریک دو درم، طباشیر سفید دو درم، مشک خالص نیم درم، قند سفید سی درم، عرق بید بیست مثقال، گلاب چنان

چه رسم است، ترتیب کنند.

مفّرح مسیحی:

قوّت دل و دماغ و معده و جگر بدهد و قوّت پشت و گرده زیاده کند و نعوظ تمام آورد و باه را قوّت دهد و اشتها بازدید کند؛ صنعت آن: قرفه پنج درم، خولنجان و کبابه و قرنفل و جوز و سنبل و قاقله صغار و کبار و جوزبؤا و تخم فرنجمشک و ورق قرنفل از هریک سه درم، گاوزبان و بادرنجویه از هریک پنج درم، اشنه و سنبل از هریک چهار درم، زعفران سه درم، بهمن سفید و سرخ از هریک چهار درم، مصطکی سه درم، سادج هندی دو درم، زنجبیل و دارفلفل از هریک درمی، پوست اترج و گل سرخ از هریک چهار درم، سعد هندی دو درم، خصیه الثعلب ده درم، لسان العصافیر و بسباسه از هریک سه درم، عنبر اشهب دو درم، مشک خالص نیم درم، لعل یک درم، مروارید ناسفته دو درم، کهربا و بسید از هریک یک درم، زر محلول و نقره محلول از هریک نیم مثقال، جزو اعظم خوب سی مثقال کوفته و بیخته، با دو وزن عسل بسرشند و اگر به قند خواهند دو وزن قند و نیم وزن عسل تا خشک نشود.

مفّرح، نوع دیگر:

همان خواص دارد؛ صنعت آن: قرنفل سه درم، خولنجان سه درم، قرفه چهار درم، بسباسه سه درم، جوزبؤا پنج درم، قاقله کبار و صغار و سنبل و اشنه و ورق قرنفل و گاوزبان و زنجبیل و بهمنین از هریک پنج درم، خصیه الثعلب خوب ده درم، نارمشک و فرنجمشک از هریک چهار درم، عاقرقرا یک درم، مصطکی سه درم، ورق گل سرخ پنج درم، مروارید ناسفته سه درم، کهربا و بسید از هریک

درمی، عنبر اشهب دو درم، مشک خالص نیم درم، لعل یک درم، یاقوت کبود نیم درم، زر محلول و نقره محلول از هر یک نیم مثقال، پوست اترج سه درم، سعد دو درم، جزو اعظم خوب از سه نوع پنجاه درم، قند سفید نیم من، عسل نیم من، چنان چه رب بسازند.

مفرح رشیدی:

این نسخه منسوب است به خواجه رشید الدین و خواص این آن کس بداند که تواند ساخت به تحقیق که اسم او دانسته است؛ صنعت آن: لعل پنج مثقال، بسد پنج

خواص الأشیاء، متن، ص: ۷۳

مثقال، زعفران سه مثقال، جزو اعظم خوب ده مثقال، قند سفید پنجاه مثقال، اگر به عسل خواهد کف گرفته سی مثقال.

دواء المسک حاز:

ضعف دل و بادهای سودایی را سود دارد و صرع و بادهایی که در زن حامله پیدا شود؛ صنعت آن: مروارید ناسفته و بسد و کهربا و ابریشم مقرض و زرنباد و درونج عقربی از هر یک مثقالی، بهمنین و سنبل و قاقله کبار و قرنفل و سادج و اشق از هر یک دو درم، جند بیدستر یک درم، مشک خالص نیم درم، کوفته بیخته با سه چندان عسل آتش ندیده بسرشند.

دواء المسک مز:

خفقان و ورم و رطوبت معده را مفید است؛ صنعت آن: سنبل الطیب و مر صافی و مشک خالص و سادج هندی از هر یک یک درم، زعفران و نانخواه و تخم کرفس از هر یک چهار درم، صبر سقوطری و افسنتین رومی از هر یک هشت درم، ریوند چینی شش درم، جند بیدستر یک درم و نیم، کوفته و بیخته، به غیر از مر که آن را خوشانند و با دو وزن و نیم عسل به قوام آورند و داروها به آن بسرشند.

دواء المسک تلخ، نوع دیگر:

جهت سودایی و صفراوی نیکو بود؛ صنعت آن: مصطکی و زعفران و عود خام و مشک خالص از هر یک یک درم، ففاح اذخر و افسنتین رومی و بادرنجبویه و افیمون از هر یک درمی و نیم، زرنباد و درونج دو درم، لؤلؤ و کهربا و بسد و ابریشم از هر یک سه درم، صبر سقوطری بیست و چهار درم، عسل سه وزن ادویه باشد.

دواء المسک حاز، نوع دیگر:

ترکیب فقیه محمود الیاس است - علیه الرحمه؛ صنعت آن:

لؤلؤی ناسفته و کهربا و بسد و ابریشم مقرض و زرنباد و درونج از هر یک یک درم بهمنین و سادج و فرنجمشک و نارمشک

و سنبل و قاقله صغار و کبار از هریک چهار درم، جند بیدستر دو درم، زنجبیل و دارفلفل از هریک یک درم، مشک خالص نیم درم، کوفته و بیخته با عسل شهد بسرشد، نافع باشد.

خواص الأشياء، متن، ص: ۷۴

باب هشتم در اقراص

قرص طباشیر:

که طبع را نرم دارد و تب های محرقه و ماده را نافع بود و سرفه و خشونت سینه را سود دهد و تشنگی بنشانند؛ صنعت آن: طباشیر سفید دو درم و نیم، ترنجبین سه درم، مغز خیارین دو درم، مغز تخم کدو یک درم، نشاسته و صمغ عربی و خشخاش سفید و کتیرا از هریک نیم درم، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشد و قرص سازند و در سایه خشک کنند.

قرص طباشیر:

جهت تب های صفراوی و شکم بیندد و خون باز دارد؛ صنعت آن: صمغ عربی و تخم حماض و نشاسته از هریک ده درم، ورق گل سرخ پانزده درم، سماق و زرشک بی دانه از هریک هفت درم، مجموع کوفته و بیخته و بریان کرده، و طباشیر سفید هفت درم، گل ارمنی ده درم به گلاب بسرشد و قرص سازند.

قرص طباشیر معتدل:

سودمند بود جهت تب های محرقه و تشنگی بنشانند؛ صنعت آن:

زرشک بی دانه و طباشیر سفید و ورق گل سرخ از هریک یک درم و نیم، مغز خیار بادرنگ و تخم کاسنی و مغز دانه کدو و تخم کاهو و تخم تورک از هریک نیم درم، صندل سفید یک درم، کافور دانگی، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشد و قرص بسازند و در پشت غربال خشک کنند.

نوع دیگر: نافع بود تب های محرقه و تب های دق و سرفه گرم و تشنگی بنشانند و حرارت کم کند؛ صنعت آن: طباشیر سفید و ورق گل سرخ و صندل مقاصری و تخم کاسنی و تخم خیار زرد و گل ارمنی و تخم کاهو و تخم تورک از هریک یک مثقال، کافور دانگی، کوفته به لعاب نیکو بسرشد و قرص سازند.

قرص کهربا:

جهت خون رفتن شکم سودمند بود؛ صنعت آن: کهربا و بید و مروارید و تخم تورک از هریک پنج درم، شاخ بز کوهی سوخته و پوست تخم مرغ سوخته و صمغ

خواص الأشياء، متن، ص: ۷۵

عربی و کتیرا از هریک سه درم، گشنیز خشک بریان کرده و خشخاش سفید و سیاه از هریک شش درم، وزغ سوخته و بزر البنج از هریک دو درم، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشند و قرص سازند.

قرص گلنار:

خون شکم ببندد؛ صنعت آن: سلیخه رومی و گل ارمنی و صمغ عربی از هر یک چهار درم، گل سرخ و گلنار و افاقیا از هریک سه درم، کتیرا دو درم، کوفته و بیخته، به آب گلنار بسرشند و قرص سازند، نافع باشد.

قرص زرشک بزرگ:

نافع بود تب های بلغمی کهن و ورم معده [را][۷۶]؛ صنعت آن: عصاره زرشک و مغز تخم خیارین از هریک سه مثقال، ورق گل سرخ و ترنجبین از هریک شش مثقال، تخم کشوث و ربّ السّوس و طباشیر و تخم کاسنی و سنبل و مصطکی و عصاره غافث از هریک ده درم، فوه و لک منقی و ریوند چینی و سنبل از هریک دو درم، زعفران یک درم، کوفته و بیخته، به آب ترنجبین بسرشند و قرص سازند.

قرص زرشک کوچک:

زرشک بی دانه پانزده درم، تخم کاسنی پانزده درم، تخم تورک و مغز تخم خیار بادرنگ از هریک سه درم، ورق گل سرخ پنج درم، ریوند چینی و سنبل از هر یک یک درم، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشند و قرص سازند.

قرص ریوند چینی:

نافع بود جهت تب های کهن و صلابت جگر و سکون ورم و آن ضربه ای که واقع شود در ایشان؛ صنعت آن: ریوند چینی شش درم، فوه و لک منقی از هریک سه درم، تخم کرفس و انیسون و عصاره غافث از هریک درمی، کوفته و بیخته به آب صافی بسرشند.

قرص خشخاش:

جهت ریش های سینه نافع بود و شش و وجع آن؛ صنعت آن: ورق گل سرخ و صمغ عربی از یک چهار درم، نشاسته و کتیرا و ربّ السّوس از هریک دو درم، خشخاش ابیض و اسود از هریک سه درم، زعفران نیم درم، طباشیر سفید پنج درم، کوفته و بیخته، به آب صافی بسرشند و قرص سازند و با شراب خشخاش به کار دارند.

قرص گل:

درد معده و تب های بلغمی را سود دارد؛ صنعت آن: ورق گل سرخ شش درم، ربّ السّوس چهار درم، سنبل یک درم، طباشیر دو درم، عصاره غافث چهار درم، کوفته و بیخته، به میفختج بسرشند.

قرص گل، نوع دیگر:

جهت تب غب مفید بود؛ صنعت آن: ورق گل سرخ پنج درم، سنبل و زعفران و مصطکی و لک و انیسون از هریک دو درم، عصاره غافث و افسنتین از هریک دو درم، فقاخ اذخر و هلیله زرد از هریک درمی، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو قرص سازند، نافع باشد.

قرص غافث:

تب ربع و یرقان و درد جگر و سپرز را نافع بود؛ صنعت آن: عصاره غافث بیست درم، سنبل الطیب ده درم، طباشیر سفید چهار درم، کوفته و بیخته، به آب صافی بسرشند و قرص سازند.

قرص کاکنج:

نافع بود جهت ریش گرده و مئانه و خون که از قضیب آید؛ صنعت آن: مغز تخم خیار بادرنگ و مغز تخم کدو و حب کاکنج و مغز بادام مقشّر و ربّ السّوس و نشاسته و صمغ عربی و کتیرا و خون سیاوشان و کندر از هریک درمی، [٧٧] تخم کرفس ده درم، افیون درمی، کوفته و بیخته، به آب صافی بسرشند و قرص سازند.

قرص بنفشه:

مسهل صفرا و بلغم بود و سر را از اخلاط پاک گرداند و درد چشم را نافع بود و سر را از اخلاط پاک گرداند و درد چشم را نافع بود و تاریکی ببرد؛ صنعت آن: بنفشه دو درم، تربد یک درم، ربّ السّوس نیم درم، پوست هلیله زرد نیم درم، محمودة نیم دانگ و دو حبه کوفته به آب صافی بسرشند و نگاه دارند تا سحرگاه و ده درم شکر در آب گرم حل کنند و قرص به آن آب حل کرده بازخورند و تتمه آب که مانده باشد از عقب بازخورند و این یک شربت است و شرط آن است که آن روز که خورند ترتیب کنند و سحرگاه به کار دارند.

قرص گل، نوع دیگر:

خداوند درد معده را سود دارد و خداوند تب بلغمی را فایده بخشد؛ صنعت آن: گل سرخ بیست درم، سنبل و بیخ سوسن از هریک ده درم، کوفته و بیخته، به مثلث بسرشند.

قرص گل، نوع دیگر:

گل سرخ شش درم، بیخ سوسن چهار درم، اکلیل الملک و بابونه و اذخر از هریک سه درم، سنبل دو درم و نیم، مصطکی و کهربا از هریک دو درم، به آب عنب الثعلب بسرشند و قرص سازند.

قرص مقل:

که آماس معده که کهنه باشد، ببرد؛ صنعت آن: گل سرخ ده درم، سنبل الطیب دو درم، زعفران درمی، قسط درمی و نیم، مصطکی دو درم، بادام تلخ درمی و نیم، مقل سه

خواص الأشياء، متن، ص: ۷۷

درم، با شراب انگوری حل کنند و داروها به آن بسرشند.

قرص کافور:

خداوند تب گرم و یرقان را سود دهد؛ صنعت آن: زرشک بی دانه و طباشیر ایض و گل سرخ از هریک هفت درم، تخم کاهو و تخم خرفه و تخم کاسنی از هریک سه درم، مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو از هریک پنج درم، صندل ایض دو درم، کتیرا سه درم، ربّ السّوس دو درم، کافور یک درم، کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشند.

قرص کافور، نوع دیگر:

که اندر تب محرقه و دق را سود دارد؛ صنعت آن: طباشیر ایض پنج درم، تخم کاهو پنج درم، تخم خرفه و تخم کاسنی از هریک پنج درم، مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو از هریک هفت درم، ربّ السّوس سه درم، صندل سفید سه درم، ترنجبین پاک کرده ده درم، کافور نیم مثقال، کوفته به لعاب دانه به بسرشند و قرص سازند.

قرص زرشک:

خداوند آماس جگر را مفید بود؛ صنعت آن: زرشک پاک کرده بی دانه پنج درم، مغز تخم خربزه و طباشیر ایض از هریک سه درم، مصطکی و لک منقی و ریوند چینی از هریک یک درم، زعفران درمی، سنبل و ربّ السّوس و ترنجبین از هریک سه درم، کوفته و بیخته، به آب ترنجبین بسرشند و قرص سازند.

قرص شیره:

خداوند استسقا را و قی سود دارد؛ صنعت آن: شیره و هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته به سکنجین قرص سازند، شربتی دانگی و نیم با میفختج یا سکنجین به کار دارند.

قرص لک:

که در استسقای لحمی سود دارد و سده بگشاید؛ صنعت آن: لک مغسول و ریوند چینی از هریک سه درم، اسارون و زراوند و جنطیانا و سنبل و مصطکی و تخم کرفس و انیسون و نانخواه و اذخر و ابهل و قسط و مغز بادام تلخ و فوه و افسنتین و عصاره غافث از هریک دو درم، فلفل و زنجبیل از هریک درمی، کوفته و بیخته، قرص سازند.

قرص برنکی:

خداوند جرب را سود دهد؛ صنعت آن: هلیله کابلی و بلیله و آمله و برنک کابلی از هریک جزوی، تربد سفید دو جزو، کوفته، فانید به قوام آورند و بسرشند.

قرص افسنتین:

که خداوند درد معده که از پس طعام پیدا شود تا قی نکند، خلاص نشود؛ صنعت آن: افسنتین رومی و تخم کرفس و انیسون از هریک پنج درم، سلیخه بیست درم، مژ و فلفل و جند بیدستر و افیون از هریک دو درم، کوفته، به بادیان قرص سازند.

قرص کبر:

سپرز را سود دهد و بادها را دفع کند؛ صنعت آن: پوست بیخ کبر و اشق از هر

خواص الأشیاء، متن، ص: ۷۸

یک چهار درم، پنج انگشت و فلفل از هریک شش درم، زراوند طویل دو درم، اشق را به خل الخمر کنند و داروها به آن بسرشند، شربتیی یک مثقال با سکنجین.

قرص انیسون:

خداوند تب بلغمی را سود دهد و جگر ضعیف را مفید بود؛ صنعت آن:

انیسون چهار درم، سادج و اسارون از هریک سه درم، مغز بادام تلخ و سنبل و صبر از هریک چهار درم، افسنتین و عصاره غافث سه درم، مصطکی یک درم، تخم کرفس یک درم، تخم شبت یک درم، کوفته و بیخته، با طبیخ افسنتین بسرشند و قرص سازند.

قرص ایرسا:

که به جهت سپرز گداختن مجرب است؛ صنعت آن: ایرسا چهار درم، فلفل سفید و اشق از هریک دو درم؛ اشق را به سرکه حل کنند و داروها به آن بسرشند و با سکنجین به کار برند، شربتیی دو مثقال.

قرص پنج انگشت:

سپرز بگدازد؛ صنعت آن: تخم کاسنی و تخم خرفه و تخم پنج انگشت و تخم کدو مساوی کوفته و بیخته، اندر سکنجین بسرشند.

قرص فوه:

سپرز را بگدازد؛ صنعت آن: فوه دوازده درم، پوست بیخ کبر و زراوند و ایرسا از هریک دو درم، کوفته و بیخته، به طبیخ

انیسون بسرشند و با سکنجبین به کار دارند.

قرص خردل:

درد سپرز که از باد خیزد، سود دهد؛ صنعت آن: حَبُّ الرُّشَادِ ده درم در سرکه خوسانند شبانه روزی، روز دیگر پنج درم سداب کوفته با وی بسرشند و در تنوری گرم سخت کنند تا بریان شود، پس بکوبند نرم و هر بامداد دو درم در سکنجبین بسرشند و به کار دارند، نافع بود.

قرص عود:

که هیضه باز دارد و قی؛ صنعت آن: عود خام و سنبل و قرنفل از هریک یک درم، طباشیر سه درم، کبابه چینی و سک بغدادی از هریک دو درم، کندر سه درم، گل سرخ سه درم، کوفته، شربت سی درم با ماء العسل یا ماء اللحم یا شراب سیب به کار برند.

قرص عود، نوع دیگر:

عود خام چهار درم، مصطکی و قرنفل و کبابه و سنبل از هریک دو درم، قند سفید دوازده درم، شربت سی درم.

قرص کندر:

قی و هیضه را باز دارد؛ صنعت آن: کندر سه درم، گل قرفه پنج درم، کبابه چینی و قاقله کبار و سک از هریک دو درم، کافور دانگی، مشک دانگی، قرنفل نیم درم، شربت سی یک مثقال با شراب نعناع مفید بود.

نوع دیگر: طباشیر سه درم، کافور دانگی و نیم، مصطکی یک درم، قرنفل یک درم، سک

خواص الأشياء، متن، ص: ۷۹

دو درم، کوفته، با شراب به کار دارند.

قرص دم الاخوین:

که خون با سرفه باز دارد؛ صنعت آن: کندر و دم الاخوین از هریک سه درم، شَبِّ یمانی دو درم، سادج هندی پنج درم، گل مختوم ده درم، کهر با پنج درم، گلنار سه درم، افیون دو درم، صمغ عربی سه درم، دارچینی دو درم، خشخاش سه درم، شربت سی درم با عصاره برگ خرفه.

قرص راسن:

قی و هیضه باز دارد و خواب آرد؛ صنعت آن: قرنفل ده درم، سک درمی، قرفه دو درم، راسن یک درم و نیم، مصطکی و

افیون و پوست بیخ تفاح از هریک درمی، این است.

قرص الآس:

اسهال و قی باز دارد؛ صنعت آن: حبّ الآس و سماق و کزمازو و گل ارمنی و بلوط و نشاسته بریان کرده از هریک ده درم، قرنفل نیم درم، مقل یک درم، نارپوست و مازو از هریک پنج درم، شربتی دو درم با ربّ به به کار برند.

قرص بسد:

بر انداختن خون که به سرفه آید و قی باز [دارد] [۷۸]؛ صنعت آن: بسد مغسول ده درم، کندر و اقاویا و گلنار از هریک چهار درم، صمغ عربی چهار درم، کتیرا و گل مختوم از هریک سه درم، دارچینی درمی و اگر به عوض دارچینی ریوند چینی کنند، شاید.

قرص سرمه:

که همان خواص دارند؛ صنعت آن: سرمه اصفهانی و شادنج مغسول و دم الاخوین از هریک سه درم، گلنار و مازو از هریک دو درم، شاخ بز کوهی سوخته و اقاویا از هریک یک درم، لادن و زعفران از هریک نیم درم، پر سیاوشان یک درم و نیم، به آب لسان الحمل به کار برند.

قرص الطین:

بول خون باز دارد و قرحه مئانه را سود دهد؛ صنعت آن: گل مختوم و کتیرا و طباشیر و صمغ پارسی و تخم خربزه و تخم خیار بادرنگ، مساوی کوفته و بیخته، به میفختج بسرشد. اگر حرارت غالب باشد به لعاب نیکو بسرشد.

قرص بزور:

خداوند جرب را سود دارد؛ صنعت آن: مغز تخم خیارین چهار درم، مغز دانه کدو و تخم خطمی و مغز بادام حلوا و کتیرا و نشاسته و خشخاش و ربّ السّوس و گل ارمنی و تخم کرفس از هریک دو درم، کوفته، به لعاب نیکو بسرشد و با شراب بنفشه به کار برند.

قرص اسارون:

گرده و مئانه را پاک کند و بول گرفته باز بگشاید؛ صنعت آن: اسارون و فطراسالیون از هریک چهار درم، فو و فزو و ج از هریک شش درم، دوقو هفت درم، انیسون

خواص الأشياء، متن، ص: ۸۰

و تخم کرفس و حبّ بلسان از هریک چهار درم، مغز سه تخم از هریک پنج درم، کتیرا دو درم، به آب کرفس یا به آب ترب

به کار برند.

قرص بنفشه، نوع دیگر:

که قولنج بگشاید و در تب محرقه به کار دارند؛ صنعت آن:

بنفشه ده درم، تربد سفید پنج درم، ربّ السّوس چهار درم، سقمونیای مشوی کرده سه درم، مصطکی درمی و نیم، کتیرا درمی، کوفته و بیخته، شربتیی یک درم به کار برند.

نوع دیگر: سرفه و طبع خشک را سود دهد؛ صنعت آن: بنفشه ده درم، مغز بادام حلوا و مغز تخم خربزه از هریک پنج درم، کتیرا و ربّ السّوس از هریک چهار درم، شربتیی دو درم با شراب بنفشه به کار برند.

قرص سنبل:

آماس صلب را که اندر جگر و معده باشد، ببرد؛ صنعت آن: سنبل و فّقاح اذخر و سلیخه و ریوند چینی و قصب الذّریره از هریک سه درم، زعفران و مرّ و انیسون و قسط و فلفل از هریک درمی، مقل و مصطکی از هریک دو درم؛ اشق و مقل را به مثلث حل کنند و داروها به آن بسرشند.

قرص زرنیخ:

که قروح [۷۹] امعا بدان حقه کنند و روده پاک کنند؛ صنعت آن: زرنیخ زرد و سرخ از هریک [یک] [۸۰] و قیه، آهک آب نارسیده چهار یکی، قرطاس سوخته چهار یکی، اقاویا نیم و قیه، کوفته، به آب لسان الحمل بسرشند و قرص سازند تا به وقت حاجت به کار آید.

نوع دیگر: آهک و اقاویا و مازو و زرنیخ مساوی، پنج روز در سرکه خوسانند و خشک کنند و دیگر بسایند و قرص کنند.

نوع دیگر: زرنیخ زرد و نان میده و قرطاس سوخته از هریک پانزده درم، زرنیخ سرخ بیست و پنج درم، عصاره لحيه التّیس و مرداسنگ از هریک سه درم، ربّ غوره و سفیداج از هریک پنج درم، آهک ده درم، به آب صافی کند، نافع بود.

خواصّ الأشياء، متن، ص: ۸۱

باب نهم در حبوبات

حبّ ایاره:

دماغ از فضولی بلغم پاک کند و صرع و سکنه و درد چشم را نافع بود؛ صنعت آن: ایاره فیقرا یک درم، تربد سفید یک درم، حبّ النّیل و غاریقون از هریک نیم درم، تخم حنظل و نمک هندی از هریک دانگی و نیم، انیسون نیم درم، کوفته، به آب رازیانه بسرشند و حبّ سازند. این جمله یک شربت است.

حب صبر:

مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع بود و معده از اخلاط پاک کند؛ صنعت آن:

صبر اسقوطری مثقالی، تربد سفید درمی و نیم، حب الثیل و غاریقون جوف خراشیده به روغن بادام چرب کرده از هریک نیم درم، تخم حنظل و نمک هندی از هریک دانگی و نیم، مقل و کتیرا و انیسون از هریک دانگی، کوفته، به آب کرفس حل کنند. آن کس که این حب ها و تراکیب و غیره سازد، باید [بداند] [۸۱] که هر چیز، درجه و محل چگونه به کار می باید کرد.

حب سورنجان:

مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع بود؛ صنعت آن: صبر سقوطری یک درم، تربد سفید و سورنجان از هریک درمی و نیم، ماهی زهره درمی، حب الثیل نیم درم، کتیرا دانگی، تخم حنظل و نمک هندی از هریک دانگی و نیم، کوفته، به آب کرفس حب سازند.

حب شبیار:

درد معده ببرد و قوت باصره بدهد و تاریکی چشم زایل کند؛ صنعت آن:

صبر سقوطری سه درم، هلیله زرد و ورق گل سرخ و مصطکی و تربد ایض از هریک درمی، سقمونیا و کتیرا نیم درم، کوفته و بیخته حب بسازند. شربتی یک مثقال در وقت خواب فرو برند.

حب قوقابا:

حب جالینوس است. درد سر و درد چشم و فضله های عظیم غلیظ از بدن بیرون آورد؛ صنعت آن: صبر سقوطری و عصاره افسنتین و مصطکی از هریک مثقالی، تخم حنظل و سقمونیا از هریک نیم درم، کوفته و بیخته، به آب کرفس حب سازند، شربتی مثقالی.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۲

حب السعال:

سرفه بلغمی را نافع بود؛ صنعت آن: رب السوس و کشمش از هریک سه درم، کتیرا و نشاسته و صمغ عربی و مغز دانه کدو از هریک یک درم، کوفته و بیخته، با نیم وزن نبات مصری به لعاب نیکو حب سازند.

نوع دیگر: که سرفه گرم را نافع بود؛ صنعت آن: مغز بادام مقشر و مغز چنارین و نشاسته و صمغ عربی و خشخاش ایض از هریک دو درم، رب السوس ده درم، باقلای مقشر پنج درم، کوفته به لعاب دانه به حب سازند.

نوع دیگر: که سرفه سرد را سود دارد؛ صنعت آن: پوست بیخ رازیانه و تخم کرفس و پر سیاوشان و مغز بادام تلخ مساوی

کوفته و بیخته، به لعاب نیکو بسرشند [و حَبَّ] [۸۲] سازند.

نوع دیگر: که سرفه خشک را نافع بود؛ صنعت آن: نشاسته و صمغ عربی و ربّ السّوس و تخم خبازی و تخم خطمی و دانه به، جملگی کوفته، به لعاب اسبغول حَبّ سازند.

حَبّ المسک:

بوی دهان خوش کند و بوی بد زایل کند؛ صنعت آن: سنبل و قرنفل و فرنجمشک و نارمشک و زنجبیل و کبابه چینی و فوفل و سعد و خولنجان و قاقله کبار و صغار و جوزبوا و بسباسه و دارچینی و سادج از هریک درمی، پوست ترنج و ورق ترنج از هریک دو درم، مشک چهار دانگ، کوفته، به آب به و گلاب و لعاب صمغ عربی حَبّ سازند.

حَبّ ممسک:

طبیعت را ببندد و خون باز دارد؛ صنعت آن: سماق دو درم، مازو یک درم، نارپوست نیم درم، دانه مورد ده درم، دانه مویز سه درم، مجموع کوفته به آب به و لعاب صمغ حَبّ سازند. شربتتی دو درم به آب مورد به کار برند.

حَبّ غاریقون:

سده بگشاید و استسقا و بیماری های جگر را سود دهد؛ صنعت آن:

افتیمون و صبر از هریک شش درم، غاریقون چهار درم، انیسون و فطراسالیون و تخم کرفس و دوقو از هریک دو درم، سقمونیای مشوی کرده یک درم، کوفته و بیخته، به آب صافی بسرشند و حَبّ سازند. شربتتی دو درم نافع بود.

حَبّ عشره:

فالج و لقوه و قولنج و مفاصل و نقرس که از سردی باشد دفع کند و حیض براند؛ صنعت آن: سکینج و اشق و جاوشیر و مقل و حرمل و تخم حنظل و صبر سقوطری و تربد سفید و پوست هلیله زرد و انزروت، مساوی صمغ ها در آب حل کنند و باقی کوفته بر آن بسرشند و حَبّ کنند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۳

حَبّ اصطمخیقون:

تن از سودا و بلغم پاک کند؛ صنعت آن: پوست هلیله کابلی شش درم، آمله و غاریقون و افسنتین رومی از هریک سه درم، اسارون و انیسون و تخم کرفس از هر یک دو درم، تربد ابیض هفت درم، افتیمون پنج درم، ایاره فیقرا نه درم، قرنفل یک درم، فانید چهار درم، در آب بگدازند و سقمونیا دو درم در آن حل کنند و داروها به آن بسرشند و حَبّ سازند مثل فلفل؛ شربتتی دو درم.

حَبِّ ذَهَب:

خداوند درد سر و درد چشم را سود دهد؛ صنعت آن: صبر سقوطری بیست درم، پوست هلیله زرد ده درم، مصطکی و کتیرا و سقمونیا و زعفران از هریک سه درم، گل سرخ پنج درم، جملگی کوفته و بیخته، به گلاب بسرشد و حَبِّ سازند.

نوع دیگر: صبر ده درم، تربد هشت درم، گل سرخ و مصطکی از هریک دو درم و نیم، زعفران درمی و نیم، پوست هلیله زرد پنج درم، سقمونیا سه درم؛ شربتی دو درم.

نوع دیگر: که همان خواص دارد: ایاره فیکرا ده درم، تخم حنظل سه درم و نیم، سقمونیا دو درم و نیم، تربد سفید مجوف پنج درم، اسطوخودوس پنج درم، کوفته و بیخته، این جمله ده شربت است.

حَبِّی:

که خداوند داء الثعلب و مرطوب صفراوی را فایده بخشد؛ صنعت آن: افیمون چهار مثقال، بسفایح فستقی سه مثقال، تخم حنظل و سقمونیا و نمک هندی و افسنتین از هریک دو مثقال، صبر ده مثقال، انزروت سه مثقال، تربد دوازده مثقال؛ شربتی سه درم.

حَبِّ سَکَبِیْنَج:

قولنج بگشاید و بادها بشکند و رطوبت فرود آرد؛ صنعت آن: سکبینج و تخم حنظل از هریک ده درم، سقمونیا سه درم، به آب سداب حَبِّ سازند؛ شربتی دو درم.

حَبِّ زَبَل:

قولنج بگشاید؛ صنعت آن: زبل الذئب چهار درم، تربد پنج درم، تخم کرفس و انیسون از هریک سه درم، کوفته و بیخته، حَبِّ سازند.

حَبِّ غَارِیْقُون، نَوْعِ دِیْگَر:

که استسقا را مفید بود و سده بگشاید؛ صنعت آن: افیمون و صبر از هریک شش درم، فطراسالیون و سیسالیوس و انیسون و تخم کرفس و دوقو از هریک دو درم، غاریقون چهار درم، سقمونیا سه درم، کوفته و بیخته، حَبِّ سازند.

نوع دیگر: که خداوند استسقا و قی را سود دارد؛ صنعت آن: غاریقون پنج درم، ریوند چینی و عصاره غافث از هریک دو درم، شکر طبرزد ده درم، حَبِّ سازند و هر روز یک درم به کار برند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۸۴

حَبِّی:

که سینه از اخلاط پاک کند غاریقون چهار دانگ و نیم، تخم حنظل دانگی و نیم، عصاره قثاء الحمار دانگی، ربّ السّوس نیم درم. این تمام یک شربت است.

حبّی:

که بادها را بشکنند و آماس خایه و فتق ببرد؛ صنعت آن: تخم کرفس و هزار اسفند و انیسون و مصطکی و زعفران از هریک درمی، هلیله کابلی و آمله از هریک درمی و نیم، کوفته، به آب سداب حبّ سازند و هر روز درمی به کار دارند.

حبّ مادر یون:

استسقا و قی را سود دهد؛ صنعت آن: ریوند چینی و عصاره غافث و تخم کرفس از هریک سه درم، غاریقون پنج درم، مادر یون ده درم، کوفته و بیخته، شربتی یک درم.

حبّی:

که دفع کرم دراز و حبّ القرع کند؛ صنعت آن: تخم حنظل و بوره ارمنی از هریک دو دانگ، غاریقون و نشادر از هریک دانگی و نیم، کوفته، به زهره گاو بسرشد. این جمله یک شربت است.

نوع دیگر: که همین خواصّ دارد: تربد و قنبیل و پودنه و برنک از هریک دو درم، شیخ ترکی ده درم، قردمانا هشت درم، کوفته و بیخته، به طبیح شبت بسرشد؛ شربتی سه درم.

حبّ خیزران:

علّت خنازیر زایل کند؛ صنعت آن: ایاره فیکرا سه درم، غاریقون سه درم و نیم، تخم حنظل درمی و نیم، انزروت چهار درم، تربد سفید هفت درم، جاوشیر مثقالی، نشادر و سقمونیا مثقالی، کوفته و بیخته، به آب حبّ سازند. هر روز به اندازه قوت از نیم درم تا چهار دانگ به کار برند.

حبّ و اصلی:

که در خنازیر مفید بود و آماس زایل کند؛ صنعت آن: سنبل و سلیخه و حبّ بلسان و عود بلسان و اسارون و دارچینی و مصطکی و زعفران از هریک درمی، صبر شانزده درم، اسطوخودوس و تخم حنظل از هریک پنج درم، تربد سفید هفت درم، نمک هندی دو درم، سقمونیای مشوی کرده چهار درم؛ شربتی دو درم و نیم. [۸۳]

خواصّ الأشياء؛ متن؛ ص ۸۴

حبّ خربق:

خداوند بهق و برص و صرع را سود دارد؛ صنعت آن: ایاره فیکرا پنج درم، افیمون ده درم، حجر لاجورد هفت درم مغسول

کرده، سقمونیا و تخم حنظل و خربق سیاه از هریک درمی، به آب کرفس حبّ سازند؛ شربتیی دو درم و نیم.

حبّ شیطرح کبیر:

خداوند عرق النساء و درد گردن را سود دهد؛ صنعت آن: سکینج و مقل و جاوشیر و فرفیون از هریک درمی و نیم، زراوند مدحرج و قنطوریون باریک و جند بیدستر از هریک دو درم، زیره و نانخواه و زنجبیل و دارفلفل و انیسون و تخم کرفس و مژ و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۵

زعفران از هریک چهار دانگ، هلیله زرد و ماهی زهره و سورنجان مصری از هریک ده درم، خردل و شیطرح و تخم حنظل و وج و نمک هندی از هریک چهار درم، کوفته و بیخته، به آب کرفس حبّ سازند؛ شربتیی دو درم و نیم، و اگر به آب کاکنج حبّ سازند، بهتر باشد.

حبّ شیطرح صغیر:

که خواص این نزدیک است به آن: پوست هلیله زرد ده درم، صبر اسقوطری بیست درم، زنجبیل دو درم، فلفل و دارفلفل از هریک درمی، خردل سه درم، شیطرح هندی و نمک هندی و تخم حنظل از هریک دو درم، فانید چهار درم، در آب بگدازند و داروها کوفته و بیخته، به آن بسرشند؛ شربتیی دو درم تا سه درم.

حبّ غافث:

یرقان و درد جگر را سود دهد؛ صنعت آن: صبر و غافث و پوست هلیله زرد مساوی کوفته، به آب کرفس حبّ سازند.

حبّ شاهترج:

جرب را سود دهد؛ صنعت آن: هلیله زرد و هلیله سیاه از هریک پنج درم، صبر اسقوطری هفت درم، سقمونیا دو درم و نیم، کوفته و بیخته به آب شاهترج حبّ سازند؛ شربتیی سه درم.

نوع دیگر: که جرب را سود دارد: صبر درمی، هلیله زرد درمی، ورق گل سرخ دانگی و نیم، کتیرا دانگی، سقمونیا دانگی و نیم، به آب شاهترج حبّ سازند.

حبّ مقل:

خداوند شقاق را طبع نرم دارد و محرور را موافق بود؛ صنعت آن: هلیله کابلی بیست درم، مقل دو درم، کتیرا پنج درم، انجیر سی عدد در آب بیزند تا مهرا شود و پیلایند و مقل و کتیرا در آن حل کنند و هلیله به آن بسرشند و هر شب دو درم به کار برند.

حَب مقل، نوع دیگر:

که درد مقعد و درد بواسیر را ببرد؛ صنعت آن: هلیله سیاه و بلیله و آمله از هریک جزوی، و مقل برابر همه، مقل در آب حل کنند و داروها به آن بسرشند؛ شربتی دو مثقال.

حَب مقل:

که خون ناسور را باز دارد؛ صنعت آن: هلیله کابلی و بلیله و آمله از هریک ده درم، بسید و کهربا و صدف سوخته و شاخ بز کوهی سوخته از هریک پنج درم، شب یمانی سه درم، مقل بیست درم، مقل در آب کنند تا حل شود و داروها به آن بسرشند؛ شربتی هر صبح دو درم.

نوع دیگر: همان خواص دارد: هلیله کابلی به روغن گاو بریان کنند سی درم، کهربا ده درم، مقل چهار درم، در آب کنند تا حل شود و داروها به آن بسرشند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۶

حَب الغایه:

بادها بشکنند و آروغ برآرد و طبع فرود آرد و قولنج بگشاید؛ صنعت آن:

زنجبیل و قرنفل و دارچینی و فلفل و دارفلفل و نارمشک و مصطکی از هریک مثقالی، سقمونیا هفت مثقال، با شکر هفت مثقال حَب کنند مقابل نخودی، هر نخودی یک مجلس بیاورد.

حَب کزمازو:

که اسهال خون باز دارد؛ صنعت آن: مازو و کزمازو و افیون مساوی کوفته به آب صمغ حَب کنند. شربتی دو دانگ مفید بود.

حَب المسک:

که اسهال بلغمی باز دارد؛ صنعت آن: مَر و قرفه و جند بیدستر و افیون مساوی کوفته، حَب سازند مقابل یک فلفل؛ شربتی هفت عدد.

حَب المسک، نوع دیگر:

بوی دهان خوش کند و بوی چیزی که خورده باشد، ببرد؛ صنعت آن: جوزبوا و قرنفل و فوفل و قاقله کبار و صغار و دارچینی و خولنجان از هریک یک درم کافور نیم دانگ، مشک نیم درم، حَب ها کنند مقدار یک فلفل. کسی که سیردلی غالب باشد کافور نکند و به جای آن زنجبیل و کبابه و بسباسه درافزایند و به آب به و گلاب و صمغ حَب کنند؛ و اگر پیوسته دهان او رطوبت بود یک مازو بی سوراخ و نیم درم نمک هندی درافزایند.

حب بهرامی:

که استسقای لحمی را سود دهد؛ صنعت آن: صبر دوازده درم، افیون شش درم، سقمونیا چهار درم، سنبل و سلیخه و تربد ایض و مصطکی از هریک دو درم، زعفران ورقی و غاریقون سه درم، حماما نیم درم، حب سازند چنان چه رسم است. شربتی دو درم مفید است. امید که نافع بوده باشد. إن شاء الله - تعالی.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۷

باب دهم در سفوفات

سفوف طباشیر:

دل گرم را مفید بود؛ صنعت آن: گل سرخ و طباشیر از هریک سه درم، گشنیز خشک دو درم، بسید و مروارید و کهربا از هریک نیم درم، کافور دانگی؛ شربتی دو درم با سکنجبین به به کار دارند، و اگر گشنیز یک شب در سرکه خوسانند و خشک کنند و بریان کرده به کار دارند، آروغ دردناک زایل کند.

سفوف درونج:

دل سرد را سود دهد؛ صنعت آن: درونج عقربی و لسان الثور از هریک شش درم، زرنباد دو درم، کوفته و بیخته، شربتی یک مثقال با شراب به کار برند.

نوع دیگر: کهربا و جند بیدستر از هریک درمی، پوست ترنج و فرنجمشک از هریک نیم درم؛ شربتی یک مثقال در شراب کهن با ماء العسل به کار دارند.

سفوف عود:

معهده سرد و تر را سود دارد؛ صنعت آن: قرنفل و کبابه از هریک پنج درم، مصطکی و سنبل از هریک سه درم، عود خام بیست درم، شکر به وزن همه با دو درم گلشکر مفید باشد.

سفوف قاقله:

آرزوی گل خوردن و آرزوهای که زنان حامله داشته باشد، ببرد؛ صنعت آن: قاقله کبار و صغار و کبابه مساوی کوفته و بیخته، شکر به وزن همه؛ شربتی دو درم به آب گرم، در نسخه دیگر بسباسه آورده اند.

سفوف خمار:

که مخموران را سود دارد؛ صنعت آن: تخم کرسنه و تخم کرنب و زرشک بی دانه و سماق و عدس و گل سرخ و طباشیر مساوی کوفته و بیخته، با یک طسوج کافور به آب انار.

سفوف کرنب:

مستی باز دارد؛ صنعت آن: تخم کرنب و مغز بادام حلو و مغز بادام و فودنه مساوی، و نانخواه و نمک و سداب و زیره از هریک ثلث آن، کوفته و بیخته به آب انار.

سفوف انیسون:

بادهای معده بشکند و اخلاط غلیظ پاک کند؛ صنعت آن: نانخواه و تخم

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۸

کرفس از هریک پنج درم، مصطکی سه درم، کندر چهار درم، فجاج اذخر و قسط از هریک سه درم، انیسون ده درم، سفندان سفید سی درم، کوفته و بیخته، شربتی سه درم با فایده بسرشد.

سفوف جوز:

اسهال بلغمی باز دارد؛ صنعت آن: جوز بریان کرده سه درم، نانخواه یک درم، کندر نیم درم. این یک شربت است، به آب گرم بدهند.

سفوف حب الزشاد:

پیچیدن شکم و بواسیر را سود دارد؛ صنعت آن: سفندان سی درم بریان کرده، زیره و تخم کتان از هریک ده درم بریان کرده، مصطکی سه درم، پوست هلیله کابلی به روغن گاو بریان کرده هفت درم، هلیله و مصطکی و زیره بکوبند و باقی ناکوفته شربتی سه درم بر روی آن بیاشامند.

سفوف بسیاری بول:

که از سردی بود و ضعیفی مثانه مفید باشد؛ صنعت آن: بلوط پنجاه درم، کندر سی درم، گشنیز خشک بریان کرده و صمغ عربی و گل ارمنی از هریک ده درم، گلنار و کرمازو از هریک پنج درم؛ شربتی سه درم به روی آب سرد.

سفوفی:

که سیلان منی بی مراد و چکیدن بول باز دارد؛ صنعت آن: تخم کاهو و تخم سداب و بلوط و کندر و سعد از هریک چهار درم، تخم خرفه و گل سرخ و گلنار از هریک شش درم، انیسون و زیره و بزر البنج از هریک دو درم، فایده به وزن همه کوفته، اگر هلیله و بلبله و آمله از هریک شش درم بر او اضافه کنند، بهتر باشد؛ شربتی پنج درم.

سفوف نمک:

معهده و جگر و مفاصل و هر بیماری که از امتلا باشد، سود دهد؛ صنعت آن:

نمک طعام سی درم، نشاسته ده درم، مقل ایض بیست درم، فلفل سیاه ده درم، انیسون هفت درم، جرجیر و فودنه از هریک ده درم، زنجبیل پانزده درم، کوفته؛ شربتی دو مثقال به آب گرم.

سفوف هلیله:

که در آماس جگر با شیر شتر دهند؛ صنعت آن: هلیله سیاه و هلیله کابلی از هریک چهل درم، تخم کرفس و انیسون و بادیان از هریک پنج درم، کوفته و بیخته؛ شربتی دو درم تا سه درم.

سفوف هلیله [۸۴]، نوع دیگر:

هلیله زرد ده درم، تخم کشنه و تخم کشوث و تخم خیارین از هریک ده درم، لک مغسول و ریوند از هریک درمی، سقمونیا نیم درم.

سفوف افسنتین:

ادرار بول بکند و خداوند آماس جگر را سود دارد؛ صنعت آن: مغز سه

خواص الأشیاء، متن، ص: ۸۹

تخم از هریک پنج درم، تخم کشنه و تخم کشوث از هریک سه درم، تخم کرفس و انیسون و بادیان از هریک دو درم، عصاره زرشک چهار درم، ریوند چینی مثقالی، ربّ السّوس دو درم، لک مغسول چهار دانگ، زعفران و سنبل و مصطکی و افسنتین از هریک درمی، کافور دو دانگ؛ شربتی سه درم.

سفوف فریبهی:

نخود سفید پنجاه درم در سرکه خوسانند و خشک کنند و برنج شسته خشک کرده پنجاه درم، نان میده خشک کرده سی درم، مغز بادام مقشّر شصت درم، کشک جو و کشک گندم و خشخاش ایض از هریک سی درم، شکر طبرزد نیم من، جملگی کوفته، شربتی سی درم به آب یا با شیر تازه بیاشامند.

سفوف انار دانه:

ضعف معده و اسهال مراری را سود دهد و تشنگی بنشاند و قی باز دارد؛ صنعت آن: انار دانه بریان پانزده درم، زیره کرمانی در سرکه خوسانیده و آب او خشک کرده و بریان کرده و تخم مورد و سماق و بلوط و پوست کنار و پوست سنجد و گشنیز خشک بریان کرده و خرنوب شامی و نبطی از هریک پنج درم، و دانگی عود خام کوفته و بیخته، استعمال کنند.

سفوف نشاسته:

اسهال مراری را نافع بود؛ صنعت آن: نَبک و تخم ریحان و مرّ و زرشک و صمغ عربی و نشاسته و گل ارمنی و طباشیر سفید و تخم حماض مساوی بریان کرده، سه تخم اوّل بکوبند و باقی کوفته به گلاب تر کنند و به روغن گل بادام چرب کنند و فرو برند.

سفوف مقلیانا:

اسهال کهن و تزخّر و ضعف معده و بواسیر را نافع بود؛ صنعت آن: تخم سفندان بریان کرده سه جزو، زیره کرمانی مدبّر یک جزو، تخم گندنا و هلبله سیاه و هلبله کابلی از هریک نیم جزو، مصطکی هشت یک جزوی، هلبله زرد در روغن زیت بریان کنند، جملگی کوفته و سحق نکرده و تخم اسفندان نکوبند.

سفوف زرشک:

ضعف معده را نافع بود و شکم ببندد؛ صنعت آن: سماق و نانخواه و زنجبیل و انار دانه ترش بریان کرده و زرشک بریان کرده بی دانه و پوست کنار از هریک دو درم، نبات مصری بیست درم، کوفته و بیخته؛ شربت دو درم.

سفوف سماق:

تشنگی بنشانند و اختلاج [۸۵] را نافع بود؛ صنعت آن: سماق ده درم، حبّ الآس و انار دانه ترش بریان کرده از هریک پنج درم، خرنوب و صمغ عربی از هریک دو درم، کوفته

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۰

و بیخته؛ شربت دو مثقال.

سفوف سورنجان:

نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع بود؛ صنعت آن: سورنجان مصری ده درم، سنای مکی هفت درم، پوست هلبله زرد و مغز بادام مقشّر از هریک سه درم، زعفران نیم درم، سقمونیا یک درم، قند سفید سی درم؛ و اگر مادّه بلغمی بود، تربد [به] [۸۶] سفوف مجوف خراشیده چرب کرده، پنج مثقال اضافه کنند.

سفوف سرطان:

مسلول را نافع بود؛ صنعت آن: سرطان جوئی سوخته پنج درم، طرقریوس [۸۷] و صمغ عربی و خشخاش ابیض و سیاه و مغز تخم خربزه از هریک پنج درم، کوفته و بیخته. شربت یک مثقال با شراب انار یا شراب خشخاش دهند.

سفوفی که سنگ از کرده و مثانه اطفال بیرون کند:

مغز تخم خربزه و صمغ عربی ذرو صمغ آلو و قلت از هریک پنج درم، کوفته؛ شربت یک درم.

سوختن سرطان:

تنوری بتابند از هیزم رز و چند سرطان در شیشه ای که به گل حکمت گرفته باشند، در آنجا کنند یا ظرفی رویین، و در تنور نهند و سر تنور بگیرند، روز دیگر بیرون آرند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۹۱

باب یازدهم در ایارجات

ایارج لوغادیا:

داروی نافع است. بادهای بد از تن بیرون آورد و اسهال بی رنج بود و [در] [۸۸] دیوانگی و استرخا و سکتبه به کار آید؛ صنعت آن: تخم حنظل پانزده درم، بصل الفار هشت درم، غاریقون ده درم، سقمونیا پانزده درم، خربق ده درم، کمادریوس و اسقوردیون از هریک پنج درم، اف تیمون ده درم، صبر پانزده درم، حاشا دو درم، سلیخه و فراسیون از هریک هفت درم، فلفل سیاه و دارفلفل و سنبل و زعفران و مژ صافی و دارچینی و فطراسالیون از هر یک چهار درم، جاوشیر سکینج و عصاره افسنتین و اسطوخودوس از هریک پنج درم، بسفایح هفت درم، جند بیدستر و زراوند و زنجبیل و جنطیانای رومی از هریک سه درم، کوفته و بیخته، به انگبین بسرشند و بعد از شش ماه به کار برند. شربتی چهار درم با یک درم نمک در طبیخ اف تیمون، و این نسخه معتمد است.

ایارج ارکاغانیس:

نسخه معروف است. همه بیماری های بلغمی و سودایی و ابتدای آب فرود آمدن باز دارد و تنگی نفس و گرفتگی آواز ببرد و معده و شکم و رحم اندر طبیخ سداب سود دارد، خاصه اگر با سه قیراط جند بیدستر دهند و گزند سگ دیوانه با یک درم سرطان سود دارد؛ صنعت آن: تخم حنظل ده درم، فراسیون و اسطوخودوس و خربق سیاه و کمادریوس و فلفل ایض از هریک بیست درم، بصل الفار و فرفیون و صبر و زعفران و جنطیانا و فطراسالیون و اشق و جاوشیر از هریک پانزده درم، جعده و دارچینی و سکینج و مژ و سنبل و اذخر و فودنه کوهی و زراوند مدحرج از هریک دو درم، سقمونیا

ده درم، کوفته و بیخته، با عسل بسرشند. شربت‌ی چهار مثقال نافع بود.

ایارج جالینوس:

منافع این از آن هر دو تمامتر است. لقوه و فالج و تشنج و استرخای مئانه را سود دارد؛ صنعت آن: تخم حنظل و غاریقون و بصل الفار و اشق و خربق سیاه و

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۲

سقمونیا و فو و غاریقون و فرفیون از هر یک شانزده درم، بسفایج و ایتیمون و مقل و کمادریوس و سلیخه از هر یک هفت درم، مرّ و سکینج و زراوند طویل و مدحرج و فلفل سیاه و سفید و دارفلفل و دارچینی و جاوشیر و جند بیدستر و فطراسالیون از هر یک چهار درم، زعفران و صبر از هر یک سه درم و نیم، کوفته و بیخته، با عسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند؛ شربت‌ی چهار مثقال.

ایارج فیکرا:

که مشهور است، به زبان یونانی فیکرا تلخ باشد؛ صنعت آن: سنبل و سلیخه و مصطکی و دارچینی و اسارون و حبّ بلسان و زعفران از هر یک جزوی، صبر دو وزن ادویه، شربت‌ی دو درم؛ و اطبا از برای هر بیماری در این ایارج تصرّفی کرده اند و چیزی درافزوده اند و چیزی به عوض چیزی نهاده اند: از برای خداوند صداع گرم و غثیان و قی به عوض زعفران گل سرخ نهاده اند و به عوض اسارون کبابه تا لطیف تر آید و فقاّح اذخر درافزایند تا سحج که از جهت صبر و قند به هم رسد باز دارد، و بعضی از جهت مردم محروور صبر مغسول کنند و بعضی ایارج به انگبین بسرشند و بعضی عصاره غافث درافزایند به جهت پاک کردن جگر، و بعضی اسطوخودوس به جهت پاک کردن دماغ، و بعضی قرنفل و بسباسه و جوز به جهت اخلاط غلیظ، و در

چند جای به کار رود، نافع باشد.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۳

باب دوازدهم در شیافات

شیاف دمج:

سبل و جرب کهن و سلاق و سوختن چشم و سفیده و موی فزونی را زایل کند؛ صنعت آن: صمغ عربی و کتیرا و گلنار و اسفیداج ارزیز و مژ و صبر و زنگار و زرنیخ سرخ و قلقطار سوخته و مس سوخته و دارفلفل و فلفل سفید و سیاه و شادنج عدسی و نشاسته و زردچوبه و سکر العشر از هریک درمی، انزروت درمی و نیم، دم الاخوین و اقاچیا از هریک نیم درم، توتیا و حضض و مازوی سوخته از هریک چهار دانگ، تمام سوده، نیم درم بیرزد با آب سداب حل کنند و قدری ترشی ترنج و داروها به آن بسرشند.

شیاف اخضر:

که سبل و جرب و سفیده بردارد؛ صنعت آن: زنگار سه مثقال، قلیمیا و اشق و صمغ و اسفیداج از هریک دو درم، نرم سوده به آب سداب بسرشند، صمغ و اشق اول حل کنند.

شیاف احمر:

سلاق و آخر رمد را سود دارد؛ صنعت آن: شادنج مغسول ده درم، مس سوخته هشت درم، بسد و مروارید و سادج از هریک چهار درم، صمغ عربی و کتیرا و مژ از هریک یک درم، به شراب انگوری بسرشند و شیاف سازند.

شیافی:

که جرب و سبل و کمنه را ببرد؛ صنعت آن: شادنج عدسی مغسول شش درم، صمغ عربی پنج درم، مس سوخته دو درم، افیون نیم درم، صبر نیم درم، زنگار دو درم و نیم، زعفران و مژ از هریک دانگی و نیم، نرم بسایند و به شراب کهن بسرشند.

شیاف اسود:

بادها تحلیل کند و آماس طبقه ملتحمه زایل کند؛ صنعت آن: مس سوخته یک درم و نیم، زعفران نیم درم، مروارید و بسد از هریک یک درم، افیون درمی و نیم، اقاچیا پنج درم، شیاف مامیثا نیم درم به آب باران بسرشند و طلا کردن و کشیدن شاید.

شیاف ابیض:

ریش های چشم را سود دهد؛ صنعت آن: اسفیداج هشت درم، افیون و انزروت و کتیرا از هریک یک درم، صمغ عربی چهار درم، کندر نیم درم به آب باران بسرشند

و شیاف سازند.

شیاف روشنایی:

توتیای هندی و قلیمیای ارزیز و مروارید از هریک دانگی.

شیاف:

مخصوص است به منفعت جرب؛ صنعت آن: قلیمیا و قلقطار از هریک دو درم، زعفران یک درم، فلفل دو درم، زرنیخ سرخ یک درم و نیم، نوشادر نیم درم، صمغ عربی ده درم؛ به شراب کهن بسرشند، شیاف سازند.

شیاف سماق:

که جرب و خارش و سوزش و برهم گرفتن پلک و بیرون خواستن چشم را سود دهد؛ صنعت آن: سماق به آب باران بپزند و پالایند و باز بجوشانند تا سبز شود و سفیداج به قدر حاجت به آب غوره بمالند و به کار دارند.

شیاف برء یوما:

که ماده از چشم باز دارد و ضربان و خلیدن بنشانند و زحمت چشم در روز به اعتدال و درستی؛ صنعت آن: شیاف مامیثا و انزروت از هریک هشت درم، زعفران دو درم، کتیرا یک درم، افیون نیم درم، به آب باران بسرشند و شیاف سازند، به وقت حاجت به سفیده تخم مرغ حل کنند و به کار دارند.

شیافی:

که همین خواص دارد: برگ گل سرخ تازه پانزده درم، زعفران هفت درم و نیم، افیون و سنبل از هریک دو درم، صمغ عربی هشت درم، نرم سوده به آب باران بسرشند.

شیاف احمر، نوع دیگر:

درد چشم گرم و ظفره را ببرد؛ صنعت آن: قلیمیای زر و مس سوخته از هریک دو درم، دم الاخوین و بسید و مروارید از هریک چهار درم، کتیرا و مرّ و زعفران و نشاسته و زردچوبه و اقاچیا از هریک دو دانگ، زرنیخ سرخ و قند سفید از هریک نیم درم، ساییده، به آب باران بسرشند.

شیاف طوقی:

بادها را بشکند و آماس را زایل کند؛ صنعت آن: مس سوخته سه درم، اقاچیا دو درم، کتیرا و صمغ عربی و زعفران و سنبل از

هریک درمی، نرم سوده به آب باران بسرشند.

شیاف دینارگون:

سبل رقیق بردارد؛ صنعت آن: زردچوبه و شادنج و صبر مغسول و شیاف مامیثا مساوی کوفته، به آب باران بسرشند و شیاف سازند.

شیافی:

که ریش هایی که بر طبقه ملتحمه افتد، سود دارد؛ صنعت آن: قلیمیی زر و اسفیداج ارزیز و مس سوخته و سرمه اصفهانی و صمغ عربی و کتیرا و سرب سوخته مغسول از هریک هشت درم، مَرّ صافی و افیون از هریک درمی، نرم بسایند و به آب باران بسرشند.

شیاف مراات:

زهره کلنگ و زهره باز و زهره انسان و زهره بز و زهره عقاب و زهره

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۵

شیوط و زهره کبک مساوی، از هر ده درم از این زهره ها دو درم فرفیون و یک درم تخم حنظل و یک درم سکینج، همه در آب بادیان بسایند و بسرشند و شیاف سازند.

شیاف مسهل:

که قولنج بگشاید؛ صنعت آن: سکینج و مقل و جاوشیر و اشق و نمک هندی و تخم حنظل و بوره و تربد و حبّ الثیل و سقمونیا مساوی، صمغ ها به آب سداب حل کنند و داروها به آن بسرشند.

شیاف زحیر:

که درد بی قرار بنشانند: زعفران و حضض و کندر و مَرّ از هریک دو درم، افیون یک درم و نیم، کوفته.

نوع دیگر: صمغ عربی و دم الاخوین و کندر و زعفران و مَرّ و افیون و میعه، مساوی کوفته، شیاف سازند مثل دانه عبیر یا بزرگتر.

شیافی:

که درد پشت که از سردی بود [سود دارد][۸۹]؛ صنعت آن: سکینج و مقل و اشق و جاوشیر و زنجبیل و سورنجان و شقاقل و تخم حنظل و تخم کرفس و تخم بادیان و انیسون و نمک هندی و انزروت و جند بیدستر و زرنباد و قسط و سعد و ماهی زهره

و سداب خشک، مساوی کوفته، با صمغ‌ها به آب سداب حل کنند و داروها به آن بسرشند.

شیافی:

که حیض باز دارد؛ صنعت آن: سرمه و گلنار و تنکار زرگران، مساوی به آب مورد تازه بسرشند و پشم پاره ای به آن آلوده کنند و بردارند؛ و اگر اقاویا و مازو و شبّ یمانی در افزایشند، بهتر باشد.

شیافی:

که حیض بسته بگشاید؛ صنعت آن: مَرّ صافی و فودنه کوهی از هریک چهار درم، مویز منقّی دو درم، کوفته، به زهره گاو بسرشند.

شیافی:

که بچه مرده بیرون آورد؛ صنعت آن: مَرّ و جاوشیر و خربق سفید، مساوی به زهره گاو بسرشند.

شیاف خیار چنبر:

که مسهل صفرا و بلغم بود: بنفشه دو درم، خطمی سه درم، سنای مکی پنج درم، نمک هندی یک درم، عسل خیار چنبر ده درم، شکر طبرزد ده درم بسرشند و شیاف سازند.

شیاف کنگری:

تخم حنظل و بوره ارمنی از هریک پنج درم، کنگر سی درم، خطمی بیست درم، کوفته، با پنجاه درم شکر سرخ بسرشند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۶

شیاف علایی:

توتیا پنج درم، زنجبیل پنج درم، پوست هلیله زرد ده درم، حضض پنج [درم] [۹۰]، زعفران یک درم، صمغ عربی ده درم، مامیران دو درم، توتیای هندی سه درم، سحق کرده به گلاب شیاف سازند، نافع بود.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۷

باب سیزدهم در سعوطات و نطولات

سعوطی:

که خداوند دماغ گرم و خشک را سود دارد؛ صنعت آن: آب کاهو و روغن نیلوفر مساوی با دو مقدار شیر زنان می آمیزند و

به بینی چکانند و برکشند.

سعوپی:

که درد سر گرم را سود دارد؛ صنعت آن: روغن بادام تلخ و روغن زردآلوی تلخ و آب مرزنگوش بیامیزند و به کار دارند.

طلای صداع و سرسام گرم را:

بگیرند صندل سرخ و سفید و نیلوفر و گل سرخ و تخم کاهو از هریک سه درم، افیون و بیخ تفّاح از هریک یک مثقال، زعفران یک درم، مامیثا دو درم، کوفته و بیخته، به آب کاهو بسرشند و قرص سازند و در وقت حاجت به گلاب بسایند و طلا کنند.

نوع دیگر: بنفشه و بابونه و شبت و سیوس گندم و تخم خطمی و تخم کتان و آرد جو و حله و آرد گندم مساوی بجوشانند تا سبز شود و طلا کنند.

ضمادی:

که آماس معده را سود دهد؛ صنعت آن: بنفشه و آرد حله از هریک پنج درم، گل سرخ سه درم، مصطکی و سنبل از هریک دو درم، خطمی و آرد جو از هریک چهار درم، سعد و اذخر و قصب الذریره از هریک دو درم، کوفته و بیخته، به لعاب کتان بسرشند و بر معده طلا کنند.

ضمادی که هیضه باز دارد:

آرد جو و آب مورد تازه طلا کنند.

نوع دیگر: نان خشک کوفته با سرکه طلا کنند.

نوع دیگر: افاقیا و پوست انار ترش و عصاره لحيه التیس از هریک پنج درم، سماق و پوست جو از هریک ده درم، در آب مورد و به و سیب بسرشند.

ضمادی که جگر گرم را سود دهد:

صندل سفید و بنفشه و بیخ خطمی و نیلوفر و آرد جو از هریک سه درم، زعفران و کافور از هریک نیم درم، موم سه درم، روغن گل چندان که

خواص الأشياء، متن، ص: ۹۸

کفاف باشد.

ضمادی:

که معده و جگر ضعیف را مفید بود و اسهال کبدی باز دارد؛ صنعت آن: علك [۹۱] بغدادی چهار درم، مصطکی و افسنتین و کندر از هریک دو درم، مژ و صبر و قصب الدّریره و عود و افاقیا از هریک درمی، لادن دو درم، آبی پاک کرده در شراب بیخته ده درم، خرما قصب پنجاه عدد، موم روغن گل چندان که کفاف باشد.

ضمادی:

که سپرز بگدازد؛ صنعت آن: اشق در سرکه خوسانند و پشک گوسفند بسایند و در آن بسرشند.

نوع دیگر: خاکستر گلخن و پشک برگرفته در سرکه بسرشند و طلا کنند.

نوع دیگر: مژ و اشق و کندر مساوی به سرکه بسرشند و طلا کنند.

[نوع دیگر] [۹۲]؛ صنعت آن: اشق و انجیر سیاه در سرکه خوسانند و سداب خشک کوفته در آن بسرشند و طلا کنند.

ضمادی:

که خداوند استسقا و قی را سود دارد؛ صنعت آن: شیرم و تخم حنظل و حبّ النّیل و سقمونیا و صبر و میعه و بیخ خطمی از هریک دو درم، تربد و مقل و بیخ سوسن آسمانگون و سرگین گاو از هریک پانزده درم، زهره گاو و قناء الحمار و مویزج و صمغ صنوبر و پوست بیخ کبر از هریک ده درم، قردمانا و حماما و فرفیون و بوره و نمک اندرانی از هریک پنج درم، پیه مرغ خانگی و پیه بط از هریک ده درم، موم بیست درم، روغن کنجد چندان که کفایت باشد.

ضمادی:

که اسهال صفراوی باز دارد؛ صنعت آن: برگ مورد و برگ سیب و برگ گل سرخ و گلنار و برگ صندل سفید و مازو و سنگ و رامک و لادن و سماق و افاقیا و حضض مساوی کوفته به آب به در سر معده طلا [کنند] [۹۳].

طلای صداع:

صندل سفید و سرخ و انزروت از [هریک] [۹۴] درمی، افیون دو دانگ، به آب گشنیز تازه بسرشند و طلا کنند.

ضمادی:

که در ابتدای سرسام به کار دارند؛ صنعت آن: روغن گل و گلاب از هریک ده

خواص الأشیاء، متن، ص: ۹۹

درم، خلّ الخمر پنج درم، بیامیزند و روز اوّل به کار دارند، روز دوم و روز سوم سرکه عنصل کنند و قدری جند بیدستر.

ضمادی:

که در بیماری حازه وقت هذیان به کار دارند؛ صنعت آن: آرد جو ده درم، و سبوس گندم پنج درم، خطمی و بنفشه از هریک هفت درم، کوفته و بیخته، به آب برگ بید و روغن گل و سرکه ضماد کنند و اگر برگ بید نباشد عرق بید کنند.

طلای صداع:

مازو و گلنار و اقاویا و سنگ از هریک جزوی، صبر و زعفران از هریک نیم جزو، با گلاب بسرشند و بر صدغ و پیشانی طلا کنند.

ضمادی:

که معده ضعیف را قوت دهد؛ صنعت آن: لادن و افسنتین و مصطکی از هریک جزوی، صبر دو جزو، خرما قصب و گل سرخ از هریک جزوی و بیست درم آبی در شراب بیخته کنند و در یکدیگر بسرشند و ضماد کنند در معده زمانی که خالی باشد.

ضماد صداعی:

که از زخمی تولد کند؛ صنعت آن: مورد و برگ سرو بیزند و بکوبند نرم، اکلیل الملک و قصب الذریره و شب یمانی و گل ارمنی کوفته و بیخته و قدری لادن در روغن سوسن گداخته، همه با یکدیگر آمیخته کنند و طلا کنند.

دوای حبّ القرع:

وظیفه آن که سه روز، هر روز صباح شیر گوسفند چهار یکی، شکر سرخ ده مثقال باز خورد. غذا نخورد آب و مرغ فربه، روز چهارم این داروها کوفته و بیخته و بر سر شیر شکر کنند و بنوشند؛ صنعت آن: تربد یک درم ترمس یک درم، قنبیل سرخس نیم درم، برنک کابلی مقشّر نیم درم، حبّ الثیل نیم درم، مقل ازرق از هریک دانگی، به دستوری که قلمی شد به عمل آورند، میانه روز قدری سرکه کهن به آب گرم از عقب داروها به همان دستور بخورند. تربد یک درم، ترمس یک درم، قنبیل یک درم، سرخس یک درم، برنک کابلی مقشّر یک درم، حبّ الثیل نیم درم، قسط تلخ نیم درم، نارجیل کهن یک درم، کوفته و بیخته بر سرشیر شکر باز خورد و بعد از آن قدری کشک و سیر بلیسد، امید که نافع بود.

ضمادی:

که درد ذات الجنب را بنشانند، ناف و تهیگاه و کمرگاه را و پهلو بدان طلا کنند؛ صنعت آن: بنفشه دو درم، خطمی و حلبه کوفته و قدری روغن بنفشه به یکدیگر بیزند و طلا کنند.

طلای نفرس:

مغاث و خطمی و آرد جو و تخم مژ و سورنجان و زرده تخم مرغ و روغن گل مساوی، اگر ماده صفراوی و رطوبت بود

حضض و صبر و مرّ و صندل و مامیثا و زعفران از

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۰

هریک دو جزو، کرنب پخته چهار جزو، به آب عنب الثعلب بسرشند؛ و اگر ماده بلغمی بود، بابونه و اکلیل الملک و حلبه و تخم کتان و هزار اسفند و برگ کرنب و مغاث و علك البطم مساوی با میفختج بسرشند؛ و اگر مقل و اشق و جاوشیر و پیه مرغ و مغز ساق گاو و پیه گرده بز و روغن گاو و انگبین و سرکه قدری موم روغن سازند، مفید بود.

طلایی که قضیب را قوت دهد:

عاققرحا و مویزج و فرفیون و مشک سوده، با روغن یاسمین بمالند.

طلای برص و بهق و کلف:

صابون رقی بیست درم، و سیماب چهار درم، گوگرد ده درم، ریوند چینی، جمله کوفته و بیخته و سیماب کشته با عرق بید بمالند.

طلای داء الثعلب:

فرفیون و خردل و حبّ الغار از هر یک شش درم، گوگرد و خریق سفید از هر یک دو درم، به روغن زیت طلا کنند.

طلایی که ریختن موی نگاه دارد:

لادن و پر سیاوشان و افسنتین و حبّ الغار، کوفته و بیخته، بپزند و قدری مورد به رویش ریزند و در محلی که موی برمی آید، بمالند.

طلای ریش سر اطفال:

خبث الفضة و مرداسنگ و اسفیداج از هر یک چهار درم، گلنار و دم الاخوین و قنبیل و حنا از هر یک دو درم، زراوند طویل و مغز بادام تلخ سوخته از هر یک درمی، نرم سوده و به سرکه تر کنند و به روغن گل حل کنند و بمالند. اگر قدری زردچوبه اضافه کنند، بهتر باشد.

طلای گر و خارش:

سیماب کشته پنج درم، کندش دو درم، زراوند طویل هفت درم، در یکدیگر می آمیزند و به روغن گل حل کنند و سه روز بمالند.

نوع دیگر: مغز زردآلوی تلخ و تخم ریواس از هر یک بیست درم، نمک طعام دو درم، سیماب کشته دو درم، به سرکه تر کنند

و مقدار پنج درم در چغرات به حمام برند و بر خود مالند.

نوع دیگر: کندش دو درم، زراوند طویل چهار درم، خبث الفضة پانزده درم، زردچوبه سه درم، سیماب کشته دو درم، به سرکه و روغن گل در حمام در خود بمالند.

نوع دیگر: تخم حنظل بجوشانند و در خود مالند.

نوع دیگر: مویزج و زرنیخ و سیماب کشته مساوی کوفته، به روغن زیت طلا کنند، دو شب و روز دیگر به حمام روند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۰۱

طلای:

بهق و برص سفید و سیاه؛ صنعت آن: فوه و کندش و شیطرچ و خردل و ترب و مازریون و تخم حنظل و خربق سفید و مویزج و سقمونیا از هریک جزوی، شقایق دو جزو، کوفته به سرکه طلا کنند.

نوع دیگر: شیطرچ و فوه و نیل و شب یمانی و گل سرخ کوفته، به سرکه طلا کنند.

طلای کلف:

تخم ترب و تخم خربزه و آرد باقلا به سرکه تر کنند و قسط و مغز بادام تلخ و کتیرا و اکلیل الملک، مساوی کوفته، به سرکه حل کرده، طلا کنند.

طلایی که اثر زخم که بر پوست باشد ببرد:

تخم ترب و زرنیخ و سنگ و فلفل از هر یک سه درم، کندر درمی، به آب گشنیز تازه طلا کنند.

ضمادی دیگر:

کوفتگی و آزردهگی را سود دهد؛ صنعت آن: مغاث مقشّر و ماش از هریک ده درم، افاقیا و صبر و گل ارمنی از هریک سه درم، آرد ده درم، به گلاب و آب مورد طلا کنند.

طلایی: که آسیب معده و جگر را نافع بود؛

صنعت آن: ماش مقشّر و لادن و گل ارمنی از هر یک ده درم، صبر و مرداسنگ و زعفران از هریک سه درم، به گلاب و آب مورد بسرشند و طلا کنند.

نوع دیگر: سیب شیرین در شیب آتش پخته کنند پنجاه درم، گل سرخ ده درم، افاقیا و برگ مورد و سنبل از هریک پنج درم، مصطکی و جوز سرو و صبر از هریک درمی، به گلاب بسرشند، و اگر حرارت باشد ده درم آرد جو، نیم درم کافور، نیم درم

زعفران اضافه کنند.

ضمادی: که همه دردها تحلیل کند؛

صنعت آن: موم نو یک جزو روغن شبت شش جزو، در یکدیگر بگدازند و قدری بابونه در آن بسرشند.

ضمادی: که مادّه را از موضع آمدن باز دارد؛

صنعت آن: صندل سرخ و شیاف مامیثا و فوفل و اقاچیا به آب عنب الثعلب طلا کنند.

ضمادی: که دفع گزیدن جانوران زهرناک بکند؛

صنعت آن: جند بیدستر و سکینج و گوگرد و حلیث و سرگین کبوتر و فودنه دشتی و مشکطرامشیع، مساوی به روغن زیت طلا کنند.

ضمادی: که درد بواسیر بنشانند؛

صنعت آن: مقل و مغز زردآلوی تلخ و میعه و زردچوبه و کوهان اشتر و مغز ساق گاو و زرده تخم مرغ و روغنی که پیاز در آن جوشیده باشد، در یکدیگر طلا کنند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۲

طلایی: که آماس بواسیر بنشانند؛

صنعت آن: بابونه و اکلیل الملک از هریک بیست درم بجوشانند، زرده تخم مرغ دو عدد، زعفران و افیون از هریک نیم درم، تخم کتان و حله و خطمی از هریک هشت درم، مقل سه درم در یکدیگر آمیخته، برگ چغندر به روغن پیه مرغ چرب کنند و ضمادی به روی آن می کنند و به موضع درد می نهند.

ضمادی: که آماس قضیب و خایه که از گرمی باشد ببرد؛

صنعت آن: آرد جو و آرد عدس و آرد باقلا از هریک دو درم، عنب الثعلب و آب کاکنج و آب کاسنی و روغن گل و یک زرده تخم مرغ آمیخته کنند و طلا کنند.

نوع دیگر: آرد باقلا و آرد حله و زیره کرمانی با مویز منقی بکوبند و پیه بط و روغن بابونه و موم نو، موم روغن سازند و طلا کنند.

ضمادی: که بول خون باز دارد؛

صنعت آن: گل ارمنی و گل مختوم و صمغ عربی و تخم خرفه و کتیرا و گل سرخ و گلنار و شاخ بز کوهی سوخته و عصاره

لیحه التیس از هریک دو درم، مازو یک درم، کوفته به آب برگ مورد بسرشد و طلا کنند.

طلایی: که ترابیدن آب از قضیب و خارش که در خایه باشد،

زایل کند؛ صنعت آن: شیاف مامیثا و افاقیا از هریک یک درم و نیم، صبر و نوشادر از هریک چهار دانگ، زعفران دانگی، اشنان جامه شوی پنج درم، کوفته و بیخته با روغن یاسمین طلا کنند.

ضمادی: که خداوند فتق را سود دهد؛

صنعت آن: جوز سرو و سعد و برگ مورد و مرزنگوش و مازو و افاقیا و کندر و صمغ عربی و سداب خشک و مغاث و انزروت و گلنار و حضض و صبر و سریش و دم الاخوین و نانخواه و حب الغار کوفته و بیخته به سریش ماهی یا به آب صمغ بسرشد و بسته دارند تا خود بیفتد. کودکان را مقل و مرّ به سرکه حل کنند و ببندند.

ضمادی: که آماس پستان را سود دهد؛

صنعت آن: نان گندم خشک کوفته و آرد جو و آرد باقلا و حلبه و خطمی کوفته از هریک جزوی، زعفران نیم جزو به زرده تخم مرغ بسرشد.

ضمادی: که شیر زنان کمتر کند؛

صنعت آن: اکلیل الملک کوفته و آرد جو و آرد باقلا و فودنه و سداب خشک کوفته، به درد سرکه بسرشد.

ضمادی: که نگذارد که پستان بزرگ شود؛

صنعت آن: کندر و ودع سوخته از هریک جزوی، آرد جو دو جزو به سرکه بسرشد و در ماهی سه یوم همچنین طلا کنند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۰۳

ضمادی: که اختناق رحم زایل کند؛

صنعت آن: علك رومی و علك البطم و سنبل از هریک دو درم، فلفل و سلیخه و فودنه از هریک پنج درم، اکلیل الملک پنج مثقال، روغن شبت و روغن سوسن از هریک بیست درم، شاهدانه و عاقرقرا از هریک هفت درم، داروها کوفته و علك دو تا در روغن بگدازند و در یکدیگر بسرشد و شکم و ناف و کمرگاه بدان طلا کنند.

نطول: که خداوند سرسام گرم را و کسی که خواب نیاید، مفید بود؛

صنعت آن: تخم کاهو و بنفشه از هریک پنج درم، پوست خشخاش و گل سرخ و نیلوفر و تراشه کدوی تازه و بابونه از هریک سه درم، در آب بپزند تا به نیمه آید و سر به بخار آن بدارند.

نطول صداع:

بابونه رومی و اکلیل الملک از هریک ده درم، شبت و مرزنگوش از هریک شش درم، بیزند و سر به بخار آن بدارند.

نطول دیوانگان:

بنفشه تازه و بنفشه خشک و نیلوفر و تخم خطمی و برگ بید و کشک جو و برگ کاهو و تراشه کدوی تازه و برگ عنب الثعلب و برگ خبازی و برگ بزرگقوننا مساوی، سپستان فربه هشتاد عدد، خشخاش سفید و بابونه و گل سفید جملگی پخته کنند و یک وقیه روغن بنفشه به رویش ریزند؛ آن زمان که پالوده باشد، سر به بخار آن بدارند و بر سر می چکانند.

نطول صداع سودایی:

بنفشه و نیلوفر و بابونه و اکلیل الملک و برگ سوسن و بادرنجبویه و کشک جو و سادج هندی و قرنفل، جملگی مساوی، کوفتنی کوفته و بیخته و سر به بخار آن و سر به آن بشویند.

نطول صداع بادناک:

بابونه و اکلیل الملک و برگ کرفس و تخم بادیان و زیره و سعتر و مرزنگوش و شبت و سداب، جملگی بیزند و سر به بخار آن بدارند.

نطول صداع سرد و خشک:

سر و پاچه بره و بابونه و حله و اکلیل الملک و شبت نیک پخته کنند و سر به آن بدارند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۰۴

باب چهاردهم در داروهای متفرقه

دارویی که گنده بینی زایل کند:

مرّ و پوست انار ترش از هریک دو درم، بنگ و قصب الذریره از هریک چهار درم، قلقطار و قرنفل از هریک درمی و نیم، کوفته و بیخته فتیله در شراب تر کنند و به دارو فرو کنند و به بینی بنهند.

دارویی که ریش بینی گنده را سود دارد

؛ صنعت آن: زاج سبز و مرّ و شبّ یمانی و مازو و توبال و مس سوخته از هریک دو درم، زراوند سه درم، کندر پنج درم، جملگی کوفته و بیخته، در دو من آب بیزند و بیالایند و دیگر چندان بجوشانند تا به قوام انگبین آید و فتیله بدان آلوده می کنند و به بینی نهند.

دارویی که خون از بینی باز دارد:

صنعت آن: قرطاس سوخته و پوست تخم مرغ سوخته و افاقیا و مازوی سوخته و پوست انار ترش و کندر و صدف سوخته و شادنج مغسول و کافور، بیخته بر عصاره بادروج به بینی درکشند.

دارویی که سده بینی بگشاید

؛ صنعت آن: سبوس در سرکه بجوشانند و سر به آن دارند.

نوع دیگر، به جهت خون بینی: سرگین حمار یا گاو در زمان که بیندازد بفشارند و آب آن به بینی کشند.

نوع دیگر، که سده بگشاید: باقلا به سرکه تر کنند و در آتش کنند.

نوع دیگر: گل سرخ و شکر سرخ به آتش اندازند و سر به آن دارند.

دارویی که درد گوش برد:

افیون یک درم، شیاف ایض سه درم، روغن گل چهار درم، خلّ الخمر سه درم، در یکدیگر بمالند و قطره ای به گوش چکانند؛ و جوانان و شراب خواره را شاید، پیران را نشاید.

دارویی که ریم از گوش آمدن باز دارد:

انگبین هشت درم، خلّ الخمر هفت درم، زنگار دو درم، انگبین و سرکه بجوشانند تا به قوام آید و زنگار سوده بر آب نشانند و به فتیله آلوده در

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۵

گوش نهند.

دارویی که درد گوش ببرد:

زهره گاو تازه ده درم، روغن خیری پنج درم، در یکدیگر بجوشانند تا تری زهره ببرد و روغن بماند، قطره ای در گوش می چکانند.

دارویی که ریم از گوش پاک کند:

دم الاخوین و صبر و انزروت و مژ و کندر و خبث الحديد و زنگار از هریک دو درم، کوفته، فتیله به انگبین آلوده کنند و دارو به آن پاشند و در گوش نهند.

دارویی که گرانی گوش ببرد

صنعت آن: خردل ایض بکوبند و انجیر بشکافند و تخم عسل از وی دور کنند و بوره و قردمانا در آن بسرشند و به سان فتیله راست کنند و در گوش نهند.

نوع دیگر: تخم حنظل سه درم، بوره ارمنی یک درم، جند بیدستر و زراوند و افسنتین رومی از هریک یک درم و نیم، فرفیون و قسط از هریک یک درم کوفته به زهره گاو بسرشند و شیاف سازند. در وقت حاجت در روغن بادام تلخ حل کنند و به گوش چکانند.

دارویی که گرم گوش بکشد:

برگ شفتالوی تازه کوفته و فشارده و آب فودنه و آب ترب از هریک پنج درم، خربق سفید و بوره و سقمونیا و افسنتین و زراوند از هریک درمی، بدان آب ها بسرشند و خشک کنند و به وقت حاجت بسایند و به گوش چکانند.

دارویی که سفیدی که بر ناخن افتد، ببرد:

زرنیخ و شبّ یمانی و گوگرد از هریک یک جزو، زفت رومی دو جزو، زفت در سرکه و انگبین بگدازند و دارو به آن بسرشند و طلا کنند و ببندند.

دارویی که پوست ها که بر ناخن برخیزد، باز دارد:

صنعت آن: مصطکی سه درم، در روغن گل بگدازند و دو درم نمک به آن بیامیزند و بر آن موضع نهند و ببندند.

دارویی که گرانی و سستی زبان ببرد:

نشادر و فلفل و عاقرقرا و خردل ایض مساوی، کوفته و بیخته، هر روز چند بار به شیب زبان می مالد.

دارویی که دمیدگی دهان ببرد:

صنعت آن: طباشیر و تخم گل و لسان الحمل و هلیله زرد و گلنار و برگ زیتون و کزمازو و شبّ یمانی و شیاف مامیثا، کوفته و بیخته در دهان می افشانند.

دارویی که دهان سیاه شده باشد، پراکند:

برگ زیتون و اقاچیا از هریک ده درم، شبّ یمانی چهار درم، قلقطار چهار درم، بیخ سوسن سی درم، سعد هندی چهار درم، زعفران

درمی، کوفته و بیخته در دهان می افشانند.

نوع دیگر، که خون آمدن باز دارد: مَر و نشادر و بیخ سوسن و زرنیخ سرخ و عاقرقرا، مساوی کوفته، در بن دندان ریزند.

دارویی که دندان که سیاه شده باشد، بزدايد:

صنعت آن: قنبیل ده درم، فلفل سیاه چهار درم، حماما سه درم، سادج دو درم، مازوی بی سوراخ سوخته هشت درم، کوفته و بیخته در دندان می مالد.

سنونی: که دندان بزدايد و بوی دهان خوش کند و رطوبت ها از بن دندان ببرد:

صنعت آن:

زبد البحر دو درم، نمک بریان کرده دو درم، عود هندی سوخته پنج درم، جوی سوخته و سفال چینی و کزمازو و گلنار و عاقرقرا و قرنفل و سادج و سعد و گل سرخ و سماق از هر یک پنج درم، سعتر و زراوند طویل از هر یک سه درم، سک و حبّ الآس از هر یک چهار درم، کوفته و بیخته، در دندان نیک بمالند و روز دیگر به سرکه و گلاب می شویند.

دارویی: که بهق سیاه و سفید را مفید است:

صنعت آن: مروارید صلايه کنند و با سرکه می مالند.

اگر آب در گوش رفته باشد:

پياز و آب ترب در یکدیگر بجوشانند و در گوش می چکانند.

اگر ریگ مثانه باشد:

تخم ترب نیم کوفته با شیر بجوشانند و سه روز باز خورند.

اگر گوش سنگین باشد:

سیر نیم کوفته، در زهره گاو بجوشانند و در گوش چکانند.

اگر باد در خایه افتد:

چهل درم به آب پیاز و چهل درم سرکه آمیخته کنند و به سه نوبت بخورند، مفید بود.

زبد البحر مقدوح:

جفت و گلنار و جوز سرو و کاغذ سوخته کوفته بیفشانند.

نوع دیگر: سرمه و اقاقیا و مازو کوفته بیفشاند.

اگر آب چشم رود:

آب پیاز در چشم کشند.

اگر در گوش آماس باشد:

آب گشنیز و کافور در یکدیگر بسایند و به گوش چکانند.

اگر شکم آسیب بگیرد:

سیر پاک کرده در شیب شکم آسیب دود کند. اگر آسیب ریش شود، استخوان گاو سیاه بسوزانند و بسایند و بر او پاشند.

اگر کسی ریش باشد:

پوست انار و گشنیز خشک و مرّ و زردچوبه و هلیله سوخته بسایند با روغن گاو بمالند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۷

کسی را درد معده باشد:

سداب تازه با مویز سیاه بکوبند و در دندان گیرند درد ساکن شود.

اگر حیض بسته باشد:

سداب بجوشاند و یا پاره ای مویز سیاه بخورند گشاده شود.

کزدم گزیده باشد:

ترخون بجاوند و به سر زخم نهند درد کم شود.

نوع دیگر: برگ سداب با برگ انجیر با مغز جوز بکوبند و بخورند درد ساکن کند.

اگر کسی شب کور باشد:

آب سداب و آب گشنیز بجوشانند تا به نیمه آید و چند بار در چشم کشند نیک شود.

اگر کسی را سپرز باشد:

برگ سداب به آب سداب در سرکه بجوشانند و بر پهلو می اندازد که گداخته شود.

اگر سداب و روغن زیت در یکدیگر بجوشانند و با عسل بخورند مردی بیفزاید.

اگر شغلم پخته به ناشتا بخورند آواز نیک باشد.

داروی دیگر [۹۵]:

مَرّ و سِک و کف دریا و شفتربک سوخته و اشق سوخته و برنج با نمک می مالند، امید که مفید بود.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۸

باب پانزدهم در غرغره و داروی قی

غرغره ای که دماغ پاک کند:

عاققرحا و زنجبیل و دارفلفل و سعتر و خردل و زوفا و ایاره فیکرا مساوی به سرکه عنصل تر کنند و به آبکامه و قدری عسل غرغره کنند.

نوع دیگر: بیخ سوسن آسمانگون و مویزج و مرزنگوش و فودنه دشتی از هریک دو درم، نشادر سه درم و پوست بیخ کبر از هریک دو درم، انار دانه ترش بریان کرده ده درم، کوفته با سکنجبین عنصلی غرغره کنند. خداوند فالج و لقوه و صرع را سود دارد.

غرغره جهت آماس گرم:

آب عنب الثعلب و آب کاسنی و آب عدس به کار برند.

غرغره ای که فرود آمدن زکام باز دارد:

انار ترش و مازو و سماق مساوی کوفته و بیخته، در شیر گاو خوسانند یک شبانه روز و بیالیند و غرغره کنند.

غرغره فرود آمدن زکام که از تری باشد:

سماق پنج درم، شب یمانی بریان کرده سه درم، نمک طبرزد سه درم، گل سرخ و تخم گل از هریک دو درم، کوفته و بیخته با شراب خرنوب به کار دارند.

نوع دیگر، که در خناق گرم به کار آید: لسان الحمل و آب عنب الثعلب بیست درم، از هر [یک] [۹۶] یک وقیه، روغن گل نیم وقیه، غرغره کنند.

نوع دیگر: ربّ توت ده درم، فلوس خیار چنبر پنج درم، آب عنب الثعلب بیست درم به کار دارند.

نوع دیگر: خمیر ترش و آب انار حل کرده غرغره کنند.

نوع دیگر: خمیر ترش و آب خرفه و طبیخ سماق غرغره کنند.

غرغره ای که مادّه خنق باز دارد:

مرّ و شبّ یمانی و زعفران و گلنار و عاقرقرا و گل سرخ و مامیران و نشادر و بیخ سوسن و شیاف مامیثا و عصاره لحيه التيس و سماق و دارفلفل

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۰۹

و قصب الذريره و افاقيا و معصفر و پوست انار ترش، مساوی به آب توت به کار برند.

غرغره ای که مادّه آن سرد باشد:

تخم هزار اسفند و عاقرقرا و خردل ایض و تخم ترب و مرّ و حلتیث و نظرون و نشادر و فلفل و فودنه و رماد الخطاطیف، مساوی به انگبین غرغره کنند.

غرغره پزاینده:

شیره انجیر پنجاه درم، روغن گاو و انگبین از هریک ده درم، در آب گرم به کار دارند.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۱۰

باب شانزدهم در داروهای چشم

سرمه ای که دمعه باز دارد و خارش بنشانند:

توتیای مغسول کرده ده درم، هلیله و دارفلفل و صبر و زردچوبه از هریک پنج درم، کوفته و بیخته سحق کرده به کار دارند.

دارویی که خارش و خیرگی ببرد:

قلیمیای زر ده درم، مس سوخته پنج درم، اسفیداج و نمک اندرانی از هریک دو درم، نشادر و جعده و فلفل و زبد البحر و قرنفل و اشنه از هریک درمی، کوفته و سحق کرده به کار دارند.

نوع دیگر: فرود آمدن آب و دمعه باز دارد؛ صنعت آن: شادنج مغسول و سرمه و سادج و سرطان بحری و توتیا و مس سوخته و صبر و زعفران از هریک دو درم، فلفل و دارفلفل و نشادر از هریک درمی، کوفته و سحق کرده به کار دارند.

توتیای غوره:

که سلاق و مو و جرب و سبل را سود دهد؛ صنعت آن: توتیای کرمانی یک وقیه، زردچوبه نیم وقیه، هلیله زرد و زنجبیل از هریک پنج درم، دارفلفل و مامیران از هر یک دو درم و نیم، نمک هندی درمی، کوفته به آب غوره پیورند، چند روز دیگر خشک کنند و سحق کنند.

توتیایی که در علت وردینج سود دارد:

توتیای کرمانی و شنج سوخته از هریک ده درم، شکر طبرزد سفید پنج درم، کوفته و سحق کرده به کار دارند؛ و اگر به جای شکر، نبات کنند، بهتر باشد.

دارویی که در وردینج به کار دارند:

انزروت و نشاسته و صمغ عربی و نبات مساوی کوفته و سحق کرده به کار دارند.

کحل الجواهر:

سرمه اصفهانی و توتیای هندی از هریک ده درم، سرطان بحری و مروارید از هریک شش درم، مرقشیئا و مرجان و دهانه فرنگی و عقیق و شیخ سوخته و ذهب و فضّه و مامیران و فلفل ابیض و دارفلفل و اقلیمیا و روی سوخته و شادنج مغسول از هریک

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۱

چهار درم، یاقوت سرخ لاجورد و زعفران و توبال مس سوخته از هریک دو درم، سحق کرده به کار دارند.

توتیایی که وردینج را مفید بود:

نبات و نشاسته از هریک درمی، کف دریا نیم درم، به کار دارند.

ذرور نیمانیم:

که در همه انواع رمد سودایی سود دارد؛ صنعت آن: ذرور ملکایا که ذکر رفت نیم درم، ذرور اصفر که ذکر خواهد رفت نیم درم، با یکدیگر آمیخته به کار دارند.

ذرور اصفر:

انزروت هشت درم، شیاف مامیثای رهبانی دو درم، صبر و افتیمون و نشاسته و تخم گل از هریک نیم درم، زعفران سه درم، مَرّ صافی دانگی و نیم.

داروی مغسل:

به جهت علت جرب به کار دارند: صبر سوخته جزوی، نشادر نیم جزو، انگبین مصفی دو وزن.

داروی طر حماطیقان:

کمنه و جرب و سبل و استرخا را مفید باشد؛ صنعت آن: شادنج مغسول دوازده درم، زنگار پنج درم، فلقطار سوخته پنج درم، مس سوخته چهار درم، صمغ دو درم، افیون و زعفران از هریک درمی، با شراب کهن یا به آب بادیان بسرشند و شیاف کنند و در وقت حاجت به آب بادیان می مالند و می کشند.

داروی مغسل، نوع دیگر:

سرمه اصفهانی مغسول و قلیمیا و زراوند از هریک بیست درم، مس سوخته چهار درم، صبر دو درم، مَرّ و اقاچیا از هریک دو درم، افیون درمی، کوفته و بیخته، به سفیده تخم مرغ و قدری انگبین بسرشند و شیاف سازند. در وقت حاجت به شیر زنان بمالند و به کار دارند.

داروی ایض:

که در اول رمده به کار برند: قلیمای سیم و اسفیداج و صبر از هریک دو درم، گل ایض تازه شصت درم، نشاسته سی درم، افیون ده درم، کتیرا بیست درم، صمغ عربی چهل درم، کوفته و سحق کرده، به آب بادیان شیاف سازند تا به وقت حاجت به کار آید.

کحل اصفر:

که دمعه باز دارد: زعفران مثقالی، کافور نیم دانگ، نرم سوده به کار دارند.

نوع دیگر: که دمعه باز دارد و عضله های چشم را قوت دهد؛ صنعت آن: توتیا هشت درم، سرمه درمی، شادنج مغسول یک درم و نیم، قلیمای زر چهار درم، کوفته و سحق کرده، به آب هلیله زرد و آب غوره و آب سماق و قدری آب مورد بپزند و خشک کنند، دیگر بار سحق کنند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۲

باب هفدهم در مطبوخات

مطبوخ هلیله:

اسهال صفرا دفع کند؛ صنعت آن: هلیله زرد شش درم، خرماى هندی بیست درم، آلوی سیاه بیست عدد، عَناب بیست دانه، سپستان سی دانه، بنفشه سه درم، تخم کشوث دو درم، برگ عنب الثعلب دستجه ای، پخته و پالوده و پانزده درم مغز خیار چنبر و پانزده درم شیر خشت در آن حل کنند و بازخورند.

نوع دیگر، به جهت محرووران: هلیله سیاه و زرد از هریک پنج درم، بنفشه و گل سرخ از هریک پنج درم، عَناب و آلوی سیاه سی دانه، خرماى هندی پانزده درم، شیر خشت در آن حل کنند و بازخورند.

نوع دیگر: هلیله زرد شش درم، آلوی سیاه سی دانه، خرماى هندی بیست درم، شاهترج هفت درم، سپستان فربه، پخته و پالوده، پانزده درم شیر خشت در آن حل کنند و باز خورند.

نوع دیگر، به جهت معتدل مزاج: هلیله زرد و سیاه و کابلی از هریک پنج درم، بنفشه و گل سرخ از هریک پنج درم، شاهترج و سنای مکی و مویز منقی سی دانه، تخم کشوٹ و انیسون و بادیان از هریک دو درم، برگ کرفس و برگ عَناب و برگ عنب الثعلب از هریک پانزده درم، فلوس خیار چنبر

ده درم، غاریقون نیم درم، تربد نیم مثقال، سقمونیا نیم دانگ، ترکیب کنند و فرو برند و جلاب از عقب بازخورند.

نوع دیگر: سودا و بلغم را سود دارد؛ صنعت آن: هلیله سیاه و زرد و کابلی و بلیله از هریک سه درم، افسنتین چهار درم، اسطوخودوس سه درم، افسنتین هفت درم، سنای مکی پنج درم، آلوی سیاه و مویز منقی از هریک سی دانه، به جلاب بازخورند.

[نوع دیگر] [۹۷]:

غاریقون نیم درم، تخم حنظل و نمک هندی و صبر از هریک دانگی و نیم، حب سازند و فرو برند و جلاب از عقب بازخورند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۳

مطبوح افسنتین:

خداوند معده گرم و ضعف را سود دهد و معده را پاک کند؛ صنعت آن:

افسنتین رومی پنج درم، گل سرخ تازه دو مثقال، خرماي هندی بیست درم، ترنجبین در آن حل کنند، به یک درم ایاره فیکرا حب سازند و فرو برند و جلاب از عقب بازخورند.

مطبوح افسنتین:

خداوند مالخولیا و قوبا و جرب و بهق را سود دهد؛ صنعت آن: هلیله سیاه و کابلی از هریک پنج درم، بسفایج فستقی چهار درم، افسنتین هفت درم، سنای مکی پنج درم، اسطوخودوس پنج درم، تربد نیم درم، کوفته، سه درم لسان الثور و بادرنجبویه و غافت از هریک چهار درم، مویز منقی سی دانه، تخم فرنجمشک و انیسون از هریک دو درم، غاریقون یک درم، به پشت غربال بیزند و با قدری عسل بسرشند و سی درم شکر در جلاب حل کنند با غاریقون و بازخورند.

مطبوح خیار چنبر:

اخلاط سوخته فرود آورد؛ صنعت آن: هلیله زرد هفت درم، خرماي هندی پانزده درم، عناب و آلوی سیاه و مویز منقی از هریک سی دانه، گل سرخ و بنفشه سه درم، نعنا سه شاخ، پخته و پالوده، بیست درم فلوس خیار چنبر، پانزده درم شکر در آن حل کنند و بازخورند.

مطبوح سورنجان:

جهت درد مفاصل نافع بود: هلیله زرد و کابلی از هریک پنج درم، شاه ترج هفت درم، سنای مکی پنج درم، تخم کرفس و بادیان و انیسون و سورنجان و مصطکی و اسارون و بوزیدان و ماهی زهره از هریک دو درم، پخته و پالوده، سی درم ترنجبین

در آن حل کنند و بازخورند، ایاره فیکرا یک درم، تربد ایض چهار دانگ، غاریقون دو دانگ، حب سازند و فرو برند و جلاب از عقب بازخورند.

مطبوح قنطوریون:

قنطوریون باریک سه درم، تربد و بسفایج فستقی نیم کوفته از هر یک سه درم، مویز منقی چهل درم، پخته و پالوده، یک مثقال ایاره فیکرا فرو برند و جلاب از عقب بازخورند، [آب][۹۸] فرود آمدن از چشم باز دارد.

نقیح هلیله:

خداوند درد سرگرم را سود دهد؛ صنعت آن: هلیله زرد کوفته ده درم، آب آلوی سیاه صد درم، در هاون چندان بمالند که آب آلو قوت هلیله بستاند، و اگر به عوض آب آلو، خرما می هندی کنند، شاید؛ با بیست درم جلاب بازخورند.

نقیح الفواکه:

مسهل صفرا بود: هلیله زرد کوفته ده درم، آلوی سیاه بیست درم، سیستان

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۴

سی دانه، بنفشه پنج درم، فلوس خیار چنبر ده درم، همه در آب گرم خوسانند، روز دیگر بپالایند و بیست درم ترنجبین و ده درم شکر در آن حل کنند و بازخورند.

نقیح صبر:

خداوند درد سرگرم را مفید بود؛ صنعت آن: آب کاسنی هشتاد مثقال و چهار دانگ صبر در آن حل کنند و در شیشه کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم نهند، روز سیم بپالایند و بازخورند.

نوع دیگر: درد سر بلغمی را سود دهد؛ صنعت آن: سعد و افسنتین و ققاح اذخر و تخم کرفس و بادیان و نانخواه و زیره از هر یک کفی، در یک من و نیم آب بپزند تا به نیم من آید، بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و فرود آرند؛ شربتی سی درم باشد با سه درم روغن بید انجیر.

ماء الاصول:

خداوند فالج و لقوه و صرع را سود دهد و استسقا و سنگ کرده و مthane و مفاصل و سده جگر و سپرز را بگدازد؛ صنعت آن: پوست بیخ کرفس و پوست بیخ بادیان از هر یک ده درم، بیخ کبر پنج درم، تخم کرفس و انیسون و بادیان و بیخ اذخر از هر یک چهار درم، حب بلسان و اسارون از هر یک دو درم، عود بلسان و بوزیدان از هر یک سه درم، سلیخه سه درم، جنطیانا دو درم، هزار اسفند سه درم، مویز منقی بیست درم، در دو من آب بپزند تا باز یک من آید، بپالایند. شربتی یک وقیه با دو

درم روغن بید انجیر و پنج درم روغن بادام تلخ به کار دارند.

از جهت استسقا:

فَقَّاح اذخر و سنبل و غافث و کمافیطوس و کمادیوس و افسنتین رومی از هریک سه درم، زرشک ده درم درافزایند.

جهت صرع و فرود آمدن حیض:

زراوند طویل و مدحرج و قنطوریون باریک از هر یک سه درم درافزایند.

جهت سنگ گرده:

عنب الثعلب و پر سیاوشان از هریک چهار درم، تخم خربزه نیم درم، کوفته، دو درم انجیر خشک، ده عدد اسبغول و قنطوریون سه درم درافزایند.

از جهت نقرس:

پوست حنظل و شیطرج و قنطوریون و نانخواه و سورنجان و بوزیدان و ماهی زهره از هریک پنج درم درافزایند.

شراب اصول:

بسفایج نیم کوفته سه درم، بیخ مهک نیم درم، پوست بیخ رازیانه ده درم، پوست بیخ کبر پانزده درم، راسن نیم کوفته هفت درم، سیسالیوس پنج درم، عاقرقرا و

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۵

ایرسا و فوه و انیسون از هریک پنج مثقال، انجیر ایض بیست عدد، کشمش پنجاه درم، جمله را در ده رطل آب بپزند تا باز سه رطل آید. پس بمالند و بپالایند، ورق سداب و جعده و افیمون و اسطوخودوس و افسنتین و مشکطرامشع و فراسیون و بابونه و بادرنبویه از هر یک ده درم، تمام و خندیقون و فودنج از هریک پنج درم، پر سیاوشان بیست درم، در آب خوسانند و یک شبانه روز رها کنند. پس دو سه جوش بدهند و بپالایند و با مثل آن شکر سفید پنجاه درم و مغز فلوس خیار چنبر به قوام آورند. شربتی پانزده درم مفید باشد؛ الله أعلم.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۶

باب هجدهم در حقنه ها

حقنه نرم:

که ثقل خشک را فرود آورد؛ صنعت آن: انجیر ده عدد، بیخ سوسن نیم کوفته ده درم، سپستان سی دانه، کشک جو نیم کوفته

یک کف، بنفشه پنج درم، نیلوفر پنج درم، بابونه یک کف، در سه من آب بجوشانند تا باز یک من آید و بپالایند و یک وقیه لعاب اسفیوش و بیست درم روغن بنفشه و ده درم آبکامه و دو درم بوره ارمنی و بیست درم شکر سرخ و نیم درم نمک اضافه کنند و نیم گرم به سه نوبت عمل کنند.

حقنه:

که خداوند قولنج بلغمی را و خداوند درد پشت و سرین و بادهای غلیظ را مفید بود؛ صنعت آن: حله و تخم کتان و قنطوریون و بابونه خشک و خطمی از هریک یک کف، انجیر سه عدد، سبوس گندم دو کف، عَنَاب و سپستان از هریک سی دانه، برگ کلم و چغندر و سداب از هریک دستجه ای، سکینج و مقل و جاوشیر از هریک سه درم، مغز تخم معصفر کوفته بیست درم، پخته و پالوده، چنان چه رسم است، و یک درم نمک هندی، دو دانگ تخم حنظل و بیست درم آبکامه و بیست درم شکر سرخ، ترکیب کنند و به کار دارند.

حقنه تیز و تند:

قولنج که از بلغم سرد بود و باد غلیظ بگشاید؛ صنعت آن: تخم کرفس و تخم بادیان و انیسون و تخم شبت از هریک چهار درم، در دو من آب بپزند تا دو بهر برود و بپالایند و هفت درم بوره و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن شیره برافکنند و به کار برند.

حقنه تیز:

که خداوند سرسام سرد را سود دهد؛ صنعت آن: تخم حنظل و افیمون و بسفایح از هریک ده درم، پودنه کوهی یک کف، بپزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و روغن بابونه اضافه کنند.

حقنه:

که ریش روده و اسهال صفراوی را باز فرود آرد؛ صنعت آن: برگ خرفه و آب لسان الحمل از هریک دو وقیه، تخم مرغ یک عدد به روغن گل آمیخته، قرطاس سوخته یک درم، افاقیا نیم درم، دم الاخوین چهار دانگ، اسفیداج یک درم، کهربا و بسید و گل مختوم از هر

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۱۷

یک یک درم، بیامیزند و به کار برند.

حقنه:

که قروح امعا را و اسهال را سود دارد؛ صنعت آن: کشک جو و برنج شسته و پیه گرده بز از هریک پنج درم، اسپرزه [۹۹] پخته و پالوده، اسفیداج و نشاسته و افاقیا و گلنار از هر یک نیم درم، زعفران و شیاف ابیض از هریک یک درم، زرده تخم مرغ

یک عدد، به روغن گل حل کنند و در آن مطبوخ بیامیزند و به کار دارند، مفید باشد.

خواص الأشیاء، متن، ص: ۱۱۸

باب نوزدهم در روغن ها

روغن قسط:

فالج و لقوه را سود دارد؛ صنعت آن: قسط ده درم، فلفل سه درم، عاقرقرا چهار درم، فرفیون سه درم، جند بیدستر دو درم و نیم، مجموع کوفته در دو من آب بپزند تا باز نیم من آید و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند؛ و در نسخه دیگر سه درم سلیخه گفته اند.

روغن قسط بزرگ:

سودمند بود در معده و جگر سردی و مفاصل؛ صنعت آن: قرنفل ده درم، میعه و قصب الذریره و سنبل و سادج و بیخ سوسن و قرفه و اشنه و قسط از هریک بیست درم، سلیخه و راسن و عبثران [۱۰۰] و بلسان از هریک ده درم، مَرّ پنج درم، مجموع کوفته و بیخته، در سه من آب بپزند تا یک من آید و نیم من روغن کنجد اضافه کنند و بجوشانند تا باز آب رود و روغن بماند.

روغن قسط کوچک:

نافع بود سردی جگر و معده چون بیاشامند، محلی که موی رفته باشد بازآرد و چون طلا کند اعصاب محکم کند؛ صنعت آن: قسط تلخ صد درم، مربای جوز چهل مثقال، سلیخه شش درم و نیم، کوفته، در شراب کهن خوسانند یک شبانه روز، بجوشانند و بیالایند و سه چهار یک روغن زیت به رویش کنند و بجوشانند تا آب رود و روغن بماند.

روغن حبه السوداء:

فالج و لقوه و تشنج را سود دهد؛ صنعت آن: سیاه دانه و مغز بادام تلخ، مساوی کوفته و نرم کرده، مثال بادام، روغن از آن بکشند.

روغن افسنتین:

معده و همه اندام را قوت دهد؛ صنعت آن: روغن زیت با روغن بادام تلخ نیم من، افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم، در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب نهند.

روغن فرفیون:

همه دردی که از سردی بود زایل گرداند و فالج و استرخا را سود دهد؛

صنعت آن: قسط ده درم، جند بیدستر پنج درم، فودنه کوهی دوازده درم، عاقرقرا هفت درم، کندش چهل درم، مویز سه درم و نیم، جملگی در چهارصد درم شراب خوشانند تا دو بهر رود، نیم من روغن خیری اضافه کنند و بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند. پس در ده درم روغن دو درم فرفیون تازه درافکند و دو جوش بدهد و فرو گیرد.

روغن سوسن:

سردی و اختناق رحم را سود دهد و گرده و مئانه سرد را گرم کند؛ صنعت آن: سلیخه و قسط و حبّ بلسان از هریک ده درم، قرفه و قرنفل از هریک ده درم، مصطکی پنج درم، گل سوسن سی عدد زردی از وی جدا کرده و داروها کوفته در شیشه کنند با نیم من روغن کنجد و نزدیک آفتاب بنهند چهل روز.

روغن بید انجیر:

فالج و لقوه و سده جگر و سپرز و قولنج را سود دهد؛ صنعت آن:

نانخواه و سعت و فودنه و تخم کرفس و بادیان و انیسون و مصطکی و اسارون از هریک بیست درم، بیخ کرفس و بیخ بادیان و بیخ اذخر و بیخ سوسن و راسن از هریک پنج درم، سکینج و جاوشیر از هریک سه درم، زنجبیل و دارچینی و کبابه و قاقله و خیربوا و دارفلل و جوزبوا و بسباسه و شونیز و قسط و کرویا از هریک چهار درم، زرنباد و درونج عقربی از هریک سه درم، همه نیم کوفته بخوسانند یک شبانه روز، روز دیگر بجوشانند و بمانند و بپالایند و با صد و پنجاه درم روغن بید انجیر در دیگ کنند و بجوشانند تا روغن بماند.

روغن بید انجیر:

مسهل بلغم بود، اعصاب از رطوبت پاک کند و در حقنه ها استعمال کنند؛ صنعت آن: کنه تخم بریان کنند و خرد بکوبند و به آب می جوشانند و کف برمی دارند تا چندان که زرد و صافی بماند و آن آب بریزند و کف ها در دیگ کنند و بجوشانند که روغن صافی پیدا می شود.

روغن ترب:

مانند روغن زیت بود و گرم تر از روغن بید انجیر باشد، نافع بود درد گوش را که سبب آن سردی باشد؛ صنعت آن: ترب سه جزو، روغن کنجد یک جزو، به آتش نرم بجوشانند تا آب برود و روغن بماند.

روغن حسک:

عسر البول را عظیم نافع بود؛ صنعت آن: حسک ده درم، زنجبیل چهار درم، در یکدیگر نیم کوفته کنند و بجوشانند و بپالایند و یک چهار یک روغن کنجد به رویش کنند.

روغن کدو:

سرسام و مالیخولیا را نافع بود، بوییدن و مالیدن: کدوی تازه بستانند و پوست او بخراشند و آب آن بگیرند پنج من و یک من روغن کنجد اضافه کنند و بجوشانند تا آب

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۰

برود و روغن بماند.

روغن ریحان:

نافع بود در زانو و درد همه بندها مفید بود؛ صنعت آن: ریحان برگ کنند و بکوبند و آتش بگیرند سه جزو و یک جزو روغن کنجد اضافه کنند.

روغن شقایق: [۱۰۱]

خواص الأشياء؛ متن؛ ص ۱۲۰

ایق برگ کنند و در شیشه کنند و سرش بنهند و در آفتاب آویزند یک روز، روز دیگر روغن به رویش کنند و یک ماه رها کنند و روغن گل سرخ و گل سفید و بابونه و زنبق و خیری و نرگس و یاسمین و گل گنجشک و سداب و دیگر نباتات و ازهار بدین صورت گیرند.

روغنی که درد گوش که از گرمی بود، زایل گرداند:

روغن گل ده درم، روغن بادام پنج درم، خلّ الخمر سی درم، بیامیزند و به آتش بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند.

روغنی که درد گوش که از سردی بود، ببرد:

صبر و مرّ و مصطکی و حضض و جند بیدستر و زهره گاو از هریک درمی، کندر پنج درم، روغن بادام تلخ بیست درم، شراب کهن بیست درم، داروها نیم کوفته با روغن و شراب بجوشانند و با روغن بمانند.

روغن مصطکی:

سستی معده را سود دهد؛ صنعت آن: دیگی پر آب کنند و آتش در شیب آن کنند و در شیشه سنگ نیم من روغن زیت، بیست و پنج مثقال مصطکی کنند و در میان دیگ درآویزند، چندان که گداخته شود، نیم گرم در معده می مالند.

روغن مورد:

موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد، باز آید؛ صنعت آن: آب برگ مورد بگیرند با سه جزو روغن کنجد بجوشانند به آتش

آهسته تا نزدیک آن که آب برود و قدری لادن دراندازند تا بگدازد و فروگیرند.

روغنی که موی را نگاه دارد:

مازو و هلیله کابلی و برگ مورد از هریک جزوی، همه در شراب ریحان خوسانند یک شبانه روز، روز دیگر بجوشانند و صافی کنند و نیم چندان روغن کنجد برافکنند و بجوشانند تا نزدیک که شراب برود و روغن بماند و از هر نیم من روغن ده درم لادن برافکنند، چنان که رفت.

روغن آبی:

معه را قوت دهد و عرق آمدن باز دارد و اگر به کشکاب اندازند و بخورند نفع بینند و اسهال بازبندد؛ صنعت آن: آب به و آب مورد یک جزو، روغن گل یک جزو، بیامیزند و بجوشانند.

روغن مازیون:

که در استسقا به کار برند؛ صنعت آن: برگ مازو یک چهار یک در سه من

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۱

آب بجوشانند تا باز نیم من آید و یک چهار یک روغن بادام درافکنند و بجوشانند تا آب برود. شربتتی یک درم با شیر شتر اعرابی دهند.

روغن بنفشه:

سرد و تر بود، بر چرب مالیدن سود کند و صلابت مفاصل بنشانند و دفع بی خوابی کند؛ صنعت آن: مغز بادام شیرین که هیچ تلخ نباشد سفید کنند و نیمه کنند و خشک کنند و هر دو من بادام، یک من بید مشک دراندازند یک هفته و بعد از آن از بیدمشک جدا کنند و چهار نوبت بنفشه تازه که هیچ علف نباشد به رویش کنند و چند روز در شیب جامه خواب نهند و بعد از آن معلق در آویزند تا هشتاد روز بگذرد و روغن از او بکشند و بنفشه نگاه دارند که به کارها می آید.

روغن گل بادام:

معتدل بود در برودت و گویند سرد بود و سودمند بود حرارت دماغ را و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز بندد؛ صنعت آن: مغز بادام ایض کنند و خشک کنند و هر ده من بادام سه من برگ گل سرخ اضافه کنند و در کیسه کنند تا نیک بوی گل بگیرد و هر چند روز در دست می گردانند تا گل خراب نشود. روغن بادام را به دستوری که مشهور است، روغن حنا برگ یک چهار یک در دو من آب پزند تا باز نیم من آید و بپالیند و یک چهار یک روغن کنجد اضافه کنند و بجوشانند.

روغن سیب:

آفتابی گیرند.

روغن سورنجان:

مفاصل را سود دهد: گل سورنجان در شیشه کنند و روغن به رویش کنند و در آفتاب بیاویزند و اگر گل سورنجان نباشد بیست درم سورنجان و ده درم قصب الذریره، کوفته، یک شبانه روز بجوشانند و روز دیگر بجوشانند و بپالایند و یک چهار یک روغن کنجد اضافه کنند، چنان چه ذکر رفت؛ و اگر روغن گل بکنند، صواب باشد.

روغن کراث:

ناسور را گرم کند و بواسیر را مفید بود.

روغن آجر:

آب گندنا یک من، روغن کنجد نیم من، در یکدیگر بجوشانند و ده درم مقل اول در آب کنند تا حل شود و بعد از آن بجوشانند که آن را دهن المبارک خوانند و خواص بسیار دارد و گرم تر از نفت سفید بود و لطیف تر و هر امراضی که سبب آن سردی باشد، دفع کند و به جهت سمّ عقرب و کسی که افیون و بزر البنج خورده باشد سود دهد؛ صنعت آن:

بستانند آجر سرخ نو و بادام کنند و در میان آتش اندازند تا سرخ شود و به انبر بیرون می آورند و در میان روغن زیت اندازند. بعد از آن بیرون آورند و زمانی رها کنند تا روغن از

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۲

آن بپالایند و خرد کنند و در شیشه کنند که به گل حکمت گرفته باشند و سرش به موی اسب بگیرند، واژگونه در قلکی [۱۰۲] نهند و فحم نو در آنجا کنند و آتش کنند که به قدرت الله - تعالی - روغن از آن می چکد.

روغن جو و گندم و زرده تخم مرغ:

چنین گیرند: زرده تخم مرغ بریان کرده و در دست بمالند و هر ده زرده یک مثقال نوشادر سوده در آن پاشند و در شیشه کنند.

روغن لادن:

موی دراز کند و سیاه: سادج و حماما و حضض هریک پنج درم، لادن سه درم، آمله پنج درم، کوفته، در سه رطل آب بجوشانند تا باز نیم آید و با چهار یکی روغن کنجد بجوشانند و اول سه مرتبه به آب کنجد و چغندر می شویند و روغن می مالند.

روغنی که ناسور را به صلاح می آورد:

مغز ساق گاو و پیه مرغ و کوهان شتر و روغن گل مساوی در یکدیگر بگدازند و با قدری موم صافی در هاون کنند و با قدری افیون نیک نیک می مالند تا مرهم شود و به کار دارند، امید که نافع بود.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۳

باب بیستم در مرهم ها

مرهم شادنج:

جهت بواسیر و شقاق مقعد سود دارد؛ صنعت آن: روغن بنفشه و روغن گل بادام از هریک ده درم، عصاره لحيه التيس و طین رومی و طین ارمنی و شادنج مغسول از هریک سه درم، افیون نیم مثقال، موم ابيض پنج درم، زعفران درمی، سفیداج دو درم، موم با روغن ها بگدازند و افیون در شیر زنان خوشانند و در هاون نیک بمالند.

مرهم شحوم:

که همان خواص دارد؛ صنعت آن: پیه بط و پیه مرغ و پیه گرده و پیه کبوتر و مغز گاو و کوهان شتر مجموع بگدازند و روغن آن بردارند و قدری افیون و قدری خون کبوتر، که در هاون نیک بمالند.

مرهم کافور:

طریقیدن لب و مقعد و سوختگی و سوزش ناسور را سود دهد؛ صنعت آن:

مرداسنگ سفید و سفیداب ارزیز در روغن گل بگدازند و در هاون کنند با یک سفیده تخم مرغ و در یکدیگر بمالند.

مرهم داخلین:

آماس را نرم کند و ریش ها پخته کند؛ صنعت آن: مرداسنگ زرد پنج استیر چون سرمه ساینند، روغن زیت یک چهار یک در پاتيله کنند و مرداسنگ بجوشانند تا رنگ بگرداند و لعاب کتان و لعاب اسفیوش و اقاچیا و خطمی از هریک چهار درم، در پاتيله کنند بر سر روغن و مرداسنگ به آتش آهسته می جوشانند تا جملگی مهرا پذیرد و در هاون بمالند.

مرهم دشلیخی:

که به تازی مرهم الرسل گویند، این مرهم دوازده اجزا است، دوازده پیغمبر ساخته اند. آماس های سخت، نرم کند و خنازیر و ناسور را به صلاح آورد؛ صنعت آن:

مقل سه جزو، اشق پنج جزو، جاوشیر و اذخر و کندر سه جزو، مرّ و هیرزما [۱۰۳] از هریک دو جزو، موم صافی بیست جزو، مرداسنگ چهار جزو، ایرسا بیست و چهار جزو، زنگار دو

جزو، زراوند سه جزو، صمغ ها به سرکه حل کنند و بیزرد[۱۰۴] در صد و بیست و چهار جزو روغن زیت بگدازند و در هاون نیک بمالند.

مرهم باسلیقون:

آماس می راند و از ریم پاک کند و گوشت برویاند؛ صنعت آن: موم صافی بیست درم، زفت پانزده درم، مَر و راتیانه و علك البطم از هریک ده درم، روغن زیت شصت درم، و در نسخه دیگر مَر بیست درم و قدری پیه گاو آورده اند.

مرهم سرخ:

ریش های گرم که بر همه اندام برآید، سود دهد؛ صنعت آن: مرداسنگ زرد دو جزو، زردچوبه جزوی، به سرکه تر کنند و به روغن گل بسرشد و بمالند.

مرهم زنگار:

ریش های کهن خشک کند و گوشت فزونی بخورد؛ صنعت آن: زنگار دو درم، موم و علك البطم و راتیانه از هریک پنج درم، با روغن زیت بگدازند و بمالند.

مرهم رویاننده:

مرداسنگ وقیه ای، روغن زیت سه وقیه، کندر و پرز و دم الاخوین و انزروت، سوده، و باقی در روغن زیت بگدازند و در هاون بمالند.

مرهم سرنج:

در سرطان و خنازیر سود دهد؛ صنعت آن: مرداسنگ پنج درم، علك البطم و سرنج از هریک شش درم، در آن چه توان سحق کرد[۱۰۵] و آن چه نتوان کرد در روغن زیت یا روغن گل بگدازند و بمالند.

مرهم سیاه:

گوشت مرده ببرد و گوشت نو بیاورد؛ صنعت آن: مرداسنگ نیم رطل، روغن زیت نیم من، موم ربع رطلی، زفت بیست درم، علك البطم پنج درم، مقل پنج درم، زفت و علك بگدازند و مرداسنگ سوده درافکنند، و اما مقل باید خوسانید.

مرهم نوتیا:

ریش های قضیب و هر ریش که در اسافل بدن باشد، سود دهد؛ صنعت آن:

موم زرد بیست درم، روغن گل پنجاه درم، توتیا بیست درم، سوده، موم روغن بگدازند و توتیا بر آن افشانند.

مرهم سلطانی:

مرداسنگ و زردچوبه و انزروت و راتیانه و چشمک از هریک سه درم، صبر درمی و نیم، موم نو بیست درم، روغن چندان که کفاف باشد.

مرهم مصری:

به جهت ریش گوش که ریم آید، سود دهد؛ صنعت آن: سرکه هفت درم، انگبین هشت درم، بجوشانند تا سرکه برود و یک درم زنگار سوده در آن پاشند.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۵

مرهم سوختگی:

مرداسنگ و خبث الفضة و اسفیداج و اقلیمیا و آهک مغسول و روغن گل و سفیده تخم مرغ در یکدیگر بمالند، چنان چه رسم است؛ صنعت آن: زفت ده درم، انزروت دو درم، زنگار سه درم، زردچوبه مثقالی، موم چهار مثقال، روغن گوسفند پانزده درم، زهره گاو دو مثقال، مرهم سازند.

مرهم خل:

گوشت برویاند و ریش خشک کند؛ صنعت آن: مرداسنگ ده درم، کوفته و بیخته، با چهل درم پیه و روغن زیت و دو درم زردچوبه و اسفیداج پنج درم، توتیا پنج درم، نیک بمالند و مرهم سازند.

مرهمی که خانزیر نرم کند:

آرد باقلا- و جو و پیه بط و بیخ حنظل و بیخ سوسن و شب یمانی از هریک جزوی، زفت نیم جزو، زفت و پیه در روغن زیت بگدازند و داروها با آن حل کنند و مرهم سازند، امید که نافع باشد.

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۶

[باب بیست و یکم] [۱۰۶] اسامی مرگبات

اشاره

سکنجین، اشربه [۱۰۷]، لعوقات، مرئیات، جوارشات، معاجین، تریاقات، اطریفلات، مفرحات، اقراض، حبوبات، سفوفات، ایارجات، شیاف، طلاها، داروهای، غرغره، داروهای چشم، مطبوخات، روغن ها، مرهم ها.

صفت دواء الملوك:

که جهت سکندر رومی ساخته اند: بگیرند پوست هلیله و بلبله و آمله و هلیله سیاه از هر یکی سی و شش مثقال، سیاه دانه بیست و چهار مثقال، فلفل گرد و فلفل دراز و پللمویه و زنجبیل از هر یک دوازده مثقال، کبابه چینی و بلاد سر از وی دور کرده از هر یکی شش مثقال، نارمشک و قاقله صغار و مشک زمین از هر یکی جدا جدا دو مثقال بکوبند، بیاورند سیصد مثقال فانید یعنی شکر سفید خوب و در دیگ رویین یا سنگین کنند و قدری آب بر آن ریزند و در زیر آن آتش نرم کنند، چنان که شکر بگدازد و بعد از آن داروها را کوفته و بیخته در وی اندازند و خوب بیامیزند و به عدد روزها از سال هر روز بامداد به ناشتا از آن یک غلولة بخورد و قدری آب شیر گرم از پس آن بخورد؛ و هر که بر خوردن این معجون مداومت نماید در ماه اول موی سفید شده او اعادت کند که سیاه شود و آنچه سیاه باشد سفید نشود؛ و در ماه دوم روشنایی چشم او زیاد شود؛ و در ماه سیم زبان او در فصاحت زیاد شود و در هر عضو او که خللی [باشد] [۱۰۸] به اصلاح آید؛ و در ماه چهارم رگ های او گشاده گردد و گوشت او سخت شود و درد شانه به اصلاح آورد؛ و در ماه پنجم به کلی غم اندوه از دل برود و عیش خوش گردد؛ و در

ماه ششم عقل او زیادت کند و حفظ او زیادت گردد؛ و در ماه هفتم علت بواسیر و جذام و نقرس و برص از او برود؛ و در ماه هشتم دنبیل ها و باد که در تن او باشد به کلی دفع شود؛ و در ماه نهم هرچه بشنود یاد گیرد و فراموش

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۷

شده باز خاطر آید؛ و در ماه دهم جمله دردها از اعضای او برود؛ و در ماه یازدهم اخلاط جنون و دیوانگی از او دفع شود، و اگر او را صد کنیزک باشد به یک هفته به همه تواند رسید، و چشم او مثل ستاره بود و افروخته گردد؛ و فایده این معجون نهایت ندارد؛ و الله أعلم.

اگر خواهد که موی سفید سیاه شود، بیاورد پوست آمله و هلیله و بلیله و قند برابر بساید و با قند غلوه کند هر روز مقدار درمی بخورد تا سه هفته تمام موی سفید سیاه گردد، به اذن الله تعالی.

ترکیب فخر السرور:

لفل یک سیر، دارلفل یک سیر، دارچین یک سیر، زنجبیل یک سیر، سادج یک سیر، زعفران یک سیر، مصطکی یک سیر، مشک سه غلوه، نارجیل یک سیر، چوب فرنگ ده سیر، سنبل [۱۰۹] یک من.

[تمت] [۱۱۰].

خواص الأشياء، متن، ص: ۱۲۸

[۱۱۱]

----- [۱] (۱) .

به گفته جورج سارتن (مدخل، ج ۱، ص ۴۷۹) رساله قابلگی پل مفقود شده و این که مؤلف کتاب لقب «القوابل» [ماماها] را برای حنین آورده است با ترکیب زبان عربی سازگار نیست. القوابل به این صورت نمی تواند نام شخص باشد، شاید نام کتابی بوده است. [۲] (۲) . انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، دلیسی اولیری، ترجمه احمد آرام،

ج ۲، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶، صص ۵۸-۵۵. [۳] (۱). برای اطلاع بیشتر از آثار رازی به: فهرست کتابهای رازی و نامهای کتابهای بیرونی، از دکتر مهدی محقق، (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶) مراجعه شود. [۴] (۲). فرهنگ اسلام در اروپا، دکتر زیگرید هونکه، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر اسلامی، بی تا، صص ۲۴۱-۲۳۷. [۵] (۱). ابن الندیم- ابو الفرج محمد بن اسحق (۳۸۵-۲۹۷ ه. ق. ۹۹۹-۹۰۹ م) صاحب تألیف نفیسی است به نام «الفهرست» یا «فهرس العلوم» که در آن از فنون مختلفه مانند لغت- مذهب- نحو- اخبار- آداب- طب و کیمیا- انساب سیر- شعر- کلام- فقه- فلسفه و امثال آن و دانشمندان این فنون را با شرح حال و عقاید و کتب و مؤلفاتشان با بیانی بسیار سلیس و عبارتی شیرین به عربی نگاشته که سند بسیار محکم و متقن برای عموم مراجعه کنندگان و تذکره نویسان می باشد. کتاب الفهرست در مصر و لیبزیک آلمان [Leipzig] [به چاپ رسیده است. [۶] (۲). ابن ابی اصیبعه- نامش احمد پدرش قاسم ملقب به موفق الدین مکنی به ابو العباس و مشهور به ابن ابی اصیبعه می باشد و از پزشکان مائه هفتم هجری قمری و در طب و حکمت و فلسفه و تاریخ دستی بسزا داشته است. وی را کتابی است بسیار نفیس و سودمند به نام «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» که سرگذشت همه پزشکان و حکما از پیدایش طب تا دوران خود می باشد و یکی از بزرگترین سندهای تاریخی می باشد- این کتاب در دو مجلد در مصر به سال ۱۲۹۹ هجری قمری مطابق با ۱۸۸۳ میلادی چاپ شده است. وفات

ابن ابی اصیبعه به سال ۶۶۸ هجری قمری مطابق با ۱۲۶۹ میلادی می باشد. [۷] (۳). بیرونی - ابو ریحان بیرونی فیلسوف و منجم و ریاضی دان معروف ایرانی است - تولدش به سال ۳۶۲ هجری قمری مطابق ۹۷۲ میلادی در خوارزم و وفاتش به سال ۴۴۰ هجری قمری مطابق ۱۰۴۸ میلادی در غزنین اتفاق افتاده است. وی را مؤلفات بسیار معتبر می باشد که مهمترین آنها کتاب «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» و «ماللهند» می باشد. به علاوه رساله مخصوصی در باب کتب و رسالات محمد زکریای رازی تألیف کرده است که به سال ۱۹۳۶ میلادی تحت عنوان: «رساله للبیرونی لفهرست کتب محمد بن زکریای الرازی» **Epitre de Beruni, Contenant des ouvrages de Muhammad B. Zakariya Ar- Razi** با شرح و حاشیه از طرف پاول کراوس **P. kraus** در پاریس به چاپ رسیده است. به نظر می رسد این کتاب اولین بیلوگرافی است که دانشمندی از دانشمند دیگر به صورت کتاب یا رساله مخصوص به رشته تحریر در آورده است. [۸] (۴). **Lenglet** **Escutial**. (۱) [۹]. **Histoire de la philosophie herme? tique** (Dufresnoy) - کتابخانه مشهور اسپانیا) غیر از کتابخانه مادرید) که در شهری به همین اسم می باشد و خارج شهر در شصت کیلومتری مادرید واقع شده این نقطه همان جایی است که چندی قبل محل نزاع و کشمکش بین اسپانیائیهها بود و بدبخانه ممکن است بسیاری از نفائس و کتب قیمتی و غیره در طی این گیرودار و نزاع از بین رفته باشد. [۱۰] (۱). **Encyclope ?diste** - سردسته آنها **Freind** فرند است. رجوع شود به کتاب «زندگی علمای مشهور». **Vies des Savants illustres** تألیف (۲) [۱۱]. **L. Figuiet**.

رجوع

شود به کتاب الفهرست و عیون الانباء و رساله بیرونی. [۱۲] (۳). رجوع شود به کتاب الفهرست. [۱۳] (۱). نقل از: مؤلفات و مصنفات ابو بکر محمد بن زکریای رازی، با تصحیحات و حواشی دکتر محمود نجم آبادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، مقدمه، صص ۵-۱. [۱۴] (۲). عیون الانباء، ص ۴۲۳. [۱۵] (۳). الجماهر فی معرفه الجواهر، ص ۷۲. [۱۶] (۴). البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۹۴؛ نقل از فهرست کتابهای رازی، ص ۱۵۵. [۱۷] (۵). شرح قصیده خواجه ابو الهیثم جرجانی، ص ۵۰؛ نقل از: فهرست کتابهای رازی، ص ۱۵۵. [۱۸] (۶). مؤلفات و مصنفات رازی، ص ۶۴؛ نیز، رک: همان، ص ۱۹۰. [۱۹] (۱). مؤلفات و مصنفات رازی، صص ۳۲۸-۳۲۷. [۲۰] (۲). فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، ج ۵، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۴۱. [۲۱] (۳). رک: خواص الاشیاء (متن کتاب حاضر)، ص ۲۷، باب چهارم، فنداریقون. [۲۲] (۱). س: ذکر یا. [۲۳] (۲). به قیاس افزوده شد. [۲۴] (۱). س: + جهت. [۲۵] (۱). س: و؛ به قیاس اصلاح شد. [۲۶] (۲). به قیاس افزوده شد. [۲۷] (۱). س: اناب. [۲۸] (۱). به قیاس افزوده شد. [۲۹] (۲). به قیاس افزوده شد. [۳۰] (۱). س: زانید. [۳۱] (۱). به قیاس افزوده شد. [۳۲] (۱). به قیاس افزوده شد. [۳۳] (۱). به قیاس افزوده شد. [۳۴] (۲). س: شیرمله. (?) [۳۵] (۳). س: الوابالو. [۳۶] (۱). به قیاس افزوده شد. [۳۷] (۲).

س: + و. [۳۸] (۱). س: عنبی. [۳۹] (۱). به قیاس افزوده شد. [۴۰] (۲). س: + درم. [۴۱] (۱). س: خر؛ به قیاس اصلاح شد. [۴۲] ابوعلی - مترجم: رازی، محمد بن زکریا، خواص الأشیاء، جلد ۱، مجمع ذخائر اسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ه. ش. [۴۳] (۱). به قیاس افزوده شد. [۴۴] (۱). به قیاس افزوده شد. [۴۵] (۲). س: قارون. [۴۶] (۳). یا این مطلب افزوده کاتبان است؛ یا این که اگر نوشته مؤلف یا مترجم باشد، نشانگر ردّ انتساب این کتاب به زکریای رازی است؛ چرا که تولّد و وفات ابن سینا بعد از رازی است و حدود یک قرن از هم فاصله زمانی دارند. [۴۷] (۱). به قیاس افزوده شد. [۴۸] (۲). به قیاس افزوده شد. [۴۹] (۱). س: ققطافلون. [۵۰] (۲). س: ظرف یا چینی. [۵۱] (۱). س: قلیغیون. [۵۲] (۱). س: سنجرسنا. [۵۳] (۲). به قیاس افزوده شد. [۵۴] (۳). به قیاس افزوده شد. [۵۵] (۱). به قیاس افزوده شد. [۵۶] (۲). س: غافث سروبن. [۵۷] (۱). س: استفراق. [۵۸] (۱). س: زحر. [۵۹] (۱). س: اصطقیقون. [۶۰] (۱). به قیاس افزوده شد. [۶۱] (۱). س: کذا؛ در متون طبّی یافت نشد؛ شاید «جزر» (هویج) باشد؟ [۶۲] (۲). س: کذا؛ همچنان یافت نشد. [۶۳] (۱). س: خشک. [۶۴] (۲). به قیاس افزوده شد. [۶۵] (۱). به قیاس افزوده شد. [۶۶] (۱). س: زیق. [۶۷] (۱). س: کذا؛ یافت نشد. [۶۸] (۲).

س: حفظ. [۶۹] (۱). س: رانش. [۷۰] (۱). س: + متلا. [۷۱] (۲). به قیاس افزوده شد. [۷۲] (۱). به قیاس افزوده شد. [۷۳] (۱). س: معجون. [۷۴] (۲). به قیاس افزوده شد. [۷۵] (۱). به قیاس افزوده شد. [۷۶] (۱). به قیاس افزوده شد. [۷۷] (۱). س: دکر. [۷۸] (۱). به قیاس افزوده شد. [۷۹] (۱). س: اندمروح. [۸۰] (۲). به قیاس افزوده شد. [۸۱] (۱). به قیاس افزوده شد. [۸۲] (۱). به قیاس افزوده شد. [۸۳] ابوعلی - مترجم: رازی، محمد بن زکریا، خواص الأشیاء، جلد، مجمع ذخائر اسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ه.ش. [۸۴] (۱). س: بلبله. [۸۵] (۱). س: اختلاف. [۸۶] (۱). به قیاس افزوده شد. [۸۷] (۲). س: طبرقیوسی. [۸۸] (۱). به قیاس افزوده شد. [۸۹] (۱). به قیاس افزوده شد. [۹۰] (۱). به قیاس افزوده شد. [۹۱] (۱). س: کعک. [۹۲] (۲). به قیاس افزوده شد. [۹۳] (۳). به قیاس افزوده شد. [۹۴] (۴). به قیاس افزوده شد. [۹۵] (۱). س: بیادم(?) . [۹۶] (۱). به قیاس افزوده شد. [۹۷] (۱). به قیاس افزوده شد. [۹۸] (۱). به قیاس افزوده شد. [۹۹] (۱). س: اسبزه. [۱۰۰] (۱). س: عبیدان. [۱۰۱] ابوعلی - مترجم: رازی، محمد بن زکریا، خواص الأشیاء، جلد، مجمع ذخائر اسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ه.ش. [۱۰۲] (۱). س: کلکی. [۱۰۳] (۱). س: نیززا. [۱۰۴] (۱). س: بیرز. [۱۰۵] (۲). س: + خیر.

[۱۰۶] (۱) . به قیاس افزوده شد. [۱۰۷] (۲) . س: + دیها(?) . [۱۰۸] (۳) . به قیاس افزوده شد. [۱۰۹] (۱) . س: سل. [۱۱۰] (۲) .
به قیاس افزوده شد. [۱۱۱] ابوعلی - مترجم: رازی، محمد بن زکریا، خواص الأشیاء، ۱جلد، مجمع ذخائر اسلامی - قم، چاپ:
اول، ۱۳۸۸ ه.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

الزمر: ٩

المقدمة:

تأسس مركز القائمية للدراسات الكمبيوترية في أصفهان بإشراف آية الله الحاج السيد حسن فقيه الإمامي عام ١٤٢٦ الهجرى في المجالات الدينية والثقافية والعلمية معتمداً على النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائيين والمثقفين في الجامعات والحوزات العلمية.

إجراءات المؤسسة:

نظراً لقلّة المراكز القائمية بتوفير المصادر في العلوم الإسلامية وتبعثها في أنحاء البلاد وصعوبة الحصول على مصادرها أحياناً، تهدف مؤسسة القائمية للدراسات الكمبيوترية في أصفهان إلى التوفير الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلى الباحثين في العلوم الإسلامية وتقديم المؤسسة مجاناً مجموعةً إلكترونيةً من الكتب والمقالات العلمية والدراسات المفيدة وهي منظمة في برامج إلكترونية وجاهزة في مختلف اللغات عرضاً للباحثين والمثقفين والراغبين فيها. وتحاول المؤسسة تقديم الخدمة معتمدةً على النظرة العلمية البحتة البعيدة من التعصبات الشخصية والاجتماعية والسياسية والقومية وعلى أساس خطة تنوى تنظيم الأعمال والمنشورات الصادرة من جميع مراكز الشيعة.

الأهداف:

نشر الثقافة الإسلامية وتعاليم القرآن وآل بيت النبي عليهم السلام
تحفيز الناس خصوصاً الشباب على دراسة أدق في المسائل الدينية
تنزيل البرامج المفيدة في الهواتف والحاسوبات واللابتوب
الخدمة للباحثين والمحققين في الحوزات العلمية والجامعات
توسيع عام لفكرة المطالعة
تهميد الأرضية لتحريض المنشورات والكتّاب على تقديم آثارهم لتنظيمها في ملفات إلكترونية

السياسات:

مراعاة القوانين والعمل حسب المعايير القانونية
إنشاء العلاقات المترابطة مع المراكز المرتبطة
الاجتناب عن الروتين وتكرار المحاولات السابقة
العرض العلمي البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ في نشر المعلومات
من الواضح أن يتحمل المؤلف مسؤولية العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الكتب والملزمات والدوريات

إقامة المسابقات في مطالعة الكتب

إقامة المعارض الالكترونية: المعارض الثلاثية الأبعاد، أفلام بانوراما في الأمكنة الدينية والسياحية

إنتاج الأفلام الكرتونية والألعاب الكمبيوترية

افتتاح موقع القائمة الانترنتى بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافية وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمى لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدينية والأخلاقية والاعتقادية والردّ عليها

تصميم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ويب كيوسك kiosk، الرسالة القصيرة (sms)

إقامة الدورات التعليمية الالكترونية لعموم الناس

إقامة الدورات الالكترونية لتدريب المعلمين

إنتاج آلاف برامج فى البحث والدراسة وتطبيقها فى أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ويمكن تحميلها على ٨ أنظمة؛

JAVA.١

ANDROID.٢

EPUB.٣

CHM.٤

PDF.٥

HTML.٦

CHM.٧

GHB.٨

إعداد ٤ الأسواق الإلكترونية للكتاب على موقع القائمة ويمكن تحميلها على الأنظمة التالية

ANDROID.١

IOS.٢

WINDOWS PHONE.٣

WINDOWS.٤

وتقدّم مجاناً فى الموقع بثلاث اللغات منها العربية والانجليزية والفارسية

الكلمة الأخيرة

نتقدم بكلمة الشكر والتقدير إلى مكاتب مراجع التقليد منظمات والمراكز، المنشورات، المؤسسات، الكتاب وكل من قدم لنا المساعدة في تحقيق أهدافنا وعرض المعلومات علينا.

عنوان المكتب المركزي

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آواده اي، زقاق الشهيد محمد حسن التوكلي، الرقم ١٢٩، الطبقة الأولى.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البريد الإلكتروني : Info@ghbook.ir

هاتف المكتب المركزي ٠٣١٣٤٤٩٠١٢٥

هاتف المكتب في طهران ٠٢١ - ٨٨٣١٨٧٢٢

قسم البيع ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩ شؤون المستخدمين ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩.

مركز
للبحوث والتحريات الكمبيوترية
اصبحان

الغمامة



للحصول على المكتبات الخاصة الاخرى
ارجعوا الى عنوان المركز من فضلكم
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

و للايحاء من فضلكم

٠٩١٣ ٢٠٠٠ ١٥٩

